

مسائل بین المللی

مجله تفوریک و اطلاعاتی

شماره ۶ (۸۴)

آذر - دی سال ۱۳۵۵

مجله "مسائل بین المللی" که هر دو ماه یکبار انتشار
می یابد، به تشریح مسائل تفوریک و سیاسی جنبش جهانی
کارگری اختصاص دارد. متنهای این مجله از میان مقالات مجله "مسائل
صلح و سوسیالیسم" که تشریح تفوریک و اطلاعاتی احزاب
کمونیست و کارگری و متفکران کهنه نظریات و اندیشه
های آن است، انتخاب و ترجمه میشود.
در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۱۱ و ۲۱
(نوامبر - دسامبر) سال ۱۹۷۶ مجله "مسائل صلح و
سوسیالیسم" چاپ رسیده است.

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله

"مسائل بین المللی":

Berlin
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9408-3131-0010

فهرست مقالات این شماره:

نویسندگان مقالهها	عنوان	صفحه
ازکیل باهاواتسو	اتحادی که اکثریت بوجود آورد و ازبوتۀ آزمون تاریخ بدرآمد	۱۱ - ۳
هاروی تیش	وحدت سیاسی و اقتصادی واجتماعی حزب سوسیالیست متحد آلمانیان	۲۰ - ۱۱
نیکلای پتروویچف	حزب طایفه و حزب خلق	۲۱ - ۲۱
پیوگ ایندراشارنا	منابع نیروی حزب انقلابی	۳۸ - ۳۰
گئورگ کویا تفسکی	انسانهای زانده درجهان آزاد *	۴۵ - ۲۶
ولا دیمیل ولکتورسکی	درباره منطق پیشرفت معلومات تئوریک	۵۶ - ۴۶
حمید صفوی		
سوفیاد وگا سترو	فاشیسم و تاتیک * دروکراسی پارلمانی *	۶۳ - ۵۷

اتحادی که اکثریت بوجود آورد

ازبوتۀ آزمون تاریخ بدرآمد

ازکیل باهاواتسو
 دبیرکل حزب ترغیخواه
 زحمتکشان قیصری

در آستانه شصتمین سالروزیکه لنین بزرگ پیدایش نام اجتماعی نوین یعنی نظامی را که در قطب مخالف بهره کشی سرمایه داری و امپریالیستی قرار داد بشارت داد، بشریت متروقی یکبار دیگر بهروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت را که حائز اهمیت تاریخی - جهانی است جشن میگیرد. گمشتن زنجیر سیستم امپریالیستی درین ششم کره ارض در نتیجه انقلاب فاشیسم آلمانی و تشکیل نخستین کشور سوسیالیستی در جهان و تبدیل روسیه عقب مانده پیشین در مدت زمان تاریخی کوتاهی به دولت مقتدر سوسیالیستی که در رهبری مارکس و لنین در برابر فاشیسم آلمانی ایستادگی کرد و بر آن پیروز شد، کامیابیهای عظیم خلقهای اتحاد شوروی در تمام زمینه های رشد و ترقی - همه اینها بمعنی استقرار آن نیروی بود که از همان آغاز پیدایش پختگی گاه استوار و متحد اطمینان بخش جنبش انقلابی در همه کشورهای و در همه قاره ها تبدیل شد به این جنبش نیروی و تحرک تازه ای بخشید.

در واقع هم تنها انقلاب اکثریت آنچه که باید دل شدن اتحاد شوروی ببلکه کشور سوسیالیستی بزرگ در ارتباط است بوی گذار به سوسیالیسم بمقتاس جهانی کمیخص کننده دوران ما است، امکان عینی شرایط ضروری ایجاد کردند.

یکی از نتایج برجسته انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت را که پیشرفت جهانی پیدایش روشد و گسترش جنبشهای بخش ملی در کشورهای متحد بد است که اکنون تقریباً بخلای کامل سیستم مستعمراتی امپریالیسم انجامیده است.

اینها خلقهای کشورهای زیند رسته کوشش فراوانی بکار میزنند تا بمقتضای اندکی اقتصادی و وابستگی از امپریالیسم با یان دهند و بایگیری و ابرام برآیند مستأجری روابط اقتصادی بین المللی با حقوق برابر تلاش میکنند.

در این حال نیروی تحریرش مناسب است همبستگی اتحاد و کمک متقابل در مبارزه طایفه امپریالیسم که میان اتحاد شوروی و کشورهای جامعه سوسیالیستی و جنبشهای بخش ملی موجود است در این کوشش با روشنی هر چه بیشتری متجلی میگردد.

تحریرش این هماهنگی را تاریخ بارها به اثبات رسانده است. این تاثیرات نهاد در مرحله مبارزه مستعمرات و کشورهای وابسته بخاطر آزادی سیاسی بپروژه میکند.

خلقهای آسیا و آفریقا و بریکای لاتین در مرحله کنونی از پشتیبانی موثر سوسیالیسم جهانی برخوردارند و این مرحله ایست که نهایتاً ناگزیرند تجار و امپریالیسم را دفع کنند و هنگامی است که مرکز قتل مبارزه راهی بختر ملی محیطه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی متوقف میشود و کوششهای راهم که برای تغییر خصلت بنا بر روابط اقتصادی کشورهای جوان با کشورهای پیشرفته سرمایه داری بسود آنکسوها بعمل میآید در بر میگیرد. این پشتیبانی که به تناسب افزایش قدرت اقتصادی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و تأثیر آن بر روند حوادث در جهان فزونی مییابد، اکنون عاملی است که اهمیت دیرپای آن بر هم میآورد و آنرا بر حلقه بر حلقه از انحصار امپریالیستی نوزکلاملاً آشکاراست. از همین روست که اقداماتی که در جهت تصفیح یا حتی برهم زدن اتحاد میان سوسیالیسم جهانی و جنبش آزادی بختر ملی به عمل میآید در راستای و تاکنیک امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن درازای چنین مقام مبعی است.

درویش نیروها و ارتجاعی، راستگرا و سازشکار در مراحل آخری خود در دوران تاریخی ادوار بحرانی قانونند بهای معینی وجود دارد: در این لحظات تعرضات شوریک و سیاسی آنها طبقه مسائل گریه میزند جنبش انقلابی متراکم میگردد. این پدیده را اکنون میتوان در سناقه مابین سناقه کاری در ایام بدست مشاهده کرد. در اوضاع متشنج و انفجاری که در آنالیا ای برادران سناقه موجود است حولات بزرگ مهندسی که مابین های نیروی زحاشی بختر ملی و سوسیالیسم اتحاد نزدیک ضد امپریالیستی آنها پیوسته علیه همگاری و دوستی با اتحاد شوروی از پیش آرمونه تاریخ بدر آمد و تشدید شده است. در کشورهای خارون نزدیک و قریب نظرات و عقاید بیگانه با مافوق مبارزه و خلقهای ناباد آشفته ای گسترده و تبلیغ میشود و حولات و انتباهات آشکار ضد شوروی فزونی یافته است. مبارزه جدی و وظائف با این دو سانس را وظیفه خود و وظایف مکتومیت ها و هغه مبین پرستشنانی مد انیم. مصداق کفر اتم برلن ۲۹ حزب کمونیست و کارگری اروپا نیز مابیه این مبارزه علیه کارزار تبلیغاتی که از جانب محافل امپریالیستی و ارتجاعی بر ضد احزاب کمونیست و کشورهای سوسیالیستی و تقدم بر همه علیه اتحاد شوروی و نیروهای سوسیالیسم در آن رد میشود فرامیخواند.

عید هند و جغرافیای این اشکال در آنستکه در صورت ظاهر واقعیت جهان معاصر و روزی ای ارتشکلی شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را در آمونین الطلی در نظر میگیرند، اما این پدیده با همه ابعاد نادرست تعبیر می کنند. مثلا محافل راستگرای قریب ضمن استناد بواقعیات گسترش همکاری و تلفیق میان شوروی و ترکیه، ادعا میکنند که به همین علت گویا اتحاد شوروی به یافتن راه حل معضله تبرین بهیچوجه علاقه مند نیست و حتی حفظ وضع کنونی بسود آن است. مخالف همین ارتشکری عسری مثنی ای را که اتحاد شوروی در زمینه و خاست زدائی در اوضاع بین الطلی اتخاذ کرد و بنامه سازش با امپریالیسم و کوشش برای یافتن زبان مشترک با ایالات متحده آمریکا و گویا بزبان منافع اعراب تمسیر و تغییر می کنند. ارتجاع عرب با این ادعای نادرست که گویا هرگز در آن حل و فصل مسئله خاور نزدیک و مدیترانه در این منطقه مقدم بر هر چیزی نیست "کمونیسم بین الطلی" است، انتباهاتی بسند اتحاد شوروی وارد میسازد.

وجه مشترک بسیاری از این قبیل حولات و اعتراضات ترق تلاش برای اثبات این است که سیاست خارجی شوروی بر گام تسم خود خواهانه نیست و استوار و اثربنا سوسیالیسم این خط مشی ذاتی است و محرک آن عطف و تعامل شدیدی برای حلقه مانی در عرصه بین الطلی می باشد. در ضمن یاد آوریم که چنین تعبیر مضرضانه سیاست شوروی مرتاز و این نیست و تبلیغات ارتجاع در میزبان است نظریه بختر "امپریالیسم شوروی" را علم کرده و امروزه حلقه در اد کشورهای آسیا و آفریقا بسیار

با متروشک "خطر شوروی" بترمانند. بد خواهان کنونی بزرگ سوسیالیستی تلاشهای فراوانی بکنار میبرند که این کشور را در نظر خلقها و آسیا و آفریقا بنامه "دولت امپریالیستی تازه ای" جلوه دهند و کویا میگویند همزمن خود را بر جنبش زحاشی بختر برقرار سازد. اما هرگز که حتی آشنای کمی بنا تاریخ سیاست خارجی اتحاد شوروی دارد نمیتواند حداقل به دو خصوصیت بنامه آن توجه نکند.

نخستین آنکه اتحاد شوروی از دوران انقلاب اکثریت کون سیاسی را در عرصه جهانی در نیال میکند که درجه استقلالهای کردن "سیاست" امپراطوری، در مناسبات بین المللی است که در دوران سلطه سرمایه داری وجود داشت و این سیاست کشورهای تازه "ضعیف و قوی" تعیین میگرد و طبق آن کشورهای ضعیف موظف به تبعیت اقتصادی و سیاسی از کشورهای قوی بودند که در واقع این اتحاد شوروی وجود بدت و سیاست آن بود که موجب درهم فرو ریختن سلطه جهانی امپریالیسم در عرصه های سیاسی و اقتصادی و باید تلویحاً کردید. اگر در دوران پیش از اکثریت مناسبات فرمانروایی و تبعیت در زندگی بین المللی سلطه بود، پیرامون انقلاب در روسیه و جزو پرازنشکلی سمیت سوسیالیستی، اصول برابری حقوق و همبستگی ضد امپریالیستی در صحنه جهانی نفوذ افزایش یابند و دارد. اگر در گذشته سرمایه داری جهانی همه خلقها به سر هم خلقها و ستممات را سرکوب و استعمار میکرد، پیرامون روسیه از سیاست سرمایه داری و همه خلقها دولت شوروی نقشه خطا و سلطه اقتصاد سرمایه داری محدود شد، بلکه نیروی تازه ای پدیدار گشت که قادر بود در آینده و قدرت سیاسی و اقتصادی امپریالیسم را به هم آوردی فراخواند. سرانجام با پیروزی انقلاب کمپراکترا پد تلویحاً امپریالیسم سلطه بلا سناخ خود را از دست داد. مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه های ملی و صیون پرستی در مبارزه علیه آئین های ضد انسانی استعمار کمدی، برتری بطلقت بر ملت دیگر بود و به اسارت و آوردن و سپهر مکنی از ضد هاشمین انسان را از آرف امپریالیسم تبرک می کند، در نظر متحد یکدیگر با عرصه نهادند. تحولات ژرف در محیط بین المللی که جنبش رهائی بختر در آن گسترش یافته از تاریخ کلی تنگ شدن محیطه سلطه امپریالیسم می باشد. این جنبش در آنست که ای با فتا و این توانائی را بدست آورد که قادر است رسالت تاریخی خود را پیروزند انه تحقیق بخند.

دو دیگر سیاست خارجی اتحاد شوروی همواره متوجه تبدیل جنبش رهائی بختر ملی بخشوری مقتدر در جهان معاصر و بزرگام اراد مستقل خلقهای شرک کنند و در آن بوده است. این سیاست همواره به تقویت نیروی جنبش رهائی بختر و استحکام قدرت و آمادگی آن برای مبارزه کمک کرده است. همواره عظام ریمیت بر اتحاد شوروی و در مبارزه بختر آنکه خلقهای اسارت زده به پیشین بنامه آمینندگان واقعی تاریخ بر صرح میمانند. گم نهند جنبه انترناسیونالیسم نمیتوان تصدیق و تشریح کرد.

در اینک بسیاری از کشورهای جوان که در گذشته وابسته و وابسته معارضه بوده اند و اکنون نقش هر چه موثرتری در زندگی بین المللی ایفا میکنند اتحاد شوروی سبب شایانی دارد. بطور مثال در واقع پشتیبانی براداران اتحاد شوروی بدولت انقلابی مصر کمک کرد که به اراده واقعی ملت جامعه عمل بوشود و در دوران رفیع جمهوری ناصر در سناقه قضا و سراسر "جهان سوم" برای کشورهای اعتبار و حیثیت کسب کند. این پشتیبانی که تحقق شمرخمن می باشد، تحولات اجتماعی - سیاسی و سیاست خارجی عملی ساختن اصول عدم الحاق به پیمانها و سیاست گیری ضد امپریالیستی بگور میسبیل کرد. سیاسی در هسل اخیر روابط بین المللی کشورهای دیرین مانند عراق و سوریه و الجزیره که به تعرضات گسترده با

علمی و معاصر امپریالیسم و از جمله در جنبه اقتصادی و سطح زندگی و تمدن و سایرین نمایان توجهی است که تاکنون نداشته است. در این مورد هم پشتیبانی شوروی نقش ویژه ای ایفا کرد. صدام حسین معاون رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق گفت: "باید در نظر داشت که بسیار مصلحتی عرب بخاطر آزادی اقتصادی و پیشرفت و توسعه جامعه ما به سیاست امپریالیستی در نظر انداخته است. این امر ارتباط با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی را در این رشته ضروری و طبیعی و موافق با منافع ما می نماید. (۱)

زندگی نشان داده است، و هر بار که بجای چشم پوشی از واقعیات با روشن بینی به فاکتورها توجه شود، آنها هم بعد شوروی بی اثر نخواهند شد. تا به حال سیاست شوروی و کشورهای میسری و شوروی و صحرای مستعمرات را با هم با هم به جعل و تحریف برشته تحریر آورده و ملی سرشت واقعی این ملت را با این عمل قلمبندی کرده اند. زهر تاریخ و آفتاب واقعیت این ملت را در دل خلعها و آسیا و آفریقا می نویسند. و این تاریخ در ذهن آنها از تجربه واقعی جنگاری با کشورهای موجود می آید.

بگرفته عوامل بنیادی وجود دارد که به روابط خلقهای کشورهای در حال رشد با اتحاد شوروی در نظر این خلقها اهمیت ویژه ای میدهد.

این عوامل کدامند؟
 ۱ - دولت شوروی از نخستین روزهای خود به تنگنا گاه مقتدر مبارزه ضد استعمار تدریجی پیش می برد. مراحل دروازه سازی مانند پیکارهای رهایی بخش سالهای ۲۰ و ۳۰ و دوره دوران جنگ دوم جهانی که اتحاد شوروی در آنها نقش قاطع داشت از خاطره نسلی ما معاصرین منوشدنی است. ملت چین است که اظهارات خود خواهانه و بیستون چرچیل که در نتیجه جنگ جهانی دوم میگفت از نخستین روزها در شاه انگلستان نشده است که هنگام انقراض امپراطوری بریتانیا صد ارتکد می برد و چه در گرگونها می مد اوم نقشه سیاسی جهان در سالهای تلاشی میست مستعمراتی جدیدی قرار داشت که مفهوم مستعمرات را به کلی منسوخ کرد. و کینه تبدیل ساخت برای پرسونله جنبش رهایی بخش دامنه وسیع به سابقه از ناصی نمود؟ ما چیزی بخلاف حقیقت نگفته ایم اگر کمونیسم هرگاه نخستین حکومت کارگری و دهقانی در جهان وجود نداشت چنین گرگونهای قریبال حضور بود.

۲ - خلقهای آسیا و آفریقا بخصوص بخاطر دارند که درست همین اتحاد شوروی همسواره در بحرانی ترین لحظات به آن کمک کرده است که در برابر دشمنان خود ایستادگی کنند. تجارب و پیغام و کوبا و بسیاری از کشورهای همسایه گواه این امر است. آخرین نمونه درخشان انترناسیونالیسم واقعی مردم شوروی با مردم ایران است. امروز هم با وجود وسایلی و تمهیداتی و فشار امپریالیسم کارزور در جزیره مارا به پایگاه و نظامی بهمان ناتو تبدیل کند، خلق قهرمانی بخوبی در دست می کند که دولت مقتدری وجود دارد که طرفدار آنست و با اشکان تراشگی و کارشکنی در امر حمل و نقل مسئله قبرس و تلاشهای کمزوری یافتن راه حل مسئله قبرس بدون شرکت اهالی قبرس و در جهت منافع معدود این یا آن کشور و یا بهمان نظامی انجام میگیرد. مخالف می باشد. این دولت اقتصاد شوروی است. در اواخر ۲۲ ژوئیه سال ۱۹۷۶ خیمرگزاران تلگرافی شوروی (تاس) موضع اصولی دولت شوروی که اجرای قهری و کامل تصمیحات سازمان ملل متحد در مورد قبرس را ضروری می شمارد و بهاره تاکید کردید. به پیشنهاد معروف شوروی در باره فراخواندن کنفرانس بین المللی در جهت ارجح و

۱ - اتحاد میست سوسیالیستی جهانی و جنبش رهایی بخش ملی "بنگام نشریات بین المللی" صلح و سوسیالیسم، پراگ سال ۱۹۷۵، ص ۲۴.

سازمان ملل متحد بنظر او بر حل و فصل عادلانه بحران قبرس، کمبود پشتیبانی قاطع حزب ساقزوار گرفت و در جزیره ملین گسترده ای داشت.

۳ - ساختار هنرگوشه ای که با کمکهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی در کشورهای در حال رشد یافته و اینجا چنگیز و چنگیز اولی ساختارهای واقعی مانند سد آسوان و مجتمع ذغال سنگ هوان در مصر، سد فرات و زوسویه، تأسیسات ذوب آهن در جمهوری یوگوسلاوی و سایر درهستان به سطحهای واقعی استقلال ملی در این کشورها تبدیل میشوند. هنگامی اقتصاد این کشورها با اقتصاد شوروی به استحکام جانی استقلال سیاسی و اقتصادی آنها مملکت میکند. کمکهای نظامی-اقتصادی شوروی هم برای کمک به این هدفها است.

۴ - اتحاد شوروی همواره طرفدار آزادیهای ترقیخواه و میهن پرست یعنی اکثریت خلق در کشورهای میهنیاد است. بدون پشتیبانی اتحاد شوروی گمان نمیرود پرسشهای آزادی اجتماعی در بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا چنین دانشمندی را اکتفب میکرد. نمایندگان جزایر سابق در نیکراسی انقلابی اهمیت فوق العاده این کمکها را بارها تایید کرده اند.

تبدیل این جزایر با آنها به نیروی همایون چتر رهایی بخش معاصر درجات نمایان توجهی در نتیجه پشتیبانی پیگیر دولت سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی از جناح انقلابی اینست جنبش امکان پذیر گردید.

۵ - سیاست اتحاد شوروی در مسائل مانند مبارزه با خطر صلح و یوغات زدایی در منطقه جنبش رهایی بخش ملی با توجه ویژه به پرشوری روبرو گردید.

در تازهای کمونیستی جزیره فریاد زحمتکاران قهرمانیت پنجاهمین سال تأسیس حزب طبقه کارگر قبرس است. برنامه علمی که در ۲۴ - سین گنرگه حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح شد، تاکید کرده است. این برنامه که تاریخ آنرا در اتحادیه های انساندوستانه با روحیه ضد امپریالیستی تشکیل میدهد از نوبت ملیونها انسان را در تمام قاره های مستعمرات اتحاد شوروی در آورده است. در جریان تحقیق قراهای گنرگه ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی، مبارزه در راه صلح و یوغات زدایی به سطح عالی تری ارتقا یافت. اتحاد شوروی به گرانه در راه اجرای موافقت نامه های کنفرانس سراسر اروپا که در هلندینکی برگزار شد برای ایجاد اروپای صلح و همکاری و ترقی است. اجتماعی کوشش هر روز. چنانکه در سمت نهایی کنفرانس ۲۴ حزب کمونیست و کارگری اروپا حاضر شدند. بیشترهای مثبت در قاره اروپا برای مبارزه رهایی بخش خلقها و برای مبارزه علیه خطر جنگ و کاست و در مناطق در بحر جهان شرابها می باشد.

گرایش به یوغات زدایی بقیاتر جهانی بر مبارزه قهرمانی ها با خطر حفظ استقلال، حسنیت، حاکمیت و تمامیت ارضی هم تأثیر مثبتی می بخشد. البته این بدنامت نیست که تجاوزکارتر زمین محافل ناتو از نقشهای تبدیل قبرس به پایگاه خود در دریای مدیترانه صرفه کرده اند. اسلخ قهرمانیتها نیست.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای خلق قهرمانی در استان مطرف و صاد قسی هستند. مثلا ما میدانیم در شرایطی که دولت امپریالیستی در زمین اینکه از پیش به پیشنهاد های مربوطه با عنوان امنیت و رفاه در دریای مدیترانه با سرخستی استعمار یوزند و نیروهای نظامی دریایی خود را در این ناحیه تقویت میکنند، حضور واحد کشتی های جنگی اتحاد شوروی در دریای مدیترانه بدتر از بدعامل نیرومند طبع در این منطقه است و روی مسائل معنی تأثیر می دهد. اگر کند دارد. جامع بندی آنچه در بالا گفته شد روی این مطالب باید بیرون می کشیم که اتحاد شوروی بر خود

واقعی برادرانه به خلقهای کشورهای در حال رشد و صداقت و وفاداری به اصول انترناسیونالیسم پرورتری را با هر ادومل به اثبات رسانیده است . از همین روست که نظریات و تفکرات کسانیکه در این کشورهای ساحل خود و باطنی هم آن میان اتحاد و شعوری و ایالات متحده آمریکا و مسائل بین المللی خلاصتصاوی قرار میدهند تلاش دارند سیاست آنها را نسبت به کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین یکسان جلوه دهند ، باعث حیرت و گمانی حتی تنفروا نیزنداز میگردد .

۲

اکنون در مقامی که به ای که بموجب آن مسائل گریه برای سرزودت کشورهای بیونیساسا هنگامی میتوانند بخاورشتر حل و فصل شود که این کشورهای در صحنه جهانی خود را به اتحاد های دائمی عقیده نشان میدهند و در گزینش متحدین خود قضا به جنبه پراگماتیک مسئله توجه داشته باشند ، روح فزادوان یافته است . راستگرایان در همین اینها وفکر میکنند که اگر اتحاد و شعوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی نمیتوانند در خاتمه دادن به اشغالگری ترکیه بمانک کنند و جنبش کشورهای غیر متعهد قادر نیست ترکیه را تحت فشار قرار دهد ، پس از طرف باید تقاضای کمک کرد .

نموده دیگر این برخورد پراگماتیک موضوعی که مخالف جنبش آزادی کشورهای آمریسی است که تقریباً چنین فکر میکنند : حالا که کل و فصل کامل و همه جا تنها خلاصت و کسور نظرات اتحاد و شعوری است بد را می کنند ، پراختادنند اینهمینند و نیمه کاره با حد اکثر استفاده از " کمکهای غیر خواهانانه " ایالات متحده امریکایا بلا مطلق است . مفهوم واقعی چنین اندیشه جانی را میتوان بزرگ جمله خلاصه کرد و آن اینکه متحدین مانند و سرودن اما مانع ملی باقی میماند ، برخی از احزاب قوی همین این اندیشه را چنین فرمول بندی میکنند : " هر یک از طرفین بدون توجه به مطالبات متافع خود با متافع جانب های دیگر با متافع مشترک جامعه بین المللی در تلاش برای تحقق متافع خویش است " .

توجه بدین نکته در شورونیمت که این از برخورد سرشیت با بقایا متافع ملی را صاف و پویست کند و نادیده بگیرد . این نحوه برخورد ، چنانکه در قیوس مشاهده میشود ، عینتی به ارتجاعی غیر عناصر امکان میدهد خود را همین پرست و کمپوز برای وفا و مسامحت میهن جاویزند (۱) . این متافع را در کشورهای غربی هواداران سمبگیزی سوسیالیستی از کسوتها بر سر سازشکار و هواداران رژیم سلطنتی از سوی دیگر گونه های مختلف تعبیر میکنند . اگر گروه اول شاملوه اساسی سیاست خود را با ضابطه شد امیرالیسم میداند ، گروه دوم سمبگیزی همگاری با امیرالیسم را در پیش گرفته اند و تلاش بر آنند متافع ملی را با متافع انحصارات بین المللی سازگار کنند . بدین سخن روز و روزگوار ای انگیزه عمیق طبقاتی است و بلا توفیق با قلی آنها نسبت به خیزوهای بین المللی بطور عینی از پیش تعیین شده است . بهمین جهت است که نظریات " پراگماتیک ها " که تطابق با عدم متافع ملی نیروهای معین ملی را اجتماعی را که در معرضه بین المللی عمل میکنند و بنا کشورهای خود اظهارناظر میکنند ، در حقیقت تضاد فی اعلام میکنند چندان قانع کننده نیست .

سراسر تاریخ معاصر جهان گواهاست که همکاری بین المللی ، تماسهای سیاسی کشورها و اتحاد های با بقایا در زمزمه جانی دارای پایه اصولی معینی هستند که ناشی از متافع کشورهای معین اجتماعی است . مثلا اگر کشورهای سوسیالیستی تماسها خود را با کشورهای سرمایه داری بر پایه همزیستی مسالمت آمیز برقرار میکنند ، روابط آنها با کشورهای در حال رشد ، مشمول فرمتضوی

۱ - اما شکست قطعی راستگرایان ، در انتخابات پارلمان قهرور که در مه ۱۹۷۶ انجام گرفت نشان داد که آنها موفق به ترفیع خلق قهرور نشده اند .

ضد امپریالیستی است که بر پایه نزدیکی هدفهای طبقاتی در از حدت آنها استوار است . بهمین جهت هنگامی که میان این کشورهای میتوان بوظایف ترقیات اجتماعی فعالانه خدمت کند ، شکیلا تجر معنا سبب شعوری و کشورهای غربی و از آنجمله شعوری و مصر نشان دهند و این واقعیت است . مشکل جوان تصور کرد که رئیس جمهور فقید مصر با صراحت نشان داد و ستان با کشورهای شعوری را یک اتحادی صریح و صفتی و وابسته به شرایط روز حساب آورد . برعکس زندگی نشان داد که اگر این ترفیع نزدیکی دو کشور دارای ریشه های متافع مشترک در از حدت بود ، و همچنان بزرگ شخصیت برجسته بیشتر رئیس

بخش ملی از دیگران در همین است که او سیاست خود را بر پایه چنین اصول بنیادی مانند صفا روز نیکوگویی امیرالیسم و سایر به خاطر ترقیات اجتماعی برقرار میکنند که در زمین خانانامه محکم و بیانیسی برای متاسبات متقابل با جهان سوسیالیستی است . صداقت نسبت بدین اصول هنگام تقویس عینت ملی در شرایط فزاد و فزاد هم و هر انهمی طمشتی است .

بنا بر مباحثی منطقی " پراگماتیک ها " که از الیسم واقعی در سیاست تا این حد بدرواست در موضع گیری آنها در چنین مسله گریه مانند برخوردشان به دیگره دول یعنی دولت و متسع و امیرالیسم است . آشکارا مشاهده میشود . طبق معمول آنها نه فقط اتحاد شعوری و ایالات متحده امریکایا را در چنین تقاریر که تقاریر میدهند بلکه همچنین توصیه میکنند که بزرگاری ازین مصالح " ایسر قدر و شایسته " پیروی شود و از سیاست " فاصله گیری برابر " از آنها پیروی گردد . به جاست گفته شود که در گذشته ای دوری پیش کشورهای غیر متعهد در گذشته کمپانی بودند که با این نظریه " همزیستیم با قدر و شایسته ها " در پیروزی بودند گان تلاش داشتند مسائل از از دیره و مسائل واقعی کشورهای غیر متعهد خارج سازند (۱) . بدیهی است که بدین شکل قرارداد این کشورهای در مقابل کشورهای سوسیالیستی کابلا بنفع امیرالیسم است . موضع " فاصله گیری برابر " بطور عینی به امر آزادی ملی زمان میسرساند ، مثلا چنین موضع گیری (معاف معینی در باره تلاش داشتند آنرا بهمین پرستان از تگولا تحمیل کنند) برای انقلاب تگولا چمتا جینی میوانست بنا را در ؟ تصویر آمد های آن چند ان در شورونیمت .

سراجم در زیر پرده خط مشی پراگماتیک اغلب در اصول شرقی سیاست خارجی تجدید نظر میشود که این از همه خطرناکتر است . مثلا نیروهای راستگرای قهرور نعتها محدود کرد و درین حال نسبت با اتحاد شعوری و امتناع از سیاست عدم تمسحت سنتی کشورهای را تبلیغ میکنند ، بلکه در همین حال تلاش دارند به این تیرسانند که قهرور از احزاب " تاریخی و جغرافیائی و فرهنگی " متعلق به اروپا یا غربی است و گویا بهمین علت ما باید با سیاستهای اقتصادی و سیاسی اروپای غربی همگاری نزدیک داشته باشیم . در باره حل مسئله قهرور متافع راستگرایان و اتحادی در واقع بنا به پیشنهاد میکنند که این مسئله در چارچوب و طبق شرایط همان نا توجه شود که مفهوم آن در فصل تقسم جزیره میان ترکیه و یونان می بود .

در خاور نزدیک هم اغلب ندهائی بگوش میسرمد معینی براینکه " گید های عدم " حد و فصل مساله خاور نزدیک در دست ایالات متحده امریکا است بهمین سبب گویا در سمبگیزی سیاست خارجی باید تمسحت لا زوم بعمل آید . در اینصورت باید پرسید : مسامی سالهای شتاد می اعراب در مبارزه علیه امیرالیسم و تجاوز اسرائیل ، متفقا نتوانند بجای فلسطینی ها که در سنگین ترین پیگاری ملی در هاهزار تن تلفات داده اند چه معنی داشته است ؟ اگر خلقهای مستعمرات اینها در تصور میگردند

۱ - این مسائل بطور محسوس تر در مقابل کنعان " در باره خط مشی سیاسی کشورهای غیر متعهد " که در این شماره انتشار یافته بررسی شده است . هیئت تحریریه .

که کلیه استقلال آنها را رنجیب آورده است آنها است مشکل ما امروزه تقویت و توسعه گوا ملاحظه جهت تصمیم
صحتها را با ششم : اما این تلاشها انجامی باید و در زمان امرت شده را در درجه اول خلقها و آسیا
و افریقا داشتند و این گواه صحت سیاستها بود و اتحاد همه جانبه با جهان سوسیالیستی در نخست
اول با اتحاد شوروی است.

اساس پنجاه سال از زمان بعد از حزب تابعکارگرفرس سوری میشود ، کمیونتها ی کشور
ما با از زمان فعالیت قهرمانان این حزب با سر بلند ی میتوانند بگویند که آنها در جریان اجسرای
و تأیید انترناسیونالیستی خود هیچگاه از صرف سیاسی و نیروی مبارزه علیه پادشاهان نخستین
دولت کارگران و دهقانان که با اکثریت پادشاهان دولت سوسیالیستی اقتدار ی تبدیل گردید و در مبارزه
علیه همه مخالفان اتحاد دنیویها ی سوسیالیستی آزاد ی ملی فرودارنگردند . ما ضمن مبارزه
با اکثری کمونیسم در تمام مراحل تاریخ اتحاد شوروی این مطالب را بروشنی درک کرده ایم که ما این
اقدام پرستار آزادی ملی خود صید ایتر د ولت مستقل بر خیزد از زحی خاکست و تعامیت ارضی و واحد
فهرس را تسویح میکنند ، زیرا هر عنصر ضد شوروی و مخالف کمونیسم را همانا دشمن ما یعنی استثمارگر
عد کمونیست و مرتجع بوده است . این درسیا امروزه که ارتجاع جهنمی بین مبارزه علیه کمونیست
به اتهام زنی و تحریک علیه اتحاد شوروی میسر آید ، اهمیت خود را همچنان حفظ کرده است .
سرانجام ارتجاع و جنبش رهایی بخش ما این نتیجه روشن بدست می آید که اگر دوستان نیرومندان
پارحرفی و در نهایت اول کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و در زمان آنها اتحاد شوروی امروز
فهرس حمایت میگردند و در زمانی بود که فهرس بمطابق کمونیسم مستقل موجود بود خود را از دست
دادند .

و جدت سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی

حزب سوسیالیست متحد آلمان

مسئولین

جمهوری سیاسی کمیته مرکزی
حزب سوسیالیست متحد آلمان
صدر شورای مرکزی اتحاد بسته
سندیکا های آزاد آلمان

نهمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان که در مه سال ۱۹۶۶ در برلین تشکیل شد ، در ادامه
حاصلات سابقه با همه سوسیالیستی پیشرفته در جمهوری دموکراتیک آلمان و فراهم ساختن شرایط مناسب
لازم برای گذار و درجه بندی به کمونیسم را بمنزله هدفهای حزب تعیین کرد . در ضمن برنامه کمیته مرکز
حزب سوسیالیست متحد آلمان (سپتامبر سال ۱۹۶۶) نیز از جمع بندی نخستین نتایج پیشرفت
کشور را پس از کنگره یاد آور شد که این هدفهای الهام بخش با موفقیت تحقق میابد . بدین ترتیب
جمهوری دموکراتیک آلمان به مرحله نئی از پیشرفت خود گام نهاد ، رفیق هینکو ، دبیرکل کمیته مرکزی
حزب سوسیالیست متحد آلمان ضمن سخنرانی خود در برنامه تأیید کرد که " تحقق سیاست که تعیین
کنگره حزب تعیین کرده سیمای جمهوری دموکراتیک آلمان را با زحم بیشتر عرض خواهد کرد . در این
دریان خصلت انساندوستانه کارهای سازنده ما هر چه بیشتر بدست می آید . واقعیت جامعه سوسیالیستی
امکن میدهد این راه چاره روشن تر بیند که سوسیالیسم بر زندگی انسانها غنای بیشتری می بخشد
و بدان مضمون تازه ای میدهد " (۱) .

برنامه نهمین حزب سوسیالیست متحد آلمان که در کنگره نهم به تصویب رسیده طبق تعالیسم
مارکسیسم - لنینیسم و تجربه ای که ما در جریان پیشرفت سوسیالیستی بدست آورده ایم و مطابق
با نتیجه گیریهای تئوریک حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب برادر ، خطوط برجسته سوسیالیسم
پیشرفته را همانند مرحله ای از صورت بندی اجتماعی واحد کمونیستی بطور دقیق و همه جانبه تعریف
و توصیف نمود . در برنامه تأیید شده است که ساختن جامعه پیشرفته سوسیالیستی عبارت از پیروسی
تئوسرات زرف سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، معنوی و فرهنگی است . در برنامه خاطر نشان میشود
که " جامعه پیشرفته سوسیالیستی یعنی فراهم آوردن تمام شرایط ضروری مادی ، اجتماعی -
اقتصادی و بدنی و فیزیکی و نیایشی برای آشکار ساختن معنی و مفهوم سوسیالیسم است که در این جمله
خلاصه میشود : همه چیز برای " غیر و فرامردم ، بدون طبقه کارگر ، دهقانان ، معارضی ها ، روشنفکران
و سایر زحمتکشان . وظیفه نهمین در برابر ساختن جامعه پیشرفته سوسیالیستی ، طبق قانون اقتصادی

اساسی سوسیالیست‌ها عبارتند از: بالا بردن هرجه بیشتر سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم سرمایه آهنگ سریع رشد تولید سوسیالیستی، افزایش شرفی و ترقی علمی و فنی و بالا بردن بازده کار است" (۱۱).

و پایه عمده مذهب بار رهبران کنگره هفتم حزب فزونی بندگی و تدوین شد و از آن زمان به بعد بطور مداوم مبنی سیاسی حزب سوسیالیست متحد آلمان را مضمون میکند و برای آن بحث‌ها و مباحثات و استراحت در ازبختی است. هدف اساسی سوسیالیسم یعنی تأمین "رفاه کامل مادی و معنوی و پیشرفت آزاد همه جانی تمام اعضا" جامعه "۲۲" و ارتباط ارگانیک و وظیفه عمده حزب با مسائل لازم برای دست یافتن به این هدف با رشد کمی و کیفی تولید سوسیالیستی نیز جزو وظایف عمده است. وظایفی که بدان اشاره شد با قوانین عینی اقتصادی شیوه سوسیالیستی تولید و از جمله با مقتضیات قانونی اقتصادی و اساسی سوسیالیسم توافق کامل دارد و نتایج اصلی منافع اجتماعی و رفاهی را گه گسوسی و محرکه قاطع بسط و تکامل جامعه سوسیالیستی است، ضامن میکند.

وظیفه ای که از آن یاد کردیم و تحقق بهمگان طی سالهای اخیر در نظر حزب سوسیالیست متحد آلمان و مکرراتیک آلمان به آن گردید تا سیاست اقتصادی و اجتماعی حزب سوسیالیست متحد آلمان بطورزی متعین و یکپارچه است. تأمین این وسعت و تکامل فزاینده هر چه بیشترگان اعتماد ای گردید که این حزب وظیفه کارگروند مهای و خدمتگزار برقرار شده است. اطمینان تمام اتباع جمهوری دموکراتیک آلمان به اینکه علاقه به بهبود مداوم برآورده شدن نیازها و رفاه مادی و فرهنگی فزاینده مردم با دسترسرکز توجه حزب سوسیالیست متحد آلمان و دولت سوسیالیستی است، افزایش بیشتری یافت. آسودگی زحمتکشان برای صرف تمام نیروی خود در راه بالا بردن سطح قدرت اقتصادی جمهوری و دموکراتیک آلمان و شرکت فعال در تحقق سطوح اقتصادی و اجتماعی حزب از این اطمینان سرچشمه میگرد.

نتایج انجام برنامه پنجمه پیشین بسط و تکامل اقتصاد کشور (سالهای ۱۹۶۱-۱۹۶۵) دلیل آشکار این امر است. در اثرا افزایش فعالیت زحمتکشان در جهت انجام شرفی توپولاسف مربوط به پیشرفت اقتصادی کشور بالا ترین میزان رشد ترقی اقتصادی طی تمام برنامه‌های پنجمه است. بدست آمد. بر این پایه توانستیم میزان قابل توجهی شرایط زندگی مادی و فرهنگی مردم و بهبود بخشیده و هم چنین تدابیر و تاریخ جمهوری را در رشته سیاست اجتماعی مرحله عمل در آوریم. بطور مثال: در رشته انجام برنامه‌های ساختن مسکن طی برنامه پنجمه گذشته ششصد هشتاد مسکن بهتر از میانگین که در برنامه منظور شده بود، در واقع مسکن تقریباً ۱۸۰ میلیون تن از افراد ساکن در حدود ۱۱ درصد از اهالی جمهوری دموکراتیک آلمان بهبود حاصل گردید.

درآمد خالص نقدی مردم در مقایسه با سال ۱۹۶۰ تا ۲۶۶ درصد و درآمد واقعی سزاسنه در خزاندهای کارگران و کارمندان ۳۰ درصد افزایش یافت: (قیمتکالا های مصرفی عموم مردم و بهای خدمات، کار به فائده و قیمت بهای وسائل نقلیه کمتری به نامتاند است) . منظور بالا بردن سطح زندگی افراد مسن بخت ارحقوق بازنشستگی ۳۰۹ میلیون نفر از آنان افزوده شد و است و این اقدام با پیشرفت کمی و کیفی افراد بازنشسته نسبت به مدت بهر پیشه گذشته بشمار می آید. دموکراتیک جمهوری سرمایه ناری که به پدید مهای بحرانی از ویژگیهای آنها است، سطح بالای بیگاری در آنها تا به حال مشاهده است، تورم افزایش میابد و هزینه زندگی به طور سراسری با مردم به هم چسراس

1 - Programm der Sozialistischen Einheitspartei Deutschlands.
Berlin, Dietz Verlag, 1976, S. 19-20.

۲ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی)، جلد ۶، صفحه ۲۳۲.

زحمتکشان نسبت به آینده و شان شد تمهیدات و احساس عدم اعتماد اجتماعی رنج آوری سوزگار را برانند. ولی در جمهوری دموکراتیک آلمان سوسیالیستی مردم با اعتماد کامل به آینده میگردند و این اعتماد است. آنان روز بروز ستوارتر میگردند. در حالیکه افکار مضمونی و رسماری از کشورهای سرمایه داری از نواقی موجود در رشته آموزش و پرورش اظهار نظرگراس هر چه بیشتر میگذرد، در جمهوری دموکراتیک آلمان در همان سال ۱۹۶۳، که هم تمام کودکانی که در مدارس تحصیل میگردند سال هم راهبها بیان میگردند. در رشته زندگی معنوی و فرهنگی مردم پیشرو و نیازهای شان این توجهی بدست آمد است.

نهمین نکته حزب سوسیالیست متحد آلمان مقرب داشته که بطوریکه در این اعتراف به انجام وظایف عمده یعنی تأمین وحدت سیاست اقتصادی و اجتماعی در آریند نیز اشاره داده شود. این امر گواه پیگیری و تشویق نایبیری در مبنی سیاسی حزب سوسیالیست متحد آلمان است. رفیق هونگر در گزارش کمیته مرکزی بخشین کنگره حزب تأیید کرد که " حزب ما در آریند نیز تازگی و کوشش خود را در این راه بکار خواهد برد که موفقیت های فزاینده و در هرصورت زین شرف و ترقی در رشته تولید و معیشتیست. اجتناف از هر چه کمتره، تراز ستار و های علمی، وقتی به خیر و روزافزاید با همکاران و زحمتکشان خدمت کند و سطح زندگی مردم در آریند نیز بالا رود و مجموعه زندگی معنوی و فرهنگی مایه تر گردد. در ضمن باید بطوریکه به هر چه وقت بنسبید که وسایلی که اقتصاد کشور وجود میآورد کجا و چگونه افزایش میابد باز هم بیشتر تا توانا پیشرو اهالی کشور وجود شرایط کار زندگی زحمتکشان، بر پایه برنامه معین کمک و خدمت خواهد کرد" (۱۱) .

حزب سوسیالیست متحد آلمان در جریان تحقق بخشیدن به عهدهای اقتصادی و اجتماعی سیاسی خود این اصل ساده واکه جامع می تواند فقط آنچه را که تولید میکند بصرف رساندن یعنی اصلی را که بر او تمام زحمتکشان رویشان و آشکارا بخت و حقوق فزاینده در بر میان، در ترضیح و ناه و آشایتر روز افزون زحمتکشان توسعه و تولید درآمد علمی است. بزرگی شیوه سوسیالیستی تولید عبارت از این است که بر پایه مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و بر تعلق اقتصاد سوسیالیستی طبق برنامه در آریند علمی بدوین وقفه و آهنگ رشد بسیار زیاد افزایش می یابد. آهنگ های رشد متوسط سالانه آن علمی پنجمه است که گذشته ۲۰ درصد بود. این آهنگ های رشد بسیار زیاد علمی پنجمه کنونی هم حفظ خواهد شد. تا سال ۱۹۸۰ درآمد علمی ۲۷ تا ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. این بدان معنی است که طی پنج سال آینده درآمد علمی خواهیم داشت که در مجموع به بیش از ۸۳۰ میلیارد مارک خواهد رسید. بدین ترتیب درآمد و ۲۰۰ میلیارد مارک بیشتر از پنج ساله گذشته در اختیار جامعه ما قرار خواهد گرفت.

در دوران سالهای ۱۹۶۱-۱۹۸۰ تولیدات صنعتی هم میزان چشمگیری که از ۳۰ تا ۳۶ درصد است افزایش خواهد یافت و در ضمن آهنگ رشد به تریما هفتاد و نه خواهد بود که در پنجمه گذشته بود است. ولی باید یاد آور شویم که اگر طی سالهای ۱۹۶۱-۱۹۶۵ یک درصد رشد تولیدات صنعتی برابر با ایجاد محصولات صنعتی بجمع تقریباً (۲۰ میلیارد مارک بود) این مسن شاخص علمی سالهای ۱۹۶۱-۱۹۸۰ تا حدود ۲۰۰ میلیارد مارک افزایش خواهد یافت. در ضمن حال افزایش درآمد علمی و تولید محصولات صنعتی تقریباً بحساب افزایش بازدهی کار فقط تا همین خواهد گفت. بطور مثال در صنایع بازرگانی ۳۲ تا ۳۴ درصد بالا خواهد رفت. حزب سوسیالیست

1 - Bericht des Zentralkomitees der Sozialistischen Einheitspartei Deutschlands an den IX. Parteitag der SED, Berichterstatter: Ge. Erich Honecker, Dietz Verlag Berlin 1976, S. 43/44.

متحد آلمان، با تحقیق سیاست خود در این مرزها این سخنان پراهمیت لتین را که هنوز هم در دسترس روز است زهن خود خویش قرار میدهد که باز هم کار را آخرین تحلیل عملیتر مشاهده کند برای پیروزی تمام اجتماعی تاریخ است (۱) در برنامه پنجمالکونگونی برای مدتی که در آن بارزائی، نوسازی و گسترش تولید ها را منوط به ۲۴ تا ۲۳ میلیارد مارک یعنی نزدیک به ۶۰ میلیارد فرانک آلمانی از آنجا که در سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۰ بود اعتبار از آنجا خواهد شد.

در راستای پیروزی نیز رشد و ترقی زیاد و پیشرفته خود را این سرهم مربوط به افزایش محصولات کشاورزی و هم مربوط به افزایش خرید فراورده های دانی وسیله دولت است.

بهر وقت بدین وقت ویرت حرکت اقتصاد کشور که در آهنگ های رشد بسیار زیادی که برای پنجمالک جاری و در نظر گرفته شد عمل می کند همزمان بیشتر قدرت اقتصادی جمهوری دموکراتیک آلمان را استحکام خواهد بخشید. این پیشرفت و ترقی گواه انگیزنده برترتربهای سوسیالیسم کمونیسم سرمایه داری است که کنترل تولید و توزیع محصولات اقتصاد آن طی سالهای اخیر داشت. تضاد قس نیست که در اقتصادات کشورهای سرمایه داری هر چه بیشتر با مفهوم رشد صفر برخوردار می گنیم. هر گاه مدافعان نظام بزرگوار پیش از این به توصیف و جامعه رشد اقتصادی میبرد اختند و گاهی نیز اختنص بنزله های بی حد و بی پایان در پیوسته تراخی میگردند تا به سر میگردند و بگریز طرف آنها هر چه بیشتر تفاوت ها در زندگی را برآوردند که طبق آنها که در پیشرفت اقتصادی تا مرز رشد صفر را باید همانند پدید به پیشی از این کرد. در ضمن این نوع نظریات اغلب بسا فرخواندن رحمتگهان به این که آنها از این صراحت صرف بر میگردند همراه است.

مصلحت جانیان را به آنکه این نظریات باید بیرون رانند و این سوسیالیست در برابر نظریات اغلب بسا رشد اقتصادی روشن و آشکار است از بعد اقتصادی و عامل منجی در مبارزه و سیاست اجتماعی اقتصاد متعادل است. پیروزی سوسیالیسم در این رهگذر هر چه آشکار تر میشود. به همین سبب هم در آلمان سرمایه داری امروز اصرار بر این نظریات دارد و بعد از اقتصاد ثابت و مداوم گویا اثری زیاده و زیاده نماند است.

کمونیست های جمهوری دموکراتیک آلمان همچنان کمونیست های سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی یعنی پیشرفت بدون وقفه اقتصادی را بر طبق پیگیری کارخانه دنبال میکنند. نیکم آنکه بخاطر اغراض خودی که در آن رشد اقتصادی را توصیف میکنند و آنها نیز که آنها را رشد که اقتصاد هم اکنون به دراز چنین کند و داخل شده است با کارگزار نخواهند کرد.

افزایش مداوم توان اقتصادی ملی ما و رشد پیشرفت تولید سوسیالیستی با به واسطه اطمینان بخش اعتبار هر چه بیشتر طبق برنامه سطح زندگی مردم را تشکیل میدهد. تابع اشتاد کمینس که کشورهای سوسیالیست در آلمان این پروسه که با افزایش کمره قلی آغاز کرد به بطور پیگیر خواهد بود.

ملاک مقبوله به پیروی با رژیم پیشرفت شرایط مسکن اهالی کشورهای بعد امیرتعد در دره گسترده سیاست اجتماعی مقام اول را از آن است. طی دوران سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ در ۲۰ هزار خانه ساخته و در نظر داشته خواهد شد و با مرمت و بازسازی مقرر و این رقم نزدیک به ۱۵۰ هزار خانه نیز در برنامه پنجمالک گذشته است. ۵۰ هزار خانه از این مجموعه در پیش های نهی خواهد اهالی خوبتر از آن خواهد شد. این امر امکان میدهد که شرایط مسکن ۲۰ میلیون نفر را برسد به بود را در پیوند جابه های تازه در درجه اول به خانواده های کارگران، خانواده های کنتراولا و

۱ - رجوع کنید به آلمین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۹، صفحه ۲۱.

و آنها نیز که سازمان داده و تشکیل داده اند و اگر امیرتعد در آلمان متوسط مباحث قابل استفاده این خانواده های رباتیکها تا سال ۵۰ تا ۵۵٪ در سطح افزایش داده خواهد شد. نزدیک به ۵۰ درصد تا پنجاه گانه های تازه را محاسبات های مسکن و ساختمان کارگران خواهند ساخت و در آنجا نیز همین تعدادی ها خواهند بود.

ولی جامعه سوسیالیستی فقط به تأمین افراد با خانه مسکنی قناعت نمی کند. منظور ما این است که در تمام نقاط کشور مردم خوب زندگی کنند و شهرها و روستاها با حفظ وضع و بنا و تاریخی خود از منظره ای که از لحاظ شهرسازی و معماری بدقت مورد توجه قرار گرفته باشد برخوردار گردند. از این روش دولت سوسیالیستی هزینه بسیار زیادی را به بازسازی و مرمت بخش های مسکنی کهنه اختصاص میدهد. در زیرنامه تازه پنجمالک به سرمایه های اجتماعی ساختمان مسکن بر حساب برداشته و دولت نزدیک به ۷۰ درصد از بودجه خواهد شد.

کار به خانه هنوز هم در همان سطح نازل خود باقی است. این مبلغ در سال ۱۹۷۵ با قیمت برق آب و شویان طور متوسط ۶۰ درصد درآمد ملی یک خانواده چهار نفری را تشکیل میدهد (۱). در حالیکه، بطور مثال در جمهوری فدرال آلمان این هزینه بعد از ۲۰ درصد بودجه این قبیل خانواده ها را می برد.

باید مقرر در سطح برنامه ساختمان مسکن و سیاست خانه سازی جمهوری دموکراتیک آلمان در مجموع هر خانه قاطع دیگری برترترب سیستم اقتصاد سوسیالیستی ملاحظه. در حالیکه جامعه سرمایه داری از خود پیش انگرس هم در سال پیش در اثر خود بنام ۱۰ بار سرمایه مسکن (۲) این را نشان داده است. قادر به حل مشکل مسکن بسیار اکثریت مردم در طبق نیازمند به ای آنان نیست، تجربه جمهوری دموکراتیک آلمان بطور قنصمی گواه بر این است که سوسیالیسم بحد روح این معضل اجتماعی دشوار را هم که از سرمایه داری به ارث رسیده حل خواهد کرد.

بسیار مدوام وضع تأمین اهالی با کالا های مورد نیاز همگان یعنی در بزرگتر از طبقه مردم در این سال بر روی سطح زندگی مردم است. طبق قرارهای نهجین کمره حزب سوسیالیست متحد آلمان که در سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ از ۲۲ تا ۲۴ درصد افزایش می یابد. در آستانه سال ۱۹۸۰ هر خانواده ای بحال خواهد داشت نزدیک به ۸۰ درصد خانواده ها ماشین رختشویی و ۹۷ درصد خانواده ها تلویزیون خواهند داشت. این بهبود مداوم وضع تأمین اهالی با کالا های مورد نیاز همگان در شرایط حفظ بهای مصرفی کالاها انجام خواهد یافت.

از آنجا که حزب ما در سیاست ثبات قیمت های خود پیگیر است و نیز اطمینان اجتماعی اهالی کشور را هم مقدم بر ابرای خود را یکبار میگرد و با طاقی هم حزب سوسیالیست متحد آلمان برای بالا بردن درآمد خالص مردم تعیین کرده و شاخص بدین وسیله بالا رفتن سطح زندگی مردم است. در نظر مردم که درآمد خالص مردم جمهوری دموکراتیک آلمان در سال ۱۹۸۰ بین ۲۰ تا ۲۴ درصد از سطح سال ۱۹۷۰ بالا خواهد بود.

و به اجتماعی ویژه مصرف اهالی که از جمله به رشته های تحصیل همگان، پیوند قابل توجه خدمات بهداشتی و اجتماعی، سازمان دادن استراحت و آمایش و ورزش و زندگی معنوی اختصاص داده میشود با مرمت بیشتر، افزایش خواهد یافت. این مسائل و امکاناتی که بختر قنصمی از افزایش

۱ - Statistisches Jahrbuch der DDR, 1976, Berlin, Staatsverlag der DDR, S. 314.

۲ - رجوع کنید به "Vorgwärts" ۱۱۷۶، صفحه ۱۱.

۳ - رجوع کنید به مارکس، انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۱۸، صفحه ۲۰۳-۲۸۲.

درآمد های زحمتکشان وابسته بدانها است تا سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۷۴ تا ۳۱ درصد بیشتر خواهد شد . یکی از اصول تزلزل ناپذیر ما سیاست حزب سوسیالیست متحد آلمان در رشته دستمزد ها عبارت از افزایش سهم طبقه کارگر در جریان تقسیم درآمد ملی کشور طبق برنامه ای معین و مطابق با بالاترین میزان کار این طبقه و افزایش نقش و مسئولیت است . در مواقع از این رواست که در برنامه پنجساله جاری به درآمد کارگران و کارمندان با سرعت بیشتری از درآمد دیگر گروه های اهالی افزود می خواهد شد .

اصل سوسیالیستی "زهرکس با اندازه استعدادش ، به هر کس به اندازه کارش" پایه و اساس سیاست حزب ما در رشته دستمزد ها و درآمدهای حاصله از کارگر تشکیل میدهد . این اصل که از قوانین اقتصادی ای معین ناشی میگردد تا اثر خود را در شرایط سوسیالیسم کامل و پیشرفته هم کاملاً حفظ میکند ، زیرا این اصل در این مرحله هم به هیچ وجه جای خود را به اصل تنظیم کمونیستی نمیدهد و محدود و ترمیم نمیشود . به همین سبب سیاست حزب سوسیالیست متحد آلمان در دولت سوسیالیستی در رشته دستمزد ها با وجود فوب و رجعت نمود اجتناب ناپذیر است زیرا که معیشت میزان کار هر یک از افراد طبقه کارگر در این معیشت تعیین میشود . دستمزد ها فقط آنجا افزایش خواهد یافت که کارگران و کارمندان واقعا شاخص های بالاتری بدست آورده اند . چنین سیاستی به اعتلای اقتصاد کشور و رسیدن به مطابق هر چه کارگران با نیازهای اجتماعی و شخصی کمک خواهد کرد . دستمزد که خود را از نیازهای بسیار مهم مردم به بالا بردن باوردهای کارمندان اصلی بالا رفتن سطح زندگی کارگران و کارمندان است ، بدین ترتیب ارتباط متقابل سیاست اقتصادی و اجتماعی و وحدت ترقی اقتصادی و اجتماعی را منعکس میسازد .

هدف های بهبود همه جانبه شرایط کار زندگی مردم کمترین گنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان پیش کشید و در نمودن های برنامه پنجساله تثبیت شده است ، به روشنی نشان میدهد که نه در رشته بیطرفی تولید سوسیالیستی و نه در رشته مصرف شخصی هم از هیچ نوع کاهش آهنگ رخصد نمیتواند در زمان باشد . اظهارات اتحادیه کولگ های روزواشی درباره "عقب ماندن مصرف" مورد مهای زحمتکش "بیشتر کند و با موزون مصرف درآمد" (۱) در کشورهای سوسیالیستی و از جمله در جمهوری دموکراتیک آلمان بافاکتها ای معنی در تضاد است .

به درک صحیح و تصدیق از این . در مدت چند روز پیش از گذرگه نهم حزب سوسیالیست متحد آلمان زمانیکه سیاست ارتباط جبهی جمهوری فدرال آلمان و دیگر کشورهای سرمایه دار ای با هم قرار میگیرد به خوانندگان و شنوندگان خود اطمینان میدادند که گذرگه نهم هیچ چیز مهم تازه ای در رشته تدابیر اجتماعی همراه نماند است . کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان ، شورای مرکزی سندیکا های متحد آلمان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک آلمان تصمیم نامه مشترک خود را در مورد بهبود شرایط برای بهبود شرایط کار زندگی زحمتکشان با هم ، نشان دادند و وقت ومقدد بیشتر انجام آنها را هم معین کردند . عملی ساختن این تصمیم نامه مدتی است که در دست است . بطور مثال میزان تساعزل ترین حقوق کارگران و کارمندان از اول اکتبر سال ۱۹۷۶ از ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است . چهارده سال پیش سهم را به مختلف مزد کارمندان که درآمد ناخالص دارند برحسب عمل درآمد است .

1 - Haller. Sozialistische Akkumulations- und Wachstums-Theorie. Zur Kritik der Politischen Ökonomie des Sozialismus in der DDR, Verlag Dunker und Humblot, Berlin (West), 1974, S. 114.

حقوق بازنشستگی و کمک هزینه افراد معلول از اول دسامبر سال ۱۹۷۶ تا حدود قابل توجهی افزود خواهد شد . از آغاز سال ۱۹۷۷ قرار گذرگه حزب درباره معین کردن ۴۰ ساعت کار در هفته مرحله بحرانی بود . اجراء خواهد آمد و از سال ۱۹۷۹ به بعد هر یک از زحمتکشان حداقل سه روز استراحت از حقوق افزود خواهد شد . فراری که امتیازهای تازه ای با دارائی کفایت میکنند میدهند ، برحسب اجراء آمده است .

مجموعه کلی مبلغ لازم برای انجام این تدابیر طبق برنامه پنجساله به ۱۰ میلیارد مارک می رسد . این مبلغ با اضافه ۳۶۷۳ میلیارد مارک اعتباری که برای انجام برنامه اجتماعی - اقتصادی که در پنج ساله گذشته در نظر گرفته شده ، رو به پیشرفتگی و توسعه کلی وجوه و وسایلی را در بر میگیرد که برای بهبود شرایط کار زندگی اهالی کشور اختصاص یافته وطنی برنامه جاری به ابعاد عظیم ۵۰ میلیارد مارک خواهد رسید . رفیق هونگر در همین پنجم کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان گفت : " این برنامه اجتماعی - سیاسی بود است که عظیم ترین برنامه در تاریخ مردم آلمان است . در ضمن بشرط پیلا رفتن هماهنگ بازدهی کار را اقتصاد کشور با گامهای واقعی برای پیش بینی انجام تدابیر اجتماعی - سیاسی دیگری در پنجساله جاری نیز بوجود است" (۱) .

حزب سوسیالیست متحد آلمان ضمن عمل ساختن برنامه اجتماعی - سیاسی خود به موافقت گسترده مردم باشی که با وحدت سیاست اقتصادی و اجتماعی مشخص میشود اتفاق میکند ، زحمتکش در جریان تجزیه روزانه شخصی خود به این امر معین حاصل میکنند که با رشد توان اقتصادی جمهوری دموکراتیک آلمان زندگی آنها فنی تر و رفیع تر میشود .

بزرگ راه اعتلای اقتصادی جمهوری دموکراتیک آلمان تشدید تولید اجتماعی است . در برنامه حزب سوسیالیست متحد آلمان تأکید میشود که همین تشدید تولید اجتماعی ، امکان میدهد به چنان اعتلای اقتصاد کشور دست یابیم که برای بالابردن سطح زندگی مردم ضروری است و همچنین برای مدرنیزه کردن مداوم و گسترش زیربنای مادی - تکنیکی سوسیالیسم و جمهوری دموکراتیک آلمان و ایجاد شرایط اساسی ضروری بنیاد ارتد رجهی حکمونیسم آلمان فراهم میکند" (۲) . تشدید تولید اجتماعی ، بدین ترتیب یک تدبیر موقتی و گذرا نیست . بعکس ، تشدید تولید اجتماعی از نشانه های نمودار سیاست اقتصادی و در مرحله ساختن سوسیالیسم پیشرفته است . کار بردن این سیاست مقدم بر هر چیزی معنی را سوسیالیسم سوسیالیستی و بازسازی و تزکیه و مؤسسه موجود است . تشدید تولید اجتماعی ، علاوه بر این ، ایجاد آفرینشهای تازه تولیدی و بنسبتبندیهای پیشرفته موزون و طبق برنامه اقتصاد کشور را هم شامل میشود . هدف تشدید تولید اجتماعی عبارت از این است که در همین مصدک رساندن حداقل بودجه و وسایلی در تمام رشته ها با بالاترین نتایج را بدست آوریم و بدین ترتیب تمهیدات اقتصادی کشور را افزایش دهیم . بطور مثال ، مدتهاست استفاده از ماشین ها و دستگاه های برقدار موجود طبق برنامه پنجساله جاری هر ساله ۴ تا ۵ درصد باید بیشتر شود . تشدید تولید سوسیالیستی وابسته به یک سلسله عواملی است که اگر آنها یکجا بشرط تاثیر متقابلشان روی یکدیگر استفاده شود به بالا رفتن مستمر بازدهی کار ، تأمین کیفیت عالی اشیا ساخته شده ، بالاترین حد صرفه جویی در مواد لازم و سوخت و استفاده منطقی و کامل از منابع کارخانه کمک خواهد کرد .

1 - " Neues Deutschland ", 4/5, September 1976, S. 4.
2 - Programm der Sozialistischen Einheitspartei Deutschlands, S. 26-27.

ترقی علم و تکنیک، و عقیده برخی از ایدئولوگ های نیوروازی جامعه رایه بن مستحکمانند. ماعتقد ای مخالف با این نظریه داریم. حزب ما توجه فراوانی بمسائل مربوط به علم و تکنیک مبذول میدارد و سازمان دوم با تمام وسائل و بهترتی و پیشرفت آنها تکمیل میکند. ارتباط ارگانیک ترقی علمی و تکنیکی با برتریهای سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشورهای برادر نیوروی عظیمی بدان می بخشد. در برهه همین پدیده و علم و تکنیک در کشورهای مابعدون هیچ محدودیتی به امر پیشرفت سوسیالیسم خد متعیند. دستاوردهای علم و تکنیک کار انسان، این نیروی تولیدی عمده جامعه را نه فقط بهره تر، بلکه آسان تر و پررغم تر می سازد.

ب اهمیت ترقی و پیشرفت علمی و تکنیکی برای پیشرفت پرشک اقتصاد کشور از جمله این فاکت گواهی میدهد که در جمهوری دموکراتیک آلمان در حال حاضر ۶ درصد وقتی میزان بیشتری از افزایش بازدهی کار با حساب استفاده از تازه ترین دستاوردهای علم و تکنیک در تولید تامین میشود. در ایسن نیز جای تردید نیست که بهبود اساسی واقعی کیفیت فرآوردهای مصرفی و صرفه جویی در مواد و هم چنین ترقی قابل توجه در رشته تکنولوژی فقط در پرکارگرفتنی - تکنیکی هدفمند آلمان پذیرد و هم رفیق هونگرتانکد میگرد که: "استفاده کامل از دستاوردهای علم و تکنیک در تولید نقطه امید" قاطع رشد و زامد ملی ما... خواهد شد" (۱)

تعمیق همکاری ماباد پیکرگوشی سوسیالیستی برادرخواه در رشته علم و تکنیک و خواه در سوسیالیستی اقتصاد با پیکرگوشی اتحادیه ای از زمین محدودی زار در برابر ما میگذارد. وحدت قدرت ها علمی - پژوهشی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی امکان انجام سریع تر و پیشرفت تر و استفاده مهم اقتصادی را فراهم می آورد. با در حال تکلیف شیوه بسیار شریفش تولید پلی اتیلن از طریق استفاده از فشار زیاد کک متعینون (پلیمر /^۰ polymer) شهرت جهانی یافته وسیله موسسات پژوهشی اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری دموکراتیک آلمان، شیوه های تولیدی مستوجبات مصنوعی و طوفه پیوستنی و پیکر مواد و اشیا قابل اهمیت گواهی شریفش چنین همکاری است. در سال جاری تقریباً ۸۰ درصد تمام و با افعی که با محقق برنامه اقتصادی کشورهای در رشته علم و تکنیک ارتباط دارند با همکاری نزدیک با اتحاد شوروی انجام خواهد شد. در کارهای مشترک پژوهشی بیشتر از ۱ هزار دانشمند و تکنیسین و مهندسین در جمهوری دموکراتیک آلمان شرکت دارند

پیشرفت پیوستنی و اقتصادی سوسیالیستی در آینده به جمهوری دموکراتیک آلمان انگلستان میدهد که تا سال ۱۹۸۰، مثلاً مبنای نظریاتین نیازمند بنیای فزاینده به مواد خام و سوخت و راه اهمیت فوق العاده برای رشد اقتصاد کشور آرد حل کند. همکاری کشورهای برادر در رشته تولید و وسایل کارگاهی مورد صرف نگاه هم تشریحی فراوان بسیار خواهد آرد و نتیجه خود به شرح اعلای رفیق موشایشر مردم کک خواهد کرد.

تحقق پیوستنی سیاست اقتصادی و اجتماعی موجب رشد چشمگیر فعالیت خلق زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان در امر علمی ساختن و با افعی که حزب دموکراتیکها قرار داده گردید. مسابقه سوسیالیستی که وسیله اتحاد بهای کارگری و تحت رهبری حزب تشکیل میشود گواه برجسته روشن این دعوی است. امروز این مسابقه ادامه، تحرک بهره دهنی به سابقه ای کسب کرده است و خود را هر چه پیشین منزله کالترین: "بروز خلاقیت خود های زحمتکشان در ساختن جامعه پیشرفته اقتصادی" (۲) نمودار میسازد.

1 - "Neues Deutschland", 4/5 September 1976, S.4.
2 - Programm der Sozialistischen Einheitspartei Deutschlands, S.35

اندکی بر این زمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان گروه های مختلف زحمتکشان و سازگان های سندیگاشی موسسات تصدیقات نمودارند داری در راه انجام برنامه اقتصادی کشور و فراتر از این از مزیانی که طبق برنامه باید انجام دهند بعهده گرفتند. مسابقه بلاین شمار انجام میشود که: "هر بار که هر ساعت از وقت کارو هر گرم از مواد خام با حد اکثر بهره دهنی مورد استفاده قرار گیرد". این شمارها با وجود فزونی منکرکننده و تپلاوت زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان است که کمابند با کار خود به تحقیق تشدید تولید اجتماعی و بالا بردن کیفیت و شریفش کارکنند کنند تا بدین ترتیب به رشد قدرت اقتصادی کشور سوسیالیستی ما یاری رسانده باشند.

گروه های مختلف زحمتکشان که در جریان انجام مسابقه ها ابتکارهای تازه ای از خود نشان میدهند همزمان و از نده که در آینده مهم اشتراک خود در انجام وظیفه اصلی یعنی تامین وحدت سیاست اقتصادی و اجتماعی را تشدید نمایند. از اینجاست نتیجه ای بدست می آید که مسابقه دو هدف را دنبال میکند، یکی هدف اقتصادی یعنی پیشرفت تولید سوسیالیستی و دومی هدفی که با پرستقیم و با غیر مستقیم با اعلای سطح زندگی مادی و معنوی هر چه بیشتر مردم ارتباط دارد. پیوستمال، پیشنها دشرای مرکز ای سندیگاشی متحد آلمان برای ایجاد ۱۰۰ هزار خانه اضافی و پیکر تا سال ۱۹۸۰، در چهار چوب برنامه ای که در پیش است، با تا بدید برانده ای در نیوروی گردید. هم سازندگان خانه ها هم بسیاری از گروه های مختلف زحمتکشان از مسابقه های اقتصاد کشور بران علمی ساختن این ابتکار که بنام "۲۵۰ هزار پاقاقه" ۱۰۰ هزار مصرف گردید "پیشنهاد شخصی ارائه میدهند. قبول تصدیقاتی نظیر تولید سیمان اضافه بر میزان پیش بینی شده در برنامه و اضافه تولید مصالح ساختمانی دیگر مانند شیشه، پنجره، کاغذ و مواد مختلف برای پوشاندن دیوارها و اقباق و با فرس کردن کف اطراف و سایر مسائل و اشیا لازم برای ساختمان بروشنی نشان میدهد که ابتکار سندیگاشی ها از طرف زحمتکشان بمنزله وظیفه تمام جامعه تلقی و پذیرفته شده و مورد پشتیبانی گسترده آنان قرار گرفته است.

مسابقه سوسیالیستی کمورد استقبال شدیدی زحمتکشان قرار گرفته، در همین حال شکل و شیوه بر اهمیت اشتراک آنان در انجام وظایف اقتصادی و اجتماعی جامعه ما است. اشتراک فعالیت خود معاد رطربهریزی و اداره امور اقتصاد کشور و سازمانزدگی اجتماعی در ایسن پرسه جستجو امر میگرد که زحمتکشان بطور منظم طرح برنامه های بسط و تکامل اقتصاد کشور را در چهار چوب جلسات بحث و مذاکره ای که سندیگاشی تشکیل میدهند مورد مذاکره قرار میدهند بدین ترتیب این برنامه ها را با پیشنهاد های مفید خویش غنی تر میکنند. از جمله در سال جاری پیش از ۸۰ درصد از اشیا سندیگاشی در جلساتی شرکت جستند که در آنها طرح برنامه سال ۱۹۷۷ ارائه شد. در نتیجه دیک سلسله ای از موارد بوظافتی که بعهده دولت است افزود میگردد بد تصدیقات بیشتری برای برنامه هایی که در پیش است پذیرفته شد. از جمله و پیوستمال در مجمع پتروشیمی که در پیوست واقع است در جریان بحث و مذاکره برنامه ۵۳۲۶ پیشنهاد ارائه گردید. برنامه ای که بر اساس این پیشنهاد ها تنظیم گردید به بالا بردن حجم فرآورده های صنعتی و بازدهی کار و علاوه بر عید طبق وظایف برنامه های دولتی در نظر گرفته شده بد ترتیب میزان ۳۱۳۰۳ و ۲۳ درصد افزایش میدهد. اشتراک گسترده زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان در برنامه ریزی و اداره پرسه های اقتصادی و اجتماعی تا بد روشن و آشکار قابلیت نیست بنیاد دموکراسی سوسیالیستی ما است. در هیچک از کشورهای سرمایه داری جهان نمیتوان موشه ادرا یافت که کارگران آن دارای چنین

حق واقعی برای اشتراك در چل مسائل باشند كلكاركان موسسات سوسیالیستی ما دارا هستند . چنین امری برای كارگران ماد و شمار واقعيات زندگی روزانه است . این فاكت برتری سوسیالیسم و دموکراسی سوسیالیستی را بر مناسبات سرمایه داری اشتراکات و مباحثی بطور بدو رخسائی نشان میدهد . براتیک زندگی اجتماعی در جمهوری دموکراتیک آلمان هم مانند سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی بطور انکارناپذیری گواه بر این است که : فقط از زمان برداشتن اشتراکات و آزادی و دموکراسی واقعی برای زحمتکشان را تا این میکند . رضی هونگرتا کید کسرد که " سوسیالیسم و آزادی وحدت جدائی ناپذیری را تشکیل میدهد . بدون سوسیالیسم آزادی نیست و بدون آزادی هم سوسیالیسم نیست " (۱) .

در تجربه ان تکامل تدوینی دموکراسی سوسیالیستی و افزایش هر چه بیشتر نقش طبقه کارگر به مسئولیت سند یگاها افزود میشود و این امر را با اهمیت آن استوارتر میگرداند . این سند یگاها که تقریباً تمام کارگران ، کارمندان و نوابندگان روشنفکران را در صفوف خود متحد ساخته اند ، با موفقیت وظیفه کتب سوسیالیسم و اداره امور کشور شیوه سوسیالیستی را انجام میدهد و در طرح و تنظیم وظیفه ساختن سیاست اقتصادی و اجتماعی در جمهوری دموکراتیک آلمان شرکت جدی دارند . سند یگاها وظایف بهیما خود را که در ارتباط با دفاع از منافع زحمتکشان است ، تحت رهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان انجام میدهد . آنها اتحاد خلد ناپذیر با حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر را حاصل فعالیتموفقیت آمیز خویش در راه خیرخواه زحمتکشان میدانند .

حزب طبقه ، حزب خلق

نیکلای پطروویچسوف

عضو مشاور کمیته مرکزی حزب
کمیونست اتحاد شوروی -
معاون اول رئیس شعبه کارهای
سازمانی و حزبی کمیته مرکزی حزب
کمیونست اتحاد شوروی

مسائل نظری و وظیفی ساختن حزب توده ای (خلقی) در آمویش مارکسیسم - لنینیسم در باره حزب انقلابی همواره از مسائل عمده بشمار رفته و در شرایط رشد و گسترش جنبش کمیونستی نیز از مسائل عمده و ولزم و کوشش برای پژوهش و رفتن این مسائل نمیتواند مورد اعتراف همگان نباشد (۱) . بنا بر این توجه به تعاریف حزب کمیونست اتحاد شوروی ، عطف توجه مسئله سرشت طبقاتی حزب ، اصول شکل یافتن ساختار اجتماعی آن و شیوه های تأثیروری توده ها نیز بسیار اهمیت است .

چنانکه میدانیم بنیاد گذاران کمیونسم علمی از این نظریه دفاع میکردند که برای بهبودی پرولتاریا حزب ویژه ای ، جدا از همه احزاب و گروهی که به طبقاتی بودن خود آگاه باشد لازم است . از جمله انگیزه متذکر شده است که حزب دموکراتیک اصل فقط میتواند حزب کارگری باشد . عناصر روشنفکران طبقاتی در نمیتوانند به این حزب بپیوندند و حتی پس از آنکه صداقت خود را به اشکات برسانند و زبانمان نمانندگان آن باشند . اما هیچ حزب دموکراتیکی نمیتواند به ما بوسی واقعی برسد اگر خصلت پرولتاری کا را آشکارند داشته باشد . کافی است از این امر صرف نظر کنید و آنوقت شما چیزی بگری بجز بنیاد سته جدا از توده ها و فریب و دروغ نخواهید داشت " (۲) .

لنین در خصلت پرولتاری جدی و استقلال طبقاتی حزب ، نخستین پایه ووشقه انقلابی بودن و ثبات اند بشموتوان با برجائی در برابر اشتقاقی اپورتونیستی رامیدید . لنین در همین حال یکبار گفته " حزب طبقه " بودن را با این خواست که در هر اوضاع و شرایطی " حزب توده ها " باقی بماند و پیش آهنگی نباشد که در دشوارترین دوران از مجموعه ارتش خود جدا نشود ، بشکل ناگسستنی بیکدیگر بپیوندند " (۳) .

در کارزار کمیته مرکزی حزب کمیونست اتحاد شوروی به بیست و پنجمین کنگره ، پیوند متقابل دیالکتیکی عمیق طبقاتی و عموم خلقی در سرشت و فعالیت حزب کمیونست اتحاد شوروی بر روشنی

۱ - مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۵۱ ، ۱۹۶۰ و ۱۱ سال ۱۹۷۱ .
۲ - مارگرت و انگلس ، مجموعه آثار ، جلد ۱۹ ، ص ۲۸۸ .
۳ - لنین ، مجموعه کامل آثار ، (بزبان روسی) جلد ۱۷ ، ص ۲۱۷ .

تشریح شده است - رفیق برزیف در این گزارش تأکید کرد که: "در شرایط مؤسسه‌ایم رشد یافته - که حزب کمونیست به حزب عموم خلق تبدیل گشته به پیوسته خصلت باطنی خود را از دست نهد و در حزب کمونیست اتحاد شوروی بنابر سرشت خود حزب باقی بماند و هرگز موهبت" (۱) - پس چه چیزی به حزب انقلابی امکان میدهد که در باطنی و در همین حال سازمان خود را اصیل باشد؟

یکی از مسائل بنیادین ساختن حزب خود را ای مسئله ضرورت در آن مسئله اصول و موازین تشکیل ترکیب و همای حزبی است - مارکس و انگلس با گنجاندن یکدیگر در نظریات خود در اساسنامه "اتحاد کمونیستها" درباره این مسائل خاطر نشان کرده اند که عضواً "اتحاد کمونیستها" میتواند باشد که با تمام شیوه زندگی و فعالیت خود، وفاداری خویش را به اندیشه های کمونیسم ثابت کرده است، تابع انضباط است و از وحشی را نگاه میدارد - لنین در این باره در بیان خود طرز نوسن با اتحاد به رهنمود های مارکس و انگلس علاوه بر تعیین پایه اجتماعی آن چنان اصولی را برای عضویت در حزب تدوین نمود و از آنها دفاع کرد، که بنا به حد استواری در برابر سرخو کسانتی به حزب بود که از فرد گزافی خرد هموزواری اشاع بودند و نتایجی در آرا بودن با پولادی کمونیست را نداشتند - رهنمود های لنین در زیاده گزینی دقیق برای عضویت در حزب، و ایستادن بر هر عضو حزب یکی از سازمانهای آن، طلب مسئولیت شدیدی از اعضای حزب، ضرورت فرقی نهادن میان کسانی که به حزب علاقه نشان میدهند با کسانی که در حزب فعالیت میکنند، یکی از اصول عمده بلشویسم تبدیل گردید که قدرت رزمندگی حزب را در سطح عالی تاحین کرد و تاکنون هم تاحین میکند -

لنین و کمونیستهای بلشویک مخالفین سرسخت آن بودند که حزب، حزب "برگزیدگان" محدود و به یک مدخل در دست "الیت ها" و یا "حزب" درهای باز باشد که همه باید و نباید و تفاوت و گزینش بر برگرد - برداشت آنها این بود که پایه اجتماعی، اساس حزب باقی بماند و این پایه است که حزب را تشکیل میدهد و در تمام اینها مشخص میماند و آنرا اتخاذ میکند (۲) - درست همین باقی بماند پایه اجتماعی و هسته حزب بلشویک را در مرحله مبارزه در راه پیروزی انقلاب پیروز و در مکرک تیک و انقلاب سوسیالیستی تشکیل میدهد - در سالهای ۱۹۱۶-۱۹۰۵-۱۹۰۰ در دهه گمانیکه به عضویت حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه درآمد بودند از باقی باقی بماندند (۳) - اما خود طبقه کارگر همگونی نیست - همه قشرهای آن یکسان انقلابی نیستند - به همین علت ضروری است که از سطح واقعی آگاهی سیاسی و آمادگی این تان قشر طبقه کارگر برخوردار باشند - این تشریح لنین هم که حزب باید گردان پیشرو طبقه کارگر باشد و تمام "باقی کارگر" عضو حزب نشود و تنها به عضو حزب باشد، از اینجا ناشی "آشوب" (۴) -

حزب پرولتری که بنا به سرشت خود باطنی است و جدودیت فرقه گرایانه را مردود کرده و مورد و میکند - این حزب در همان جریان ندارد که سه انقلاب روسیه افراد ششویک یا دیگر قشرهای زمینش را هم در خود متشکل ساخت، بنا به گنجاندن "آنها با شترک منافع خود با منافع پرولتاریا" که شده اند کارامحتاج را در مبارزه مشترک با باقی کارگران و کارکنان مل سلطه هموزواری جستجو میکنند" (۵) -

- ۱ - برزیف، "با خط مشی لنینی" سخنرانیها و مقاله ها، جلد ۵، مسکو ۱۹۷۶، ص ۵۲۰.
- ۲ - و چون کنید به: مجموعه کامل آثار لنین، جلد ۲۳، ص ۳۴.
- ۳ - آمار و شماری اعضای حزب در سال ۱۹۲۳ منتشره در سال ۱۹۲۳، مسکو، ص ۳۸.
- ۴ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۷، ص ۲۸۹.
- ۵ - مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۱۳، ص ۲۲۴.

مسئله گسترش صفوف حزب و ورود نیروی تازه در آن را که واجد اهمیت شاهان است و به حزب ما هیچگاه مسئله کلی و انتزاعی بدون حساب و دقیق شرایط شخصی زمانی و مکانی وضع خود جنبش کارگری مطرح نکرده است - در شکل یافتن و در همای حزب عوامی تأثیر می بخشد که عبارتند از شرایط تاریخی و خصلت وظایفی که در برابر حزب قرار دارد، وجود دوران اوج و یا فروکش جنبش انقلابی شکلی اصلی فعالیت در دوران معین، فعالیت آنها و باطنی و درگونی در ساختار اجتماعی جامعه و یا در خلاصه نیازها و شرایط واقعی که بخورد دقیق سنجیده شده باشد و ورود نیروی تازه به حزب را از لحاظ مصالح سیاسی توجیه نماید -

بطور مثال زمانیکه حزب تازه تشکیل مییافت و لنین بر این عقیده بود که در شرایط پیگرد ها و فشار بر حاکمات و در کشور با حکومت استبدادی و هر قدر با اعضای چنین سازمانی را محدود و ترک نمیکند به تمام اندازه "بدا م افکندن" چنین سازمانی دشوار تر خواهد بود" (۱) - برعکس هنگامیکه در جریان انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۵-۱۹۰۰، آگاهی سیاسی طبقه کارگر بطور گسترگی اعتلاء یافت و آزادی اتحادیه ها و اجتماعات و مطبوعات بدست آمد، لنین این شعار را مطرح کرد "باشماست تیره پیش ... تکیه گاه های خود را گسترش دهید، همکاران سوسیال دموکرات را بسوی خود فراخوانید، صد صد هزار هزار آنها را به صفوف سازمانهای حزبی وارد کنید" (۲) - شماره اعضای حزب که در آستانه انقلاب ۱۹۰۵ نفر بود در سال ۱۹۰۷ به ۶۶ هزار نفر رسید و با محاسب آوردن سازمانهای سوسیال دموکرات لهستان، لیتوانی، لتونی و یونان که در چهارمین کنگره حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه متحد شدند به ۱۵۰ هزار نفر رسید - پس از شکست انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۵ حزب مورد پیگرد بیخمانه قرار گرفت و بسیاری از سازمانها یک سرکوب ویران شده شد - ولی در این شرایط هم حزب ضمن آغاز کار و فعالیت غیر ملتی تمام کوشش خود را بکار بست که کاهش اعضای آن موجب تضعیف نفوذ حزب بر توده های توده نگردد - لنین در این مورد بنده ها نوشت: "اگر اقلیت قادر به رهبری توده ها نیست و نمیتواند با آنها پیوند نزدیک داشته باشد این اقلیت حزب نیست و اصولاً ارزشی ندارد اگر چه خود را هم حزب بنامد" (۳) - لنین نسبتاً را نفوذ در سازمانهای توده ای زمینگستان، بلکه رهبری مستر این سازمانها را هم به حزب بلشویک آموخت - بلشویکها برای فعالیت و اتحاد به های ملتی موسساتی که رهبری موسساتی سازمانهای غیر ملتی حزب فعالیت میکردند اهمیت ویژه ای قائل بودند - از تیره یون پارلمان و سازمانهای مختلف تعاونی، به همای اجتماعی، صندوقهای تعاونی، بیماران، کنگره های زنان و ورزشکاران و غیره بعنوان مراکز برای تبلیغ و ترویج اندیشه های سوسیالیست لنینی میان توده ها استفاده میشد - حزب مبارت خود را نسبتاً در معرض مشهورانه بلکه همچنین در عقب نشینی متشکل و کار بست مختلف ترین شکلیها و شیوه های کار برآورد آنکتود و ما را به شیوه انقلابی بهر روز و آنها را بد نبال خود بهر نشان داد -

لنین ضمن مبارزه در راه ایجاد حزب خود را از باراه دادن عناصر بیگانه به حزب جدا مخالف بود - و فن و مبارت حفظ باقی کارکنان و یاباداری رده های حزبی را تعلیم میداد - لنین اندیشه های آزادی و فراکسیون و گروه بندی و "آشوب" یا اپورتونیست ها را که از جانب ترولتونیستها و دیگر عناصر

- ۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۶، ص ۱۲۴.
- ۲ - جلد ۱۲، ص ۸۶.
- ۳ - جلد ۴، ص ۲۲۹.

اخلالگرتخلیغ میشد بیوزه بسیاریان بخت میدانست . این مویله هایدان معنی بود ککومنیست ها از فاع از نظریات انقلابی دست بردارند ، مواضع مارکسیسم را به رفرمیست ها واگذار کنند و در آخرین تحلیل در برابر بورژوازی سر تسلیم فرود آورند . بررسی جریمتاریخ حزب نشانان میدهد که بساری حزب ، هیچ چیزه از راه یافتن عناصر تصادفی اپورتونیست ، فاقد معتقدات انقلابی بدین استواری و یابداری وانصاف کافی خطیرانتر نیست .

لنبن با جمیع بخت تجربیهای تاریخی بنا و رکلا استدلال خام نشان کرده است که با وجود رفرمیست ها در صفوف حزب ، نمیتوان در انقلاب پرولتری پیروز شد ، نمیتوان از آن (انقلاب) دفاع کرد" (۱) .

حزب بلشویک در تمام مراحل تاریخ نسبت به پاکیزگی صفوف خود اهتمام و دقیق داشته میرای جلوگیری از سوخ عناصرنا یابد ارتدادی به صفوف خویش شیوههای درست مبارزه ر یافته است . تجربیما نشان میدهد که فاع در عناصرنا شایست ، حزب را استحکام میبخشد و وجهه آنرا در میان توده ها بالا میرود . " اینگونه کاهتر شماره اعضای حزب بمنزله افزایش فراوان نیروی حزب است" (۲) . اما این مطلب ، چنانکه مخالفان ما میخوانند جلوه در دهند ، به هیچوجه معنی فقدان بحث ، اظهارات عاقلانه مختلفه و تجزیه و تحلیل این یا آن مسئله از دیدگاههای گوناگون نیست . برعکس اینگونه مباحثات و در نظر گرفتن عقاید و جهتیند های مختلف همواره باعث وین واحدان سیاست درست کمک کرده است ، اما حزب پرا رتجزیه و تحلیل جمعی مسئله و اتخاذ تصمیم ، در اجرای آن مانند ارگانسیم واحدی عمل میکند .

در شرایط سوسیالیسم رشد یافته در کشور ما یعنی هنگامیکه آرمانهای کومنیستی طبقه کارگر و حزب آن مورد قبول همخلق است ، حزب به پیشاهنگ همخلق تبدیل گشته است . درین حال نیروی عمده جامعه شوروی همچنان طبقه کارگر خواهد بود . طبقه کارگر روش تولید و زندگی اجتماعی و سیاسی کشورشتر قاطع را بعهده دارد . طبقه کارگر شریک عمده مالکیت عموم خلقی ، ناقل توده انقلابی علمی و فنی وجود آورنده اصلی پایههای مادی و فنی کومنیسم است . طبقه کارگر صفاتی مانند انقلابی بودن بیکباره ، صحن پرستی ، انترناسیونالیسم ، انضباط و تشکیلات پذیری آگاهانه ، انسانیست و جمع گرا می سوسیالیستی از دیگر طبقات متمایز میکند .

طبقه کارگر در شرایط کنونی هم پایه اجتماعی عمده حزب کومنیست اتحاد شوروی را تشکیل میدهد . حزبیکه بنا بر کارهای کومنیستی است و پیغمبر و پیغمبر کارگزار است صفوف خود را در زینت اول با افراد ی از این طبقه تکمیل میکند . این مسئله که وزن مخصوص کارگران در میان کسانیکه تازه به حزب وارد میشوند وزن مخصوص کارگران بنا بر کلی در حزب طی سالهای اخیر بالا رفته است ، امری کاملاً قانونمندانده است . در حالیکه در فاصله کنگره های ۱۹۱ و ۲۰۱ حزب بین کسانیکه به حزب وارد شده و بنا بر عضویت حزب شده اند تعداد کارگران ۲۲۲ درصد و وزن مخصوص کارگران در حزب ۴۲ درصد بوده ، در فاصله کنگره های ۲۴ و ۲۵ حزب تعداد کارگران از میان اعضای جد میسد به ۱۲۲ درصد و بطور کلی تعداد آنها در حزب تا ۱۹۱ درصد فزونی یافت .

اتحاد کارگران ، دهقانان و روشنفکران در کشور ما در شرایطی که طبقه کارگر نقش رهبری این اتحاد را داراست ، در ترکیب اجتماعی حزب کومنیست اتحاد شوروی انعکاس یافته است . طری

۱ - لنبن ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۴۱ ، ص ۴۱۶ .
۲ - جلد ۲۹ ، ص ۲۷ .

سالهای اخیر و تجدید بازنه در صد کسانی را که تازه به صفوف حزب پیوسته اند ، دهقانان کشاورزی تشکیل میدهند . این امر ، تقویت نفوذ حزب در روستا و انجام موفقیت آمیز سیاست کتاروری حزب را تأمین میکند . بهترین نمایندگان روشنفکران که در رشته های تولیدی ، علمی و هنری فعالیت میکنند با علاقتی به صفوف حزب کومنیست اتحاد شوروی می پیوندند و ۲۵ درصد شماره اعضای جد به نامزد عضویت حزب را تشکیل میدهند . اکنون یک چهارم همه میسدان ، میسدسان کشاورزی و دامپروری و معلمین و یک پنجم تا یک ششم همه پزشکان در اتحاد شوروی عضو حزب میسدانند .

حزب ما به این مسئله توجه فراوان دارد که صفوف خود را بطوریکه آون با جوانان بیوزه بهترین اعضای سازمان کومسول تکمیل کند . حزب این امر را بخاطر توارث و بیکاری نسل ها ، روح انقلابی حزب و شن خود بشمار میآورد . تعداد جوانانی که به حزب وارد میشوند در حال فزونی است . در حالی که در سال ۱۹۶۶ میان کسانیکه عضویت حزب در آمدند از ۱۹ درصد از سازمان کومسول بود ، در سال ۱۹۵۲ شمار آنها به ۷۰ درصد اعضای جد به حزب رسید . سازمانهای حزبی همچنین بمسئله جلب زنان به حزب توجه فراوان دارند . اکنون تعداد زنان عضو حزب ۲۳ درصد کلینسه اعضای حزب و نزدیک به ۳۰ درصد اعضای جد به حزب را تشکیل میدهد .

در کشور کومنیست ما مسئله ترکیب طی حزب اهمیت بسزایی دارد . اکنون نمایندگان بیشتر از صد ملیت و خلق که در اتحاد شوروی زندگی میکنند در صفوف حزب متحد شده اند . ظاهری است که در سازمانهای حزبی جمهوریت اتحاد کومنیست ها در زمره اول از میان نمایندگان ملیت محلی افزایش مییابد . درین حال ترکیب این سازمانهای حزبی در بیشتر انترناسیونالیستی میشود . این دیگر گرایش با هم پیوند متقابل دارند و نمودار روشد و شکوفائی اقتصاد و فرهنگ جمهوریتها و پیوند نزدیک ملیت ها و خلقها بیکدیگر است .

ارجح و اعتبار ظاهری حزب کومنیست اتحاد شوروی به تعادل و علاقتی در زحمتکشان برای پیوستن اندیشه ای و سازمانی سرنوشته خود با حزب ورود به صفوف آن میافزاید ، اما حزب نمیتواند همه کسانی را که مایل به عضویت و در حزب هستند بپذیرد . حزب تمام توجه خود را روی رشد کلی اعضای حزب متمرکز میکند و ترکیب اعضای حزب را بطور متقارن برقرار دارد . وسیله هم این تنظیم توجه به ترکیب حزب سختگیری بیشتر در شرایط ورود به حزب است . در نتیجه این شیوه برخورد در پذیرش که در صورت حزب ، در سالهای اخیر شماره کسانیکه به حزب پذیرفته شده اند کاهش یافت . در حالی که در دوران میان کنگره های ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ سالانه ۶۰ هزار نفر در فاصله میان کنگره های پذیرفته شدند در فاصله میان کنگره های ۲۲ و ۲۳ سالانه ۷۶ هزار نفر از زمانه های عضویت حزب در ۲۴ و ۲۵ سالانه ۵۲۰ هزار نفر عضویت حزب پذیرفته شدند . در کنگره بیست و پنجم ضرورت بالا بردن اهمیت و وزن نامزدی به عضویت حزب همانند دوران احیای تلقین خاطر نشان گردید و هشتم چنین تأکید شد تا در مورد نامزد های عضویت حزب به بررسی همه جانبه کیفیت سیاسی و فنی و فعالیت و پیروزی مارکسیستی - لنینیستی آنها توجه بیشتری معطوف شود . استحکام سازمان حزب و افزایش احترام مقام کومنیست و در نتیجه بالا بردن توجه و حیثیت حزب در میان توده های وسیع نه تنها باعث پیچیدگی اعضای تازه که به حزب وارد میشوند و سخت گیری برای ورود به صفوف حزب ، بلکه همچنین با پرورش کومنیستها و توسعه فعالیتها و بالا بردن سطح انضباط آنها تأمین میگردد . پایه این امر همان اصل مرکزیت و موکراتیک است .

رفورمیست ها و انتقاد کنندگان بورژوازی آموزش ندین در باره حزب - از زینت تاثیر دارند . ثابت کنند که گویند " مرکزیت " عرصه را بر همه دا در موکراتیک در فعالیت حزب تنگ میکند . اما زینت کسی

درون حزبی مثلا حزب کمونیست اتحاد شوروی خلاف این طریقی نشان میدهد. تعمیق مستمر دشمنی و تکامل شکلیهای دیموکراسی درون حزبی از مشخصات حزب خلق مارکسیستی - لنینیستی است و این جریان فقط همپایان با بالا بردن محرمیت و انضباط کمونیستها امکان پذیر میباشد. در سیاست و همچنین کنگره حزب تأکید شد که حزب با کسانی را براروزش میداند که بتوانند انضباط وحسرا بکنار بیاورد و در اجرای همکاریها با هم بیامیزند. در این خط مشی حزب و بیوجهی فعالیت سیاسی آن پندارهای ملیفین بورژوازی و "شوروی دشمنان" گوناگون را که گویا حزب کمونیست اتحاد شوروی خواستار اطاعت کورکورانه آنهاست و گویا کارهای حزبی نقش ندارند و "اوامر را" باین اعتباری و لایقند اجرا میکنند، رد میکند. بدینوسیله است که تمسک داشتن به حزب، از کفایت نقد کاری و تابع ساختن جناح فردی به منافع جامعه و منافع جمع و صرف تا پیشبرد کاری را که اغلب فاقد جلوه و شمرخشیها میباشند، میطلبد. ولی این امر بیوجهی به معنی نیست که ایدال ما انضباط مبتنی بر تداوم برداری و ترس وغیره است. درحزب کمیلونیست نیز بدینال آن میروند انضباط اصولا چیزیزگره و از انضباط در گروهی است که چند صد تن عضو دارد. (۱)

انضباط حزب که بر پایه مرکزیت و موزکاتیک استوار است، انضباط رفیقانه حزبی، بر آگاهی درک مسئولیت خود، وفاداری به آرمانهای طبقه کارگر، اعتقاد تزلزل ناپذیر به روشی اندیشه و سیاست آن و به توانایی زمین بخاطر منافع مشترک حزب و منافع خود میباشند. یکی دیگر از نشانههای جدائی ناپذیر حزب بود، ای که از اینجانباشی میشود شرکت فعال تمام کمونیستها در کارهای سازمانهای خود و زندگی روزمره کنشوراست.

یکی از خصایص مهمی که حزب کمونیست اتحاد شوروی از سایر احزاب کمونیست است، انضباط و فعالیت همکارانه سازمانهای حزبی و همه کمونیستها است. ما در این باره از وی نتایج گسی کارهای حزبی طی پنجسال گذشته و از جمله از وی در روحیه سیاسی عالی و شور و شوق کار ساز و خلاق که در جلسات انتخاباتی پیش از کنگره در سازمانهای اولی و کنفرانسها و کنگره های حزبی بروز کرد، قضاوت میکنم. کامیست گفته شود که در جلسات سازمانهای اولیه حزب سجاو از ۹۴ درصد همه کمونیستها شرکت کردند و هیچکس از آنها در ریخت و مژا که شرکت جستند.

در جریان کار نظامی بحثا و تحقیق برنامه های هر یک از واحدهای کار جمعی ویژه و دانشمندان سال در همین برنامه پنجساله، باقی مصوبات هیستوتیچین کنگره حزب، فعالیتت فوق العاده زیاد تمام کمونیستها و تا زحمتگشان بیچشم میدورد. ارتباط متقابل ارگانیک طبقاتی و عموم خلق در فعالیت حزب در مدت وین و تحقق برنامه موسسات آن بنحوی در بخش تجلی میکند. مارکسیسم - لنینیسم میآموزد که توده ای بودن حزب انقلابی باید کارگرایی و با وفای نقد به معنای اعضا و این بستگی ندارد، اگرچه ترکیب کسی خود جائز اهمیت شایانی است، توده ای بودن حزب انقلابی باید کارگرایی از هر چیز دیگری نفوذ آن روی توده های انبوه و تأیید هیستوتیچین شعارها و سیاست حزب از جانب توده های مشخص میشود. روشن است که دستخیزترین سیاستها و سیاست اصولی است. از آنجا که حزب مارکسیستی - لنینیستی با جنبه طبقاتی خود مشخص میگردد و باید به معیشت سیاسی خود میباشند، نسبت به مواضع برنامه ای خود با مسئولیت کامل برخورد میکند. این اصول را با جزئیات تر باید دید و آنها را مانند پیشانی ارشد افتاده و بدورنی افکند. ما از وی تجارین خود بخوبی میدانیم که کمونیستها که دارای وحدت اندیشه اند فقط بر پایه سیاست اصولی طبقاتی استوار متحد میشوند.

حزب ما در همان نخستین برنامه خود که در وین کنگره حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه تصویب رسیده توانست اشتراکات منافع با طبقه کارگر و دیگر زحمتگشان را در مبارزه با تزارسم - ملاکسان و سرمایه داری برنماید. در این برنامه مهم و افتخار باقی سوسیالیستی و اشتراکی با مردم مملکت های دیموکراتیک همگانی توده های زحمتگر یعنی سرگونی رژیم سلطنت، تشکیل جمهوری دیموکراتیک روزگار هشت ساعته، لغو مالکیت زمینداران بر زمین و غیره مطرح شد. این امر اندیشه های حزب را برای توده های قابل درک کرد و به حزب کمک نمود تا همه محافل ترقیخواه کشور را به مبارزه انقلابی و هیستوتیچین ارادت بدیده سوسیالیسم فراخواند.

توجه و اهتمام مستمر حزب نسبت به استحکام وحدت صفوف خود، خط مشی استراتژیک قابل درک برای توده های انبوه و تاکتیک انقلابی پیگیر و قابل اعتماد، نفوذ و وجهه اثر از وی العاد بالا برد، بلشویک ها که بشا به یک سازمان نسبتا کوچک انقلابیون حرفه ای به عرصه سیاست قدم گذارند در داکتبر ۱۹۱۷ به حزب توده مهاجرت کردند. پس از انقلاب فوریه که حزب به فعالیت آشکار پرداخت نزد یک به ۲۴ هزار نفر عضو داشت، پس از پنج ماه در ششمین کنگره اعضای حزب تا ۲۴ هزار نفر فزونی یافت و در اکتبر ۱۹۱۷ شماره اعضای حزب به ۳۵۰ هزار نفر یعنی نایزده بار بیشتر از زمانیکه به فعالیت آشکار آغاز نمود، رسید. در این حالت هم حزب نسبت به توده های سردم ماند نظره ای در نیاورد. ما احزاب زحمتگشان را بدینال خود برد. حزب در راه رسیدن به پیروزی، مبارزه با طبقه کارگر و سایر طبقه های سوسیالیسم، جنبه همگانی مردم در راه صلح، مبارزه با فئانان برای زمین و مبارزه خنقهای ستمگر روسیه برای آزادی ملی را در یک مسیر انقلابی درهم آمیخت و این نیروها را بسوی واژگونی نظام سرمایه داری هدایت کرد.

مردم بدینال حزب لنین رفتند و بدان اعتقاد کردند و حزب با سرفرازی نقش پیشوای سیاسی و رهبری خلق را ایفا کرد و ایفا میکند. حزب با تکامل آموزش مارکسیسم و تطبیق آن با شرایط مشخص برنامه های ساختن سوسیالیسم را تدوین نمود که خلقهای اصلی آن، صنعتی کردن و الکتریکس کردن کشور، نوسازی سوسیالیستی کشاورزی و انقلاب فرهنگی و اعتلای سطح زندگی مردم بود. بلشویکها توانستند توده های انبوه زحمتگشان را به تحقیق برنامه های تدوین شده از جانب حزب جلب کنند و آنها را با روح عداقت و وفاداری به اروسوسیالیسم پرورش دهند.

حزب برای مردم بود و آمده و خدمت بخلاق را اولا درین هدف فعالیت خود میداند. بسبب توجه به این هدف عالی و با دقت تابعین اعتلای مداوم سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم شوروی حزب استراتژی اقتصاد یراندین کرد که بر مصلح اجرا و رساند و راهها و وسائل مختلف رسیده به هدفها و حزب را هم در بر میگیرد. این وسیله ها عبارتند از رشد پر تهرنک و متناسب تولید اجتماعات بالا بردن سطح شمرخشی آن، تسریع ترقیات علمی و فنی، اعتلای سطح بازاری کار و بیستوسود همه جانبه کیفیت کار، رتعام و شتهای اقتصاد کشور. حزب بیوزارت تکامل بخشیدن بنا سیاست اقتصادی را به رشد و تکامل سیستم سیاسی سیستم موزکراسی سوسیالیستی توجه فراوان دارد. حزب به امر بهبود فعالیت و بالا بردن نقش شوهرها و اتحاد به های کارگری سازمان جوانان با می میکند، وحدت و دوستی میان خلقهای اتحاد شوروی را استحکام می بخشد و مسائل پرورش نسل جوان توجه فراوان معطوف میدارد.

بدین ترتیب برنامه ساختن کمونیستی که بهانکار انبوهی با طبقه کارگراست، دارای خصیلت طبقاتی است. در همین حال از آنجا که توجه و مراقبت نسبت به انسان و تکامل شخصیت آن در مرکز نظر این برنامه و سیاست قرار دارد و لذا این سیاست، سیاست واقعا انساندوستانه و صمیمی خلقی است.

حزب کمونیست در جمیع فعالیت های خود متکی بر مردم خواهد است . بدون بازحتمکفان ، پرورش طبقاتی و آموزش و آید کردن آنها برای مبارزه انقلابی و احزاب بازتعمین و رورتا میس خود بهترین وظایف خود میدانسته است . نشین تاکید کرد ، برای آنکه فعالیت حزب در عمل طبقاتی باشد نتسبنا باید در زندگی سیاسی شرکت کند بلکه باید زندگی سیاسی و فعالیت های غیرمتشکل قشرهای انبوه مردم را در برنده هائی شود برآه هدفهای عمده تر نیویادی نرهد آیت کند (۱) . توانائی رهبری مردم ها ، سازگار نشدن با پاندهاره ای باطل ، تحت تاثیر و روحیات عقب مانده قرار گرفتن ، سازمانده جنبش بودن و ینه دنباله روی کردن از حوادث - اینهاست آن هنری که حزب ماحقت رهبری نشین و پاپه روی ارضوایای ایضا و خوشگنی نایذ برپرای خود کسب کرده است . عمده ترین شیوه رهبری حزبی بود همه اشوه افتاع است . مسلم است که طی سالهای ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم سطح آگاهی و رشد فکری مردم شوروی بجزان فوق العاده زیادی بالا رفته است . اما این بهیچوجه بدانمعنی نیست که نیازمیه شیوه افتاع منتفی شده است . برعکس ، همواره بهترین کار حزب بود بوهبت کمستوی سیاستمد و ین شده راهمقا توضیح دهد . بود همارامعتقد سازد و آنها را هدایت نماید . ماهیت کار حزبی در همین است . و این کار نتایج مثبتی ببار میآورد . مردم شوروی که سیاست حزب را بمشابه امرحیاش خود ین پذیرند ، برای تحقق سریع وظایفی که در برابر خود دارند و اجرای برنامه های پیش بینی شده و ابتکار خلاق از خود نشان میدهند وظرفی و شیوه های نورا جستجو میکنند و ین بایند . تحریک جمعی و ذاتی از عضاکن ین ویژه حزب مارکسیستی - لنینیستی است . حزب که بیا تکریم کند پیغمبرهای انقلابی ، طبقه کارگر را مبد ها و آرم آنها ین تودهای وسیع زحمتکشان است نسبت به درگونیهای شرایط اجتماعی در قیقا واکنش میکند و با توجه به اوضاع ، مسائل معشری را مطرح و اجرا میکند و زندگی درونی خود را تکامل میدهد ، اشکال و شیوه های برهبری را با محتوی نشو قنی میسازد .

پایه اساس فعالیت های بازمانده انقلاب حزب و تکامل خود حزب بمشابه یک ارگانیکسم سیاسی زندگی ، آموزش مارکسیسم - لنینیسم است . وشقه یکبارچگی ایدئولوژیک ، صفوف حزب بجزله حزب توده ای اصیل در همین است . این امرضامن جلوگیری از آشفتنی و نزول و انحراف از سطح شی اصولی است . حزب ماضن پهری پیگیر اصول بنیاد ین مارکسیسم - لنینیسم و دفاع استوار از این اصول ، در وضع حال با کار بست جزئی ثنوری مخالف است . حزب کمونیست اتحاد شوروی بسط و تکامل خلاق آموزش انقلابی را وظایف انترناسیونالیستی پروفاتر خود میداند و همیشه در اجرای این وظیفه ، مسئولیت کامل حس میکند . ل . ب . برژنف در بیست و پنجمین کنفرانس طارشان کرد : " نیروی مارکسیسم - لنینیسم در تکامل خلاق درامی آست . مارکس ، جنین مایه بود : نشین جنین مایه بود . حزب ما همواره بموضای آنها و افاد از خود بود " (۲) . قرارها و اسناد بیست و پنجمین کنفرانس کمونیست اتحاد شوروی گواه پژوهش مسترطنی و فهای خلاق ثنوری انقلابی است .

مخاح آزمون شد متکامل همه جانبه زندگی اجتماعی و از آنجمله خود حزب ، انتقاد و انتقاد از خود مییباشد . بمقتاسب انرا پهر دانمیه پیچیدگی و فاضفی که انجام میشود . بر خورود انتقاد ین نسبت به همه کارها اهمیت ویژه ای کسب میکند . بیعت و پنجمین کنفره حزب خاطرنشان کرد که ماهیت شیوه انتقاد عبارت از آنستکه تمام جوانب فعالیت این آان سازمان ، این پان کارمند واقع بینانه ارزیابی شود و نارسائی های موجود ، بمنظور برطرف کردن آنها ، مورد تجزیه و تحلیل همه جانبه قرار

۱ - نشین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۲۱ ، ص ۹۳ .
 ۲ - ل . ب . برژنف ، "مخاطب شی نشینی" ، جلد ۵ ، ص ۵۳ .

کرد . از طرف انتقاد نعدر میان خشونت آمیز آن بلکه در حالت و اهمیت اجتماعی مسائلی است که مطرح میشود . بنوعی مورد انتقاد از خود نیز زمانی ارزش دارد که از روی صمیمت بیان شود ، زمانیکه نه فقط بمنارسامیه اعتراف میشود بلکه بصورت در رفع آنها کوشش بعمل میآید . کار خود کنگسره ، بصورت هجوم و مبتذات و مصیبات آن برای کمونیستهای شوروی نمونه انتقاد و انتقاد از خود جدی ، امیدوار نشینی و روشن بینی چه در ارزیابی های کامیابها و چه امکاناتی که از آنها استفاده نشده ، میباشد .

رشد و تکامل حزب با روح توارث و پیگیری نشین و وسایای انقلابی با روح برخورد دقیق و جدی نسبت به تجارب تسلطیای انقلابی پیشین کشور خود و دیگر کشورها ، تحقق ین باید . حزب کمونیست اتحاد شوروی کمونیستها و اعضای جد ید خود را درست بهمین ضوال پرورش میدهد . انگس نوشته است " . . . با دآوری جنبشهای گذشته برای جوانان سود مند است و گرنه آنها تصور خواهند کرد که همه چیز را مرون خود هستند (۱) . این مسئله همیشه حائز اهمیت بود و در دوران ما هم که کامیابها و نفوذ احزاب براد را افزایش ین باید و تجارب آنها جامع تروضی تر میشود ، چنین برخوردی اهمیت ویژه ای کسب میکند . برخورد احترام آمیز نسبت به تجارب گذشته و حال ارضوایای نشین کبیر بماعت و حزب کمونیست اتحاد شوروی با علافندی و وقت قابل فهم فعالیت احزاب براد را در نظر دارد و کامیابهای آنها را بررسی میکند و این امر به پرورش ایدئولوژیک کمونیستهای شوروی که بهمین برستو انترناسیونالیست اند ، کمک میکند . درک اینکه یک حزب بخت جدائی نایذ بر روی از گردان های جنبش کمونیستی جهانی است ، بمنظور بسط و تکامل و آگاهی همه جانبه آن از اوضاع جهان اگر یک حزب اصیل تود ای و منحرب معدود و منزوی است نمونه وار و پشیمک میباشد . حزب کمونیست اتحاد شوروی طرفدار استوار اصول آزمون شد مارکسیستی - لنینیستی و انترناسیونالیسم پرولتاری است بیاتنا پیرو و مسا طلی که در اختیار دارد از مبارزه نیروهای انقلابی کشورها براد رانه پشتیبانی میکند و وحدت هرچه بیشتر جامعه کشورهای سوسیالیستی همه کمونیستهای جهان ، همه هوادار استقلال ملی و ترقیات اجتماعی و صلح میان خلقها همه جانبه کمک میکند .

در بیست و پنجمین کنفره حزب کمونیست اتحاد شوروی مناره رشد و تکامل حزب ما بمشابه یک ارگانیکسم بزرگ و پیرومند بنحوی روشن نمود اگر ید و آشکارا نشان داد ، شده است که چگونه بر اساس ترفعات پیگیر و تکامل موازین نشینی زندگی حزبی و اصول رهبری استحکام ین باید بوهبت و تقویک و سازمانی آن با محتوی تازه قنی میشود . تجربه ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم گواه رشد فزاینده و پیگیر نشینی رهبری حزب ، بالا رفتن وجهه آن مانند سازمان دهند و الهام بخش همه پرورزی ها است . حزب کمونیست اتحاد شوروی استوار و پیگیر آموزش مارکسیسم - لنینیسم و رشد و تکامل و فهای مسترآن ، مردم شوروی را با اطمینان خاطر بسوی پرورزی کمونیسم رهبری میکند .

۱ - مارکس ، انگس ، مجموعه آثار ، جلد ۳۱ ، ص ۲۰۱ .

منابع نیروی حزب انقلابی

یونگ ایند راشناریا

عضویت‌گه اجرائیه مرکزی در بر
شورای ملی حزب کومنیت
هند وستان

حزب مایهنگام تعیین شدی انقلاب هند وستان تحقق دموکراسی ملی را بمنزله مرحله گذار به سوسیالیسم هدف خود قرار داد. وظیفه ایجاد حزب انقلابی بوده ای بنا بر مستقیم و بلا واسطه از این هدف ناشی میگردد. نیروی این حزب باید از وحدت یکپارچه و انضباط آگاهان آن ناشی گردد. مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری را هرمنوع خود قرار دهد و قادر به بسیج و وحدت تمام نیروهای صمیم پرستود موکرا شکستور به پای اتحاد کارگران و دهقانان باشد. مسائل مربوط به ایجاد چنین حزبی، پیوسته در اوضاع و احوال هند وستان پیچیده و متغیر است و زسرا اهالی هند وستان به زبانهای گوناگون سخن میگویند، پیروین های مختلف اند و در آنجا چند صورت بندی اجتماعی - اقتصادی از زمانه های نظام قبیله ای تا سرمایه انحصاری وجود دارد. بیشتر از وسوم اهالی هموار اند و در آمد آنها در روستاها زندگی میکنند. با اینهمه ما با اطمینان به انجام این وظایف مهم حیاتی پرداختیم.

در این راه جمیع قوت‌های بدست آورده ام ۲ در حال حاضر بیشتر از نیم میلیون نفر عضو حزب کومنیت هند وستان پیوسته اند. ۵ میلیون نفر سازمانهای توده ای کجکشتا حزب اند تشکیل شده اند. تقریباً ۱۰ میلیون نفر از انتخاب کنندگان آراء خود را بدین امید هید، در جناح ما قایلین - گذاری ۱۰ اہالت نماینده دارد و در چهار جوب جبهه متحد با حزب حاکم کنگر ملی هند وستان و برخی از احزاب دیگر در ایالات کرالا و تاملنور دولت شرکت دارد.

حزب کومنیت هند وستان به بزرگترین حزب چپ گرا و از لحاظ بزرگی به دو تریون حزب طبسی کشور بدل شده است. این حزب در جریان نبرد آشتی ناپذیر با احزاب ارتجاع راست که به ازهم پاشیدن آن میگویند و دشمن وحدت و سازمانها حزب کنگر ملی هند وستان است شکام پایند. لسوز خود را گسترتر داد و در بخشهای مختلف کشور طرفداران تازه ای پیدا کرد. حزب پیوسته در رسال گذر شده، هنگامیکه نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی بمنظور "برهم زدن ثبات" وضع کفری فعالیت و تبلیغات در یونان واری دست زدند، بسرعت رشد کرد. آن تلاشها و تبلیغات هم با ما مواضع لازم رو بروگردید و نتایجهای ارتجاع بوسیلہ دولت ایند برآگاندی که وضع فوق المادہ در رگه‌ها اعلام گسرد (ژوئن ۱۹۶۷) بهم خورد.

گسترش فعالیت های اید کولوبیک، سیاسی و سازمانی حزب که قادر است هرگونه تغییر و تحول اوضاع سیاسی را بدرستی ارزیابی کند به رشد واقعاً بی سابقه حوزه‌های حزبی و افزایش تعداد سازمانهای تازه در نقاط مختلف کشور انجامید. تنها از آذر تا نوامبر سال ۱۹۶۵ یعنی در دوران سر گذاری آخرین کنگره حزب (کنگره دهم) ۶ تا آذر تا نوامبر سال ۱۹۶۶ ۶۰۰۰۰ اعضای حزب کومنیت - هند وستان ۵۲۶ ۰۵۵ نفر به ۳۵۸ ۸۷۰ نفر افزایش یافته است. نه فقط میزان سازمانی برتر در سازمانهای اولیه (که ما آنها را شعبه‌ها مینامیم) بلکه به تعداد خود سازمانهای حزبی هم افزوده شد. بر تعدادشان از ۱۶ هزار به ۲۳ هزار رسیده است.

حزب ملی تمام دوران موجود به خود چنین رشد چشمگیری در صفوف خویش نداشته است. تنها طی یکسال همانقدر اضافی تازه به صفوف آن پیوستند که در نخستین سی و پنج سال موجودیت آن. تعداد این اعضای تازه بهر از رقم کل اعضای حزب (۱۳۴ ۸۶۶ نفر) است که در سال ۱۹۳۳ هنگام برگزاری آخرین کنگره بهر از انشعاب آن (کنگره ششم) به ثبت رسیده است. صفوف حزب کومنیت هند وستان طی ۱۲ سال پرازان شعاب (سال ۱۹۶۴) پنج برابر شده است. این امر نشان میدهد که حزب در صورت پرورزی ازمنش سیاسی - سازمانی درست صفوف خود را افزایش میدهد. در گذر شده، هنگامیکه حزب از بیماری های اپورتونیسم جب و راحت رنج میرود تعداد اعضایش را تا بیستمانه و یا کمتر میبازد.

این حقیقت هنگام روشن تر میشود که ما حزب کومنیت هند وستان را با دیگر احزاب سیاسی و از جمله با حزب دوم که از اپورتونیسمهای چپ گرای انشعابی تشکیل یافته و خود را "گراف" حزب کومنیت هند وستان (مارکسیستی) " (۱) مینامد مقایسه کنیم. تعداد اعضای آن بی اندازه کا هشر یافته است. بسیاری از اعضای سابق این حزب از نو عضویت حزب ما در میآیند. زیرا از منش اپورتونیستی چپ گرایانه رهبری خود در دست در نیامده اند. بسیاری از سازمانهای حزب کومنیت هند وستان (مارکسیستی) در ایالات اند هرا - پراش در کرالا، تاملاند و ایالات دیگر به حزب کومنیت هند پیوستند. در سایر احزاب اپورتونیسم هم که از شعاب ارتجاعی ای جایی بر آگاش نارایان (۲) یعنی "انقلاب همگرا (توتال)" پیروی میکنند، چنین حالتی چشمه‌خورد.

فرض سیاسی درست حزب کومنیت هند وستان در تعلق با کوششهای هد فمند سازمانی همچنین موجب تغییرات کلی در ترکیب سازمانهای اولیه گردید. سن اکثریت متعلق اعضای جدید به حزب کومنیت هند وستان میان ۱۸ تا ۳۰ سال است. در آمد آنها را کارگران صنعتی و کشاورزی، دهقانان بی چیز و زمینستان، تلمیها تشکیل میدهند. در مقامی با گذر شده، اینک از اعضای جدید حزب انتدارات بهشتی میروند و آنها بشعبه بهشتی در فعالیت های حزب نسبت به گذشته دارند. طبق آمیسانه حزب کومنیت هند وستان عضویت فقط کسی میتواند باشد که در یکی از سازمان های آن کار کند. بنا بر ادوری و انحراف از این اصل "تفویض مجوز" خلعت ریزندگی و انضباط ط حزب مندر میشود و آثار برای انجام چهار زرات متفکک و هد فمند تا توان بسیار.

- ۱ - نام این حزب که اغلب با آن برخورد میکنیم حزب کومنیت پارالل هند وستان است (هیئت تحریر)
- ۲ - جای بر آگاش نارایان در گذشته از جناح چپ کنگر ملی هند وستان بود. اینک در راس بنشین ارتجایی در هند وستان قرار دارد کجکشت شمار "انقلاب توتال" و "دموکراسی دون حزب" فعالیت میکنند. این جنبش برای تحریک و تنظیم و بسط دموکراتیک در هند وستان و باز داشتن کشور از دست متفرق تلاش میکند. (هیئت تحریریه)

برای کسی که میخواهد به عضویت حزب درآید و در آغاز بعنوان عضو آزمایشی (نامزد عضویت) و سپهر اعضا حقوق کامل بشرایط زیرین بعنوان شرایط حداقل در نظر گرفته شده است و نباید کمتر از هجده سال داشته باشد و باید برنامه و اساسنامه حزب را مطالعه کند و بنا بر وضع و حین عضویت برود از در یکی از سازمانهای حزبی فعالیت کند و قرار بر این است که کمیته متعهد و مستعان را اجراء نماید . در گذشته کسی که به عضویت حزب پذیرفته میشد تا زمانی که کوی را طبق موازین حزبی از حزب اخراج نمیکردند عضو حزب بشمار میآمد . حالا هر ساله بوضع حزبی تمام اعضای حزب کمیته متعهد و مستعان رسیده می شود و در جریان آن تصمیم گرفته میشود که این یا آن عضو کما بیشکی باقی ماندن در حزب را دارد یا خیر . در ضمن این رسیدهگی عضو حزب را بعلت زیرین میتوانند اخراج کنند :

- عدم پرداخت حق عضویت
- عدم اشتراک در زندگی و فعالیت حزب
- اشتغال از شرکت در کارهای آن سازمان توده ای (بدون داشتن دلیل کافی) .
- تقریباً ۴ درصد از اعضای حزب در سال ۱۹۷۵ در رسیدگی حزبی سال ۱۹۷۶ بعلت مختلف پدیده برفتند و باقی ماندن در صفوف این محروم گردیدند . چنین درصد زیادی از مخالفان به طرور شده نتیجه ضعف کار سازمانی با اعضای جوان حزب و بسیاری از شعبها و وجود نقص در رسیدگی بوضع حزبی اعضا محسوب شده است . یک نقص دیگر همین درصد بسیار کم اعضای حزب از کارگران صنوف و آدیوانی (۶) نامندگان اقلیت های مذهبی و زنان هم به سطح فعالیت ششماهه مربوط است . اگرچه در این اواخر افزایش تعداد اعضای حزب از میان افرادی که وابسته به فکاتوری های نامرده اند بجهت میسر شود . بسط و تکامل حزب کمیته متعهد و مستعان یعنی حزب طبقه کارگر هند وستان تا حدود زیادی وابسته به بوطرف ساختن این نواقص است .

۱

در گزارش مربوط به مسائل سازمانی بهفصلترین گنگره حزب کمیته متعهد و مستعان (در سال ۱۳۳۴) چنین یاد آوری میشد : " حزب ما از مدت ها پیش از این وضع در تنگنا بود که بیرون مشکل کننده آن با نفوذ آن میان توده ها تطبیق نمیکرد . . . " مقصود از این مطالب چه بوده است ؟

اگرچه حزب متعهد نیروی سیاسی بزرگی که از پشتیبانی گسترده انتخاب کنندگان برخوردار است و از مدت ها پیش بعلت کمبود استوار گردیده (در سال ۱۶۵۸ ۱۲ میلیون نفر از رای دادند) در صفوف آن (در دهه هشتاد ۱۹۵۸) اندکی بیش از ۳۰ هزار نفر گرد آمده بودند یعنی بهتر از یک از اعضای حزب کمیته متعهد . ۶ انتخاب کنند میسر شد که به نامزد های آن رای داده بودند . حتی پس از انشعاب و در حزب کمیته متعهد و مستعان ، زمانیکه در انتخابات سال ۱۹۶۰ تعداد چشمگیری از آرا را از دست داد و بهر یک از اعضای حزب ۳۲ رای میسر شد . طی پنج سال اخیر نفوذ سیاسی حزب کمیته متعهد و مستعان استحکام یافت و در کارگردانی بیشتر اعضای جدید به پیشوی حاصل گردید و اما با تمام اینها فاصله ای که از آن یاد کردیم هنوز بحال خود باقی است . اگرچه اینکه بسیار گسترش از گذشته است . این پدیده معانی از امکانات رشد است ، ولی اصل مسئله تا چه اندازه ای دارد که از بسیاری جهات آموزیده است .

ساختن حزب کمیته متعهد و مستعان بخرزله حزب توده ای در اروپای شمالی (۵ میلادی مترجم) هنگامیکه با برخورداری از پشتیبانی گسترده و انتخاب کنندگان همانند هند متراکم ترین حزب

۱ - در هند وستان فئالیت مختلف مردمی را که بطور عمده در مناطق کوهستانی متمرکزند چنین مینامند (هیئت تحریریه) .

اپوزیسیون در پارلمان هند وستان با بر حومه سیاست نهاد ، در دستوری قرار گرفت . حزب کمیته متعهد و مستعان در انتخابات مجمع ایالت کرالا اکثریت را بدست آورد و برای نخستین بار در تاریخ کشور نخستین دولت یک ایالت هند وستان را که کمیته متعهد و مستعان قرار داشت بد تشکیل داد . در آیینگام در زندگی سیاسی هند وستان تغییرات عمده ای اتفاق افتاد و به این اعتبار حزب کمیته متعهد و مستعان میان مردم مافوق و شد . در چنین زمینه ها به شرح تفصیل در فصل پنجمین گنگره در بمبئی (سال ۱۹۵۸) و آنچه ایجاد حزب توده ای را مظهر ساخت . حزب کمیته متعهد و مستعان اعضای خود را به بوطرف ساختن فاصله ای که از آن یاد کردیم فرا خواند و راه عمل آنرا هم برهیز از اقدامات سکتاریستی و تشدید فعالیت در سطح اعضای جدید به حزب نشان داد .

در ساختن سازمانی حزب هم برخی تغییرات بوجود آورد .

- ۱- اما شعرا ساختن حزب توده ای که گنگره پنجم به پیش کشیده بود عملاً انجام نشد و بعضی تعداد اعضای حزب کمیته متعهد و مستعان که هفت یافت و در آستانه گنگره پنجم (سال ۱۹۶۱) تقریباً ۹۵ هزار نفر رسید . جریان بد بقرار است که در حزب اختلاف نظرهای زیادی در کلونیک و سیاسی جدی پدید آمد که انشعاب سازمانی را در پی داشت . این انشعاب نتیجه مبارزه فکری بود که از طرف عناصر افراطی دام زده میشد . افراطی ها که در تلاش خود برای واداشتن حزب ما به پیروی گورگروانه ارضی سبزه رجویانه و شومنیستی آنها با شکست روبرو شده بودند به اشتباهات گوناگون وارد می ساختند و آشکارا به انشعاب فرامی خواندند . گنگره هفتم حزب کمیته متعهد و مستعان با نتیجه تحلیل علل انشعاب در رویف سایر علل ضعف ایدئولوژیک و سیاسی سازمانی حزب راهم در آن دوران یاد آوری شد . بدین ترتیب حزب کمیته متعهد و مستعان با تخریب تلخ خود دریافت که برای ساختن حزب توده ای وحدت ایدئولوژیک و سیاسی حزب تا چه اندازه درخور اهمیت است .

اینکه ما میگوئیم مسئله ایجاد حزب توده ای از طریق انجام متقابل و مرتبط وظائف ایدئولوژیک سیاسی و سازمانی که نخستین های نهی و منظم و شورای ملی و گنگره های حزب تعیین میکنند راه با هم .

۲

حزب کمیته متعهد و مستعان بر زمینه مبارزه سیاسی توده ای رشد و تکامل پیدا میکند . این رشد و تکامل در هر دو مبارزه بکنیم بر ضد دشمنان طبقه ای ملی امکان پذیر است . مضمون شعارهای مبارزه حزب کمیته متعهد و مستعان بر طبقه امپریالیسم و راجه هند ، مالکان و سرمایه انحصاری میاوست . از استقلال و تمامیت ارضی کشور ، همبستگی با کوبا ، ویتنام و انگولا و پایان دادن به بالا رفتن قیمت ها و زمین بردن بیگاری ملی کردن موسسات صنعتی بزرگ و جنگها ای مالی ، تحکیم بخش دولتی و جلوگیری از دستکاریان در اداره امور ، اصلاحات ارضی و تحقق برنامه اقتصادی ۲۰۰۴ - ۲۰۱۱ (۱) حفظ وحدت خلق هند وستان که نتیجه این ارضی راست گرایان آنرا به خاطر افکنده است ، دفاع و استقلال ملی و مودت گرامی در برابر تحریکات و خرابکارهای فاشیستی در ایالت بهار و دیگر بخشهای کشور .

۱ - بر پایه اقتصادی خلق ما به ای که سال پیش نخب و وزیر اند برآگاندی مطرح ساخت و بر طبقه با پهلای اجتماعی - اقتصادی بازمانده های نفوذ الی است . به همین سبب ما از این برنامه پشتیبانی میکنیم . در ضمن حال ما برای ایجاد کمیته های خلق در تمام سطوح برای نظارت در انجام این برنامه مبارزه میکنیم . زیرا تا چنین نشان میدهد که این برنامه را نمیتوان بکند و دستگاه بزرگتر که موجود بسا موفقیت بانجام رساند .

حوزه‌های حزبی حزب کمونیست هند وستان و سازمان‌های توده ای تحت رهبری آن در سراسر کشور به‌طور گسترده ای فعالانه مبارزه می‌کنند. اما، به‌طور کلی هنوز کافی نیست. رسالت حزب در این است که فعالیت‌های سیاسی توده ای را سر ببرد و ستان و مبارزه سیاسی توده ای را سازمان‌دهی دهد و رهبری کند. زیرا تنها چنین فعالیتی آنرا به نیروی سیاسی مؤثرتر و بیشتر سراسر کشور تبدیل خواهد کرد و این نیز، به‌طور کلی، بنوع خود یکی از بهترین نشانه‌های حزب توده ای است.

طی سه سال و نیم اخیر حزب به اقدام گسترده به‌طور سراسر کشور با انجام رسدنده است. آخرین آنها تبلیغات گسترده و فعالیت‌ها شدیدی تحت عنوان "پارایاترا" در بخش‌های این سرزمین است. در ۲۰ ماده ای بود که از آن یاد کردیم. کمیته اجرایی مرکزی حزب کمونیست هند وستان در جلسه ۲۱-۲۲ ژوئن سال ۱۹۶۶ خود تأکید کرد که نتایج این فعالیت گروه "موفقیت بزرگی است که بالا تر از انتظارها بوده است. (۱) - تمام حزب اینها را با تمام توان و همچنین سازمان‌های توده ای که تحت رهبری آنست با شور و هیجانی واقعی در این جریان شرکت می‌کنند. از زبان این فعالیت‌ها در رفتار کمیته اجرایی مرکزی، چنین قید گردیده است: حزب برای نخستین بار در تاریخ موجود به‌طور توده‌ای در محکمات ساکن روستاها را با طور مستقیم به فعالیت و مبارزه فراخواند. بهمان آنگاه رفت و با آنها به اقدام مشترکی درگیر شد. شرکت کنندگان در جنبش "پارایاترا" که تنها روستاهایی هستند که حزب در آنها درگیر شده هم فعالیت می‌کنند، بلکه نقاط مسکونی تازه ای را نیز به محیط فعالیت خود افزودند. علاوه بر ضد هازار نفری که در دستگیرها و اجلاس‌ها شرکت کردند. عملاً در این جنبش ۲۱ هزار نفر از اعضاء و فعالین حزب هم شرکت داشتند. این جنبش ۴۴ هزار روستا در ۲۷ منطقه کشور دربر گرفت. سازمان‌های سندیکایی نیز در گسترده ای در این جنبش اشتراک‌گرفته‌اند و سندیکاها تحت رهبری حزب برای نخستین بار با توده‌های روستا نشین به‌طور مستقیم تماس پیدا کردند. بدین ترتیب با هم‌ساز برای وحدت با یکدیگر گروه‌های روستایی و پیوسته کارگران کشاورزی و کاست‌های پایین اجتماع که حزب برای جلب آنها مبارزه می‌کند، فراهم گردید.

حزب ملی در سال اخیر هم به دو اقدام و فعالیت گسترده به‌طور سراسر کشور دست زده است. یکی به‌مناسبت آغاز مبارزات گسترده ضد فاشیستی در هند وستان و دیگری به‌مناسبت پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست هند وستان. اگر جنبش "پارایاترا" از لحاظ فصلت طبقاتی خود بی‌سک نیست، جنبش ضد فاشیستی بود، فعالیت در جنبش برای تشکیل کنفرانس‌های ضد فاشیستی، خصلت ضد امپریالیستی و اشتراک‌پروری و مسائل اجتماعی داخلی، با نیروها و ایدئولوژی‌های مختلف توده ای شده بود. در این کنفرانس‌ها اکثریت‌یاد و نیروی ضد فاشیستی هند وستان تشکیل گردید. نزدیک به ۵ میلیون نفر شرکت کردند.

جنبش پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست هند وستان به اقدام گسترده ای برای تحکیم سازمان‌های حزب تبدیل گردید و موجب آن شد که تقریباً بی‌آن در روزنگی سیاسی کشورمان توده‌ها را بواجب و اشیا به‌پیدا کند. باانتظار پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب برنامه‌های جنبش‌های جدید به‌طور سراسر و سازمان‌های توده ای بیشتر از میزان در نظر گرفته شده به انجام شد. میزان فروش و انتشار نشریات حزبی افزوده شده و بوجه اضافی برای صندوق حزب جمع‌آوری شده است.

حکمت اصلی موفقیت فراوانی را در اقدامات و فعالیت‌های توده ای در سراسر کشور متواتر است. حزب در تنه‌موت وین مؤثرترین شکل عملیات طبقاتی، طرح مسائل مبهم روزی که کشیدن شعارهایی است.

لیت که یاضع همین موجود مطابق دارد. در این مورد ما به‌طور کلی هستیم که به‌تأیید تمام اشکال اشکال را بطور مستقیم و بدون استثنا باید تکمیل کرد. حزب ملی در ایران نیز همین مبارزه خود که در شرایط فوق العاده دشواری جریان داشته است فعالیت‌های سیاسی گوناگون توده ای را آغاز گرفت. فعالیت‌های ملی و وطنی و فرهنگی، پارلمانی و خارج از پارلمان، و مسائل آنتی‌امپریالیست آنتی‌زاجده آنها است. طی بیست سال اخیر کمونیست‌ها با تکمیل این اشکال مبارزه در تطبیق معقول اشکال سنتی مبارزه مانند اعلام گرسنگی، "دهارت‌ها" و "سانت‌هاگ راه‌ها" (۱) که در جریان جنبش ملی بر علیه حکمرانان برپا می‌نمودند، با اختصاص‌های رزمی و نهاده و دیگر اشکال مبارزه با یکدیگر را بر مبنای موفقیت‌های شان با توجهی رسیدند.

در همین حال طیف موقت‌های جدی در این اشکال تازه عملیات توده ای، حزب هنوز در زمینه تکامل هر چه بیشتر آنها باید کارهای زیادی صورت دهد. اقدامات انجام گرفته فاشیست‌ها در دو سه سال اخیر بر علیه حزب ما ضرورت ساختن حزب رزمنده، پرتحرک و با انضباطی را که ریشه‌های عمیق میان توده‌های مردم داشته باشد و قادر باشد، همان‌تأوی که در برنامه حزب تأکید گردیده، با آگاهی کامل، با هر وضع پیش‌بینی نشده‌ای، با هر گونه چرخش غیر مترقبه و تغییر در تحولی روزنگی سیاسی کشور، مقابله نماید، حاد تر می‌کند.

ک

ساختن چنین جنبش‌هایی که واقعاً به‌طور توده‌ای در محکمات رابد نیاز خود بر با تشکیل جنبه متحد تمام نیروهای چپ و موکراتیک و تعیین دقیق مقام آن در این جنبه ارتباط ناگسستگی دارد. همان‌طور که یاد آوردیم، حزب کمونیست هند وستان در جریان فعالیت خود به‌طور کلی خود برنامه ضد امپریالیستی، ضد فاشیستی و ضد انحصاری انقلاب ملی - موکراتیک را رهنمود خود قرار داده. در این برنامه چنین پیش‌بینی شده است که به‌سلبه انحصارهای خارجی بر اقتصاد ما کاملاً پایان داده خواهد شد، بختر دولتی مستقل از انحصارهای خارجی که بر پایه سوازیسم و موکراتیک عمل خواهد کرد، بمنزله وسیله نیرومندی برای ایجاد اقتصاد ملی مستقل، توسعه بافتنی و استحکام خواهد یافت، گروه‌های انحصارهای هند که کم‌کم اقتصاد را در صنایع، بازرگانی و کارهای بانکی و نظامی آنها در دست خود متمرکز کرده اند ازین خواهند رفت. هرگونه باقی‌مانده در جهت پیشرفت انحصارها با فکری العمل جدی و مؤثر و بی‌خود خواهد شد. به‌سلبه مالکان بزرگ، میان‌مالان و های خود به‌طور مستقیم و با پایان داد خواهد شد. اصلاحات ارضی را در پیکال بسود دهقانان با فاشیست خواهد بود. این هدف‌ها حزب به سیاسی پرزورتر به ایجاد جنبه ملی در موکراتیک سراسر کشور که انقلاب ملی در موکراتیک پشتیبانی کنند نیازمند است.

سیاست میان حزب کمونیست هند وستان و حزب حاکم، گنگره ملی هند وستان، که سازمان سیاسی بزرگ و آزادی ملی است و مناسبات یاد دیگر احزاب و جنبش‌ها را که بر مبنای این برنامه‌های و اخبندی متکی باشد ندارد. اما از همین حال در تازمه برخی از مسائل که به‌طور ویژه جنبه ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی دارد، موضع‌گیری حزب ما آنها یکی است. به‌طور نمونه ما در بالا از مناسبت حزب کمونیست هند وستان نسبت به برنامه اقتصادی ۲۰ ماده ای سخن می‌آوردیم. همچنین می‌دانیم که در سال ۱۹۶۶ در حزب کمونیست هند وستان بر سر مسئله ملی کردن بانکها و الغای ایتتیسازهای

۱ - اشکال مشخص رفتار و کردار اردو قانونی بهم زنده به نظم و ترتیب به‌علامت اعتراض. هینتصر به به.

فئودالی را جمعاً و مابراً چه های سابق که حزب ما در پی نیروهای چپ درون حزب حاکم و خارج از آن در برآید تحقق آنها زمان درازی مبارزه میگردند انشعاب بود (۱) . ما در زمان علموفسکا نیکسه با این تدابیر موکراتیک مخالفت میگردانیم و دولت پشیمانی کردیم .

در سال ۱۹۷۵ هنگامیکه نخست وزیر براند برآید برای سرکوب تحرش نیروهای ارتجاعی راست و فاشیست ها که هدف عمده شان نابود ساختن حزب ما بود ، و سرکوب نمودن بی ثباتی بوجود آورد ، برقراری وضع فوق العاده و در کشور اعلام داشت ، ما از وی پشتیبانی کردیم ، ولی در همین حال ما بدون اندک تردید پیوسته استفاده از قوانین وضع فوق العاده بر طبق نیروهای دموکراتیک نمودیم . انحصارها را محکوم کردیم .

حزب کمونیست هند وستان که بطوریکه میگردیدون گذشت بر طبقه نیروهای ارتجاع راست مبارزه میکند از سیاست وحدت و مبارزه نسبت به حزب حاکم پیروی مینماید . در اوضاع و احوال بختی سرخ سیاسی ، تنها چنین سیاستی به وحدت نظامی چپ و بنظر او ایجاد جبهه ملی دموکراتیک در سرآرکشور و انجام انقلاب ملی - دموکراتیک کمک میکند . متأسفانه سیاست کوکوتیه بنامه " ضد کنگره " که حزب پارالل کمونیست هند وستان و حزب سوسیالیست دنبال میکنند و آنها را با نیروهای ارتجاع که برای سرنگون ساختن دولت این مبارزه میکنند در رینبرد پای قرار میدهند و در راه این وحدت است . این احزاب باور عینی این با سیاست عناصر ضد کمونیست در داخل و خارج حزب حاکم میروند .

مشی ایجاد جبهه متحد با تمام نیروهای چپ و دموکراتیک برپا نمودن ضد امپریالیستی و ضد فئودالی و ضد انحصاری به حزب کمونیست هند وستان در درک و انجام اقدامات سیاسی خودی کمک کرد و برای رشد سیاسی و سازمانی آن شرایط مساعد فراهم آورد . بطوریکه تجربه نشان داد موفقیت در اتحاد نیروهای چپ و دموکراتیک در درجه اول وابسته به توانایی احزاب به اتکالی و بلاواسطه به توده های مردم ، در همین پیروی از سیاست مستقل طبقاتی خویش است . هر قدر حزب کمونیست نیرومند تر باشد امکانات آن در جلب متحدین که بدون وجود آنها رسیدن به هدف سیاسی سیاسی برای آن غیر قابل تصور است ، گسترده تر خواهد بود . جبهه متحد و نقش مستقل حزب کمونیست در آن ، هر دو عامل صمیمی هستند ، این دو عامل یکدیگر را تکمیل و تقویت میکنند . هنگامی که این دو در نقطه قابل هم قرار میدهیم و اینها یکدیگر را با هم میزنیم ، بدون استفاده از مبارزه مارکسیستی جدی وارد میشد .

در نقطه ها نه سیاسی کنگره دو هم ضمن جمع بندی تجارب ما چنین گفته شده است :

" حزب ما باید در تحکیم خود بکوشد ، نقش مستقل خویش را به میزان چشمگیری افزایش دهد و ابتکار بیشتری بخشد . در د تا بدین ترتیب در شرایط و شرایط خاص خود و در احوال و احوال مسلطی بر اوضاع باشد . افزایش نقش مستقل حزب ما باید در رشته ساختمان حزبی ، تحکیم سازمانها ، توده ها و کارگران توده ها ، بسط و تکامل جنبش توده ای و سیاسی و بالاخره در امر مهم دیگری عبارت از افزایش نقش حزب بینالمللی دموکراتیک و نیروهای چپ و دموکراتیک و پیشتر از مبارزه بر طبقه ارتجاعی راست و ایجاد جبهه چپ در زندگی سیاسی کشور است ، منحصراً گردد . فعالیت حزب باید روی پیشرفت و گسترش اقدامات متحد توده ای و جنبش ها و عملیاتی که هسته مرکزی آنها را طبقه کارگر ، کارگران کشاورزی و دهقانان زحمتکش و با آنها اتحاد و کارگران و دهقانان تشکیل میدهند ، منحصراً شود "

۱ - انشعاب در صفوف حزب کمونیست هند وستان کمترین خطر در وضع اقتصادی و پیشرفت بی نظایر و مقاومت توده های مردم بود ، موجب آن شد که ارتجاعی ترین گروهها و افراد طرفدار امپریالیست ها که سازمان کنگره را بوجود آوردند ، از حزب کارروند . اینک منحصراً برده

اما ، نادرست بود اگر تصور میشد که ما زودتر به ای در نقاط مختلف و با بعضی این سرآرکشور بطور خود بخودی به استواری و رشد حزب منحصراً کردیم . حزب کمونیست هند وستان مدت درازی چنین برخورد نادرستی بدین مسئله داشت . نهمین کنگره حزب (سال ۱۹۶۱) چنین برخوردی را نشان د نباله روی روزه ها ، " ناتوانی درک اهمیت فعالیتها و پیشرفت بودن کار حزب و ساختمان پرشکست و دستگیری ناپدید شدن ستک حزب " بر ما آورد . فعالیتها مبارزه سیاسی توده ای با پولواساس موفقیت است ، ولی چنین چیزی بدون کوشش های گاهانه ، هدفمند و پیکر در امر ساختمان سازمان حزب برپا به برنامه های ویژه نمیگردد . برای ما این وظایف از اهمیت ویژه ای برخوردار است :

- تأمین رهبری جمعی در تمام سازمانهای حزبی .
- تکمیل دستگاه سازمان حزب .
- گسترش سیستم روشنگری حزبی .
- انتخاب درست ، آماده ساختن و یکپارچگی کارکنان معقول کارها .
- فعالیت بدون وقفه سازمانهای اولیه حزبی .

عدم انجام این وظایف در سالهای ما موجب پدید آید بحزبان در حزب گردید که بالاخره به انشعاب در آن انجامید . برخلاف این مبارزه گاهانه و پیکر در راه انجام این وظایف پس از چنین کنگره حزب کمونیست هند وستان به رشد سریع حزب و تحکیم یکپارچگی آن کمک کرد . ما برای بهبود و مشخص ساختن کار ساختمان حزب تصمیم گرفتیم در دستگاه مرکزی حزب در سطح ایالات و ولایات شعبه ساختمان حزبی بوجود آوریم . تا حال حاضر ما توانسته ایم این قرار را فقط در مورد دستگاه مرکزی و نیرومندترین سازمانهای حزبی برخی از ایالات به مورد اجرا در آوریم . ما همچنین سیستم روشنگری حزبی تحت رهبری شعبه ویژه تبلیغاتی حزبی که در سطح مرکزی دانش و تبحر در سطح حزبی دانش ایالتی را رهبری میکند ، بوجود آوردیم . علاوه بر اینها کلاسهای کوتاه مدت برای بالا بردن سطح معلومات حزبی اعضای حزب کمونیست هند وستان تشکیل میشود . حزب هشت روزنامه (بنیادهای هندی و مالایالی ، لام ، دوروزنامه بنیادهای تلوگویی بنگالی ، پنجابسی و مانپوری هر یک ، یک روزنامه) ، ۱۵ هفته نامه متعدد از نهادهای مجله های باهانه انتشار میدهند و همچنین کار چندین بنیاد نشریاتی را که کارکنان کلاسهای کار میسریم و کتابها و رساله های مختص مسائل روز را بنیادهای گوناگون چاپ میکنند رهبری مینماید . این نشریات از وسائل مهم تبلیغاتی و ترویج و ترقیب میان کارکنان و روشندگان آن در پیوستن و تربیت اعضای سازمانهای اولیه ما است . البته ترویج و تبلیغ شغلهای (در زمینه های توده ای ، کنفرانسها ، سمینوم ها و وظایف اینها) نیز دارای اهمیت زیادی است .

این واقعیت بنیادی یکجکتن ندارد که کارهای رهبری اسخواری بند حزب را تشکیل میدهد و سرانجام حزب تا حد و درازای وابسته به کیفیت سطح کیفی کارهای حزبی است که در اختیار دارد . گسترش دامنه فعالیت حزب و افزایش تعداد سازمانهای آن نیاز به افزایش کارهای حزبی دارد که دارای معلومات ویژه ای باشند و بطور فعال در راه هدف معینی کار و فعالیت نمایند . حزب در حد و ... هزار کارکنان دارد که در بیان شعبه های حزبی و معانوی آنها از جمله آنها هستند . تقریباً هزار نفر از آنان افراد دستمندی که از کار آزاد شده اند و فقط در کارکنان گوناگون دستگاه کمینه مرکزی و سازمانهای حزبی ایالات و ولایات کار و فعالیت میکنند . شورای ملی حزب سند مشروطی را در باره سیاست کارها به تصویب رسانید که در آن حفظ کارهای قدیمی حزبی در همین جنب هر چه بیشتر جوانان بکار بیشتر یعنی شغل ایجاد ، طبقه این سند کارکنان صنعتی و کشاورزی بر یکبارن ترجیح داد میشود .

بارشد چشمگیر صفوف سازمانها ی اولیه و شمار ه اعضا ی آنها شد بد فعالی ت این سازمانها اهمیت ویژه ای کسب میکند . شعبه سازمان کمیته مرکزی میگوید به کمیته های حزبی ایالات و ولا یست کشورها تحکیم هسته و نظری و ریشه های حزب و تکلیف مشخص بد فعالی ت آنها یاری رساند .

حزب کمونیست هند وستان با مقاومت و پایداری از بروز هر تنوع جریان خود بخودی در تمام مرزهای گارهای درون حزبی جلوگیری بعمل میآورد .

حزب کمونیست هند وستان یکی از گردان های صدیق جنبش جهانی کمونیستی است که مبارزه در راه صلح در سراسر جهان ، استقلال ملل و دموکراسی و سوسیالیسم را رهبری میکند . در اسامنامه حزب گفته میشود : " حزب کمونیست بر علیه فئودالیسم و ناسیونالیسم بورژوازی مبارز میکند . طبق اصول استقلال و برابری تمام احزاب کمونیست ، این حزب از مواضع جنبش جهانی کمونیستی که مورد توافق متقابل همه احزاب است در مبارزه بخاطر صلح ، بر علیه جنگ ، استعمار و استعمار نو پیوسته دفاع از دستاوردهای سوسیالیسم در راه دموکراسی ، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم در سراسر جهان پشتیبانی میکند . حزب بر این عقیده است که همکاری و تقاضای متقابل زحمتکشان و خلقهای کشورهای سوسیالیستی و غیر سوسیالیستی نقش مهم حیاتی در رسیدن به این هدف مشترک آنها میکند ."

حزب کمونیست هند وستان با انگار به تجر بیانی خود کشف کرده است ر ستار ی های جنبش جهانی کمونیستی بمقدور های مرد هند وستان الهام می بخشد و نیروهای چپ و دموکراتیک و صحن پرست کشف میکند و مریضه را بر ضد کمونیست ها تنگ ساخته و نقشه های پلید امپریالیسم و ارتجاع را بر هم میزند ، چنین موضعی اتخاذ کرده است . موفقیت های تاریخی در ساختن سوسیالیسم و کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ، پیروزی عظیم مردم قهرمان ویتنام در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا ، دفاع از انقلاب کوبا و پیشرفت های آن ، پیروزی مردم آنگولا و در مبارزه در راه آزادی ملی خود ، نیروی استحکام پاینده احزاب کمونیست پرتغال ، فنلاند ، فرانسه ، ایتالیا و سایر کشورهای همه اینها با ما بر موفقیت های جنبش جهانی کمونیستی مبارزه حزب کمونیست هند وستان را در راه دموکراسی ملی و سوسیالیسم آسان تر میکند و به جلب توده های مردم بسوی حزب یاری میرساند .

در سنتی تحکیم پاینده و همکاری هند وستان با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی همواره الهام بخش مایه و است . این دوستی شرایط مناسبی در برابر تعرض ارتجاع داخلی و خارجی است ، نتایج دیدار رفیق برژوف ، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از هند وستان در سال ۱۹۷۳ و دیدار چندین نفر نخستینوزیر ایند بر اگانندی از اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری دموکراتیک آلمان ، همان نظریه که در قطعنامه کمیته اجراییه مرکزی حزب کمونیست هند وستان تأکید شده است ، چشم اندازهای تازه ای در همکاری در صمیمترین مسائل مناسبات بین المللی که در سازمانها مبارزه ای نیروها ی امپریالیسم و جنگ و ارتجاع از ریکس و نیروهای صلح ، آزادی ملی و سوسیالیسم ، از سوی دیکتاتورین و زورزد بد تر میشود ، میگشاید .

تجر به مبارزه با افراطیون هم که فعالیتشان آب با سیاب نیروها ی ارتجاع راست می ریخت و زمان بزرگی به موجهه وحدت جنبش کمونیستی در هند وستان وارد ساخت ، خیلی چیزها بمآب مویخت این تجر به مثبت و منفی حزب ملان را برآه سیاست بگیرد دفاع زوحدت جنبش جهانی کمونیستی بر ما بار کم میسوزد - اینها با ما بر تنوا سوسیالیسم پرورش می افکند .

حزب کمونیست هند وستان در وقت بد وقت جنبش جهانی کمونیستی با انگار به دستاوردهای آن در مبارزه بپسورد راه بنااختن حزب توده ای که با وحدت شواکصیاط خود نیرومند بود ، به تمام اشکال مبارزه و کوف داشته باشد و کارها بداند تمام نیروهای صحن پرست و دموکراتیک را با انقلاب ملی - دموکراتیک در محله ای رسوسی سوسیالیسم استخف سازد ، به تحکیم صفوف خود ادامه بدید .

انسانهای زائد در جهان « آزاد »

گورگه کوبا اسکنی

نمایند محترم کمونیست آلمان
در محلیه

طی سالهای اخیر بیکاری میان جوانان در کشورهای پیشرفته سرما به داری بسیار زیاد شده است . از گرد رگدشته پر شمار ترین گروه بیکاران را افراد نسن تشکیل میدادند ، حالا افراد ی هستند که سنشان تا بیست و پنج شان است (۳۰ درصد از تعداد کل بیکاران در جمهوری فدرال آلمان نزدیک ۵۰ درصد در فرانسه و دانمارک) (۱) .

طبق آمار رسمی تنها در کشورهای جامعه اشتراک اقتصاد یاروپا ، بیش از یک میلیون و پانصد هزار بیکار تا سن ۲۵ سالگی وجود دارد . بدین افراد شماره بیکاران با اصطلاح پنهناس ، یعنی کسانی را هم کفای بیکاری در برنگرفته باید بیفزاییم . بخاروشال سال گدشته در کشورهای " نه گانه " صد ها هزار تن از نازق التحصیلان مدارس نگار پیدا کردند و نه صلی برای ادامه تحصیل بنه و قسرا گرفتن حرفه در اختیار داشتند (۲) . ولی از آنجا که آنها هنوز وارد درپروسه کار نشده بودند درایر مربوط بخشاکا گراوشته نال توجهی به سرنوشته آنها ندادند . بسیاری از جوانان و بیوز و و شیزگانی کمال کار خود را از دست داده اند و هر از گشت زمان معین دیگر مدد معایر بیکاری در صفاقت نمیکند ناشان در شمار بیکاران شیتن میشود و بدون دریافت مدد معاش از دولت ناچارند شغل تازه ای پیدا کنند .

آخرین سرشماری بیکاران با تقسیم بندی آنها بگروهها بر حسب سن و سال در ستهای سال ۱۹۷۵ برگزاشد . طبق آماره که بدست آمده ۲۸۷۴۲۰ نفر که سنشان پانین شزاره ۲ سال است بدون کار هستند (۳)

درصد ترین کشور امپریالیستی یعنی ایالات متحده آمریکا بیکاری بیوز به بسیار زیاد است . در آوریل سال گدشته (۱۹۷۵) مسلمان و مسیهد و پنجاه و یک هزار آمریکائی بین ۱۶ تا ۲۴ سال بیکار بودند (۴) . هرگاه آنها با هم را هم که بقضای درد اند و بگریه نبال کارنگشند و تمداد زیاد را هم کفای رسمی در برنگرفته است براین رقم بیفزاییم نتیجه این خواهد بود که تقریباً زهرینج

- 1- Jugend ohne Arbeit, München, Kösel-Verlag, 1976, S. 14.
- 2- Krise der kapitalistischen Weltwirtschaft 1974/76 IPW, Forschungshefte, Heft 2/76, DDR, Berlin, S. 114.
- 3- "Frankfurter Rundschau", 14 August 1976.
- 4- Statistical Abstract of the United States 1975, P. 349.

امهنگائی جوان یکی نتوانست برای خود کاری پیدا کند . جوانان سیاهپوست در دشوارترین وضع قرار گرفتند ، زیرا ۴۰ درصد از آنها ، در مراکز جمعیت و زواغه های شهرهای بزرگ ، نژاد پنا به ۸۰ درصدشان ، بیکار بودند (۱) .

کسانی را هم که چون توانائی یافتن کاری آموخته شخص خود را ندانند ، باید اینکه سال آینده شانس ناخوشایندی خواهد کرد ، به تحصیل ادامه دهند باید در میان بیکاران به حساب آید . آنگاه ای راهم که بعلمت پیدا نکردن کار به تحصیل در کلاسهای " تکمیل تخصص " مشغول شده اند می باید از این گروه بشمار آورند . این قبیل افراد از صورت بیکاران حذف میشوند ، اگرچه معمولاً پس از پایان کلاس تکمیلی هم برای بکارمستن حر فغده اش خود معلی پیدا نمیکند . اگر هم کسی موفق به یافتن کاری بشود ، معمولاً بحساب فرد دیگری است که کار خود را از دست میدهد .

بدین ترتیب هیچگونه بدقت نمیتوان گفت در واقع تعداد جوانان بیکار چقدر است . ولیسی بررسی هائی که انجام شده امکان میدهد چنین نتیجه بگیریم که آمار و ارقام رسمی را باید دلیل و مدرک کافی میتوان در برابر کرد .

سیاستمداران و کارشناسان سائل اقتصاد در کمد افق منافع محافظانند با راهها اطمانان دادند که تعداد شدن معضل اشتغال پدیده ای موقتی و گذراست و این امر جزئی ناگوار است است که زیبایی و توازن بنیادی سرمایه دارن را بهم میزند . اما گذشتن زمان دروغ بودن این قهیبیل اظهارات را که هدف از آنها آنگاه ساختن مردم است بخوبی نشان داد . بررسی های بیشمار گواهی بر این است که در سالهای آینده ارزشهای " دست های اضافی " نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه بر تعداد اثر هم افزود خواهد شد . هفت نام " ولت در پاریت " ارگان اتحادیه سندیکاهای آلمان (جمهوری فدرال آلمان) معتقد است که تا آغاز سالهای ۸۰ بیکار از یک میلیون نفر از جوانان کشور به بین آمار کی حرفه ای و تخصص خواهد بود در سال ۱۹۸۲ ، ۲۵۰ هزار نفر از میان فارغ التحصیلان دبیرستانها قرار به پیدا کردن کار نخواهند بود (۲) . گریایته به افزایش مدت زمان بیکاری در میان جوانان شدید خواهد شد و این امر وضع آنان را دشوارتر خواهد ساخت .

ارزاق و آثاری را که آورده نم نباید آثاری خشک بشمار آورد . در هر فردی سر نوشت انسانس که نادار شده است به کمک معاش موقتی بیکاری فقط قناعت کند و با اینکه مدت زمان دیگری هم بحساب والدین خویش ، زندگی کند و نیفتده است . یک جوان بیکار کار به رشد و تکامل استعداد های خویش نیست و نمیتواند دانش و تجربه حرفه ای لازم را فرا گیرد . این وضع درست بزرگای است که معسز و فکرا و زهر سن دیگری بیشتر آماده آموختن است . اگر هر ارگد شت چندین سال استواند شغلس پیدا کند ، بهترین دوران آموزش سپری شده است و همین خواهد بود برای بدست آوردن درآمدی اندکی عرق بریزد ، چشم اندازی برای افزایش مهارت و تخصص حرفه ای نخواهد داشت و در نتیجه

نداشتن تخصص کافی در صحت نخست افراد ی خواهد بود که از کار اخراج میشوند . در نتیجه این وضع در جوانان حس بی ارجی و حقارت و عاطل و عاطل ماندن و فروپاشی نقشه هایشان برای زندگی آینده بوجود میآید . افزایش متعادل بین به الکل و مواد مخدر و راولا رفتن تعداد مجرمین هم از اینجاست سرچشمه میگردد . افزایش تعداد خودکشی ها هم معلول این اوضاع است . ماقبط بذکر بیگانه افکنا میگویم : جوان ۱۷ ساله ای در اوت آلمان در رتورنبرگ خودکشی کرد . او برای پیدا کردن ن کاری بمنزله پیشاگرد

1 - " Daily World " , June 19, 1975.
2 - " Welt der Arbeit " , 6, Februar 1976.

به ۴۰ فریم مراجعه کرد ، ولی همه جا جواب رد مواجه شد (۱) . خطر فساد اخلاقی مقدم بر همه میان جوانان بی تجربه و غیر متشکل که به جنبش کارگری وابستگی ندارند ، پدید می آید . رقابت و مبارزه بر سر مصلحت کارشده میگردد ، در گوشه هائی بحمل میآید که کارگران مجلسی را بر طبقه خارجیان و سفیدپوشان قرار میدهد برانگیزند . بدین ترتیب زمینه مساعدی برای خشونت و شوی بیسیسم و نژاد پرستی (راسیسم) فراهم میآید .

در شرایط بیکاری جمعی نه فقط کسانی که در بهترین دوران شوکهای نیروی خود هستند ، ناچارند به طاعت و بیکاری بسمر بوند ، بلکه کسانی هم که شانس این را داشتند که به بروسه تولید میوه بودند در روح و عذاب اند . انحصارها با برحسب هر چقدر متراشند اثرات فشار قرار میدهد و مرتباً با آنان تکریم دهند که " دیگران پشت درها نشاندند " . حقوق سیاسی و اجتماعی زحمتکشان محدود میشود . برای آنکه در جریان تولید حد اکثر نیروی کارگران جوان مورد استفاده قرار گیرد ، تهدید استخراج از کار و بویژه در آغاز دوران فعالیت بکار میافتد . کار روزهای تعطیل هفته ، ساعات اضافی کار و بدین پرداخت مزد ، فشار کار فرمایان روی کارگران بمنظور واداشتن آنان به صرفاً کار کردن از یکجایزه ای که در دوران کارآموزی طبق قانون بدینان تعلق میگیرد و حتی تنبیهات جسمانی که بکرات اتفاق میافتد ، اینها همه خصوصیات واقمیت اجتماعی امروزی در کشورهای است . برخورد هر طبقه زیستار سیاسی آن به جوانان ، معیار است که بر پایه آن میتوان در باره برخورد آنها به جامعه بطور کلی و آینده آن بدست قضاوت کرد . افزایش بیکاری میان جوانان پدید میآید و در نتیجه این پدیده بیانگر بحران موقتی اقتصاد ، سیاسی و اخلاقی سیستم سرمایه داری و نتیجه شدیدی تضاد میان کار و سرمایه است . این پدیده همانند شیشه زره بین آکسائی میبدهد تا توانی سرمایه داری را در حلقه معضلات زرف اجتماعی و تاسین اطمینان و اعتماد به نوزادها جوانان ، آشکارا به بینم .

طبقه کارگری سالهای دراز مبارزه پیگیر در بسیاری از کشورهای سرمایه داری موفق به تصویب قوانین جدی در دفاع از منافع جوانان شده است . بطور مثال ، این قوانین استفاده از کارکنان جوانان در شب روزهای تعطیل هفته و یاد کارگاه های خیلی سخت را قلعین میکند . قانون واکتاری وقت آزاد کافی و امکان کسب معلومات حرفه ای را که باید همطراز با کار در شب های تولیدی و بشمار آید ، پیش بینی میکند . این قبیل مواد قضائی برای سرمایه های بزرگ همانند استخوان گورگیر است . از این روسرمایه بزرگ با استفاده از قدرت اقتصاد ی خود بطور مرم قوانین موجود آشکارا در تلاش شدیدی به برکناری جوانان و با برکنار داشتن آنها تولید است ، زیرا جوانان بمنزله نیروی کار سودگشتری برای آن حاصل میکنند .

اینکه طی ۶ سال اخیر در جمهوری فدرال آلمان از تعداد افراد ای که به تحصیل در مدارس حرفه ای مشغولند تا ۵۰ درصد کاسته شده و نیز تعداد زیاد ی معلول همین امر است (۲) . سازمان جوانان همین موفق شد بخشناه ای را که فریم (Toom - Markt GmbH & Co) و شرکا در راه انگیز سال ۱۹۷۴ برای تمام کارکنان مسئول خود فرستاده بود بدست آورد . در این بخشناه از جمله گفته میشود : " بعلمت گسترش روز افزون قوانین بسود جوانان زحمتکش (افزایش مدت زمان مرخصی ها و مسامحت استراحت ، لزوم دادن وقت آزاد اضافی ، کاهش روزگار و افزایش پانها) در آینده و با بداند برتن جوانان بکار اعطاء شود و با حداقل تعداد هر چقدر کمتری از آنان استخدام

1 - "Unsere Zeit " , 30, August 1976.
2 - " Frankfurter Rundschau " , 14 August 1976 , S.14.

شود (۱)

در سیستم سرمایه داری در همان مدارس پایه و اساس بگاری قرارند و میان جوانان و سطح نازل مهارت و تخصص آنها بی رویی میگرد. سیاست طبقه حاکمه در این جهت است که مانع از آن شود که زحمتکشان بتوانند معلوماتی کسب کنند که از چهارچوب نیازها و سطح تولید سرمایه داری مابعد فراتر رود. این امر نیازهای انقلاب علمی و فنی که برای بالا بردن سطح معلومات طبقه کارگر ضرورتی پیدا میکند و در تضاد است. انحصارگران از آن بیم دارند که هر قدر ربح معلومات این طبقه بالا تر باشد، قاطع تر با موفقیت بیشتری از منافعی خود دفاع کنند. آنها مناطق مخصوص خود و درک ویژه آنها به شرف علمی و فنی دارند که چنین است: به شرف نسبتاً کوچکی از کارگران باید تخصص عالی و مهارت داشته باشد، برای بقیه همگن بتوانند عملیات ساده و آسان تولید تسمه ای (تزار متحرک) را انجام دهند کافی است. مجمع قدرت آنجا در دهها آلمان کارفرمایان بطور کاملاً آشکار اعلام داشت که: "با وجود رشد تکمیل و پیشرفت تولید و تنوع آنجا هنوز در رشته اقتصاد بخش قابل توجهی از مشاغل باقی می ماند که نیاز به آمادگی ویژه حرقه ای ندارد. این واقعیت باید پایه سیاست و درشت آموزش و پرورش قرار گیرد" (۲).

بررسی های متعدد نشان میدهد که جوانان از این علت پیش از دیگران از کار بیکار میگردند که آنها اکثر از دیگران در کار تولید تجربه دارند با اصولی بی تجربه اند. بدین ترتیب در سیستم سرمایه داری جوان بودن بمعنی محکومیت به تبعیض آشکار است. این دعوی بیوه نسبت به فرزند ان کارگران صادق است که هر جامعه بورژوازی که بنا به مصلحت خود بنا بر جامعه طبقات متناهی است و نسبتاً همین امروز هم به آنها با چشم افراد "با استعداد محدود" نگاه میکند. آخرین نمونه چنین تفسیر تفریق بی پایه و روزنامه "بایرن کوریر" که بلندگوی فرانس ژوزف اشتراوس، یعنی صادی تا به نیروهای افراطی راست گرای جمهوری فدرال آلمان است، بدست میدهد. این روزنامه بگاران را، نه کم و نه بیش، اهل بهمان هیچ کاره تعداد میکند. بدین شکل است که برای رضایت خاطر اربابان انحصار گران نیازان سیستم آنها در تقصیر ناقصی های خویش جلوه گر میشوند.

تا زمانه بگاری باشد تخرجه بیشتر کارگران جوان خارجی فرود میآید. آنها اکثر در چنان رشته های اقتصادی بکار میشوند که پیش از همه در کشور و فوس تغییرات شرایط روز و وضع محیط قرار دارد. علاوه بر این تخصص آنها هم کم است. اینهم بنوعی خود نتیجه سیستم تبعیض اجتماعی نسبت به کارگران خارجی و خانواده آنهاست. از بررسی های که در همین پادن - وینترگت بعمل آمد معلوم شد که فقط ۶۰ درصد کودکان کارگران خارجی امکان دارند بعد رسه بروند (۳). بدین ترتیب مثل این است که باید قائلان به شرف تعیین شده است.

اعلم در مطبوعات بورژوازی گفته میشود که کمالات بحران آموزشی که نزد بیکارشد و دانشموسوع بگاری میان جوانان را باید در افزایش زاد و ولد جستجو کرد. این هم مانند کوششی است که سرمایه بزرگ بکار میبرد تا جوانان را بدین متهم کند که آنها اصولاً هنگامی با محروم و چون نهاد و اندک اقتصاد ناپزی بد آنها ندارد. برهان بی پایه و توجیهی است که سطح زاد و ولد در کشورهای سوسیالیستی پایین تر از دیگر کشورها نیست، ولی در آن کشورهای راهی مدارس عالی و موسسات بروی جوانان بساز

1-Jugend arbeitslosigkeit, Fakten, Analysen, Argumente, Hrsg. Vorstand des Deutschen Jugendringes, März 1976, S. 24.
 2-"Der Arbeitsebar", Offizielles Organ der Bundesvereinigung der Deutschen Arbeitsebarverbände, 3/1976, S. 27.
 3-"Stern", Nr. 44, 23. Oktober 1975, S. 171.

است و ایجاد رسمیای جوانان کارگران تازه ای را می بیند که جامعه بد آنها نیازمند است و آنها با هم دوش بدوش دیگران بر شرتنها اجتماعی خواهند افزود.

سرمایه داری، جوانان را از ابتدای ترین حقوق و آزادیهای که در قانون اساسی کشورهای سرمایه داری نوشته شده و مهارت است از حق تکامل و پیشرفت آزاد شخصیت، حق انتخاب آزاد شغل، حقوق، محل کار و تحصیل محروم میکند. ایجاد بگاری از کار که در هیچ سرمایه داری نمیتواند تضمین گردد، سخنی هم نمیتواند باشد. با تمام اینها در ناشی را که در آن میلیون ها جوان نیاچارند از زندگی را با بیکاری آغاز کنند، جایی را که وضع فلاکت بارد سیستم آموزش و پرورش هر چه غیر قابل تحمل تر میگرد و چون نسل نگران آینده میباشند است، در نمای "آزاد" هم می نماند. روز بروز این واقعیت آشکار تر میشود که سرمایه داری و فقدان آزادی برای نسل جوان و تمام زحمتکشان مفاصلی شباهتی هستند.

نسل جوان آزادی واقعی را فقط در شرایط سوسیالیسم بدست میآورد. حق تضمین شده برای تحصیل و کار، امکانات لازم برای تکامل و پیشرفت کامل استعداد ها و شکوفایی شخصیت را نظام اجتماعی میدهد که با پیرواساس آن راجحوت سیاسی با حفظ کارگر راجعاً با تمام زحمتکشان، مالکیت اجتماعی بر تمام وسایل اصلی تولید، طبق برنامه معین استفاده از تمام منابع ثروتیهای اجتماعی میبود مرد زحمتکش و افزایش این تولید ها تشکیل میدهد. کمونیست ها هم در واقع در راه چنین نظام اجتماعی و با اتمام در راه نافع بنیادی جوانان و تمام زحمتکشان و در راه آزادی آنها مبارز میکنند.

حزب کمونیست آلمان آشنای جوانان کشور را با سوسیالیسم واقعی موجود و با امکاناتی که در نظام سوسیالیستی در برابرنسل جوان بدید میآید از وظائف مهم خویش بشمار میآورد. این امر به بخشی از جوانان کمک خواهد کرد که بر روحیه و طابع و مفاد بودن، خود را در این بست احساس کردن می اعتمادی به نیروی خود غلبه کنند. این امر قائم کمک میکند تا آینده درد سترس خود را که در زمان باید فعلاً نه مبارز کنند روشن تر در نظر مجسم نمایند.

نادرست است اگر فقط اینکاری را تا غیر فلاکت بار آن بر جوانان صحبت شود و این موضوع یاد آوری نشود که بر تعداد جوانانی که در این بست قرار گرفتن سیستم سرمایه داری و ضرورت زوال آنرا هر چه روشن تر درک میکنند، مرتباً افزوده میگرد. طبیعتاً است که این پرسش در کشورهای گوناگون به طرق مختلف جریان دارد. این پرسش باید در پیمازیها و به استحکام موضوع نیروهای و دوگانه و در جبهه زحمتکشان و وابسته است. اما جنس جوانان در راه بدست آوردن کار در راه حق تحصیل و پیدا کردن تخصصی هیچگاه بغیر روندی که کنونی آن نبوده است. جوانان دوش بدوش بران ران ارشد خود مبارز میکنند. علاوه بر اینها جوانانی که دارای نظریات گوناگون سیاسی اند در دفاع از منافعی خویش، طی سالیهای اخیر اقدامات جمعی و مشترکی در دست میزنند.

این واقعیتی که اینک تمام سازمانهای سیاسی و اجتماعی، اگرچه از مواضع مختلف هم باشند از مصلحت بگاران جوان اذ بار رنگرانی میکنند، گواه فعالیت و نشاط جوانان است. هائیس مارتین شلبرود مجمع قدرت ال اتحادیه های آلمانی کارفرمایان در سامراسان گذشته اعلام داشت که هیئترویی جوانان در جامعه بخوبی شرط لازم اولیه شات چشم انداز (پرسیکتو) آینده ضروری است (۱). طبیعی است که در اینجا سخن بر سر چشم اندازهای آینده سرمایه بزرگ است. بزایمیزه ای راهم که دولت جمهوری فدرال آلمان انتشار داد و برای تحقق آن ستمیلین سارک

1- Jugendarbeitslosigkeit und Lehrstellenmangel, Hrsg. Bundesvorstand der SDAJ, S. 32.

اعتبار داده شده ، همین نگرانی تحمیل کرده است . احزاب بورژوازی که از روزگاران شدن فریادند ، جوانان ازمستقیم سرمایه داری بیبناک شده اند ، نمیکنند چنین وانمود سازند که درآتش غمخواری برای نسل جوان میسوزند . ولی تمام این تدابیر عملی و پایب معقول دراین خلاصه میشود که سرمایه بزرگ کمک هزینه نقدی و اعتبار اخلاقی دریافت میکند ، اگرچه این اقدام دولت نه چشم انداز میدهد شدن کار برای جوانان را تضمین میکند و نه امکانات تازه برای بدست آوردن آماجی و سمیارت حرفه ای در اختیار آنان میگذارد . تنها آن تدابیری موثر اند که در جهت ریشه کن ساختن علت های فلاکت و بدبختی باشند و نه کاغذی موقتی اثرات آنها .

هرمان گوته معاون صدر حزب کمونیست آلمان در جلسه عظیم انتخاباتی که به روزهای حزب کمونیست آلمان در گوتینگن اختصاص داده شده بود از یک سلسله تدابیر مهم لازم برای برطرف ساختن وضع فلاکت بار اشتغال جوانان نام برد . باید موصیفات بزرگ را که بنابر اظهار کارگران در آن وقت کرد تا روی هم برآید ۲۵۰ هزار محل کار تازه ویژه شاگردان مدارس حرفه ای بوجود آورند و شرایط گسب تخصص عالی آنها را هم در نظر بگیرند . باید تدابیر موقتی را منعقد از یکا کردن جوانان اشتغال کرد :

۱- هر یک از کارگران جوان پس از آنجا که تحصیل باید از موقوفه ای که در آن تحصیل کرده محسب کارمندان با تخصص خود بدست آورد . جوانان با همین تواناییست سال به علت سن کم و عدم تجربه حرفه ای و سابقه کار کافی ، باید از خطر بیگاری شدن محفوظ بمانند و این نکته باید در مواد قانون باقرا را در های کار به ثبت برسد . همچنین باید قانون و موثراتیک تازه ای در بار مسائل آموزش حرفه ای که با ساختن خواستهای مجمع سند بگا های آلمان باشد تصویب برسد . در تمام رشتهها باید حق شرکت در اداره امور تولیدی برای سندن بگاها ، شورا های تولیدی و نمایندگان جوانان تامین شود .

این خواست حزب کمونیست آلمان در این محروم ساختن اتحادها و بهای کارفرمایان از تحصیل اراد مشورت در مسائل مربوط به آموزش کارگران جوان با استقبال ویژه ای روبرو شد . برای تأمین سمیت آموزش با بود جماعت کار کافی ، با توجه به منافع جوانان ، باید بنیاد های لازم بوجود آورد که تمام موسسات و جوامع یعنی رابطه حجم سرمایه در گرد تر بزرگ و کوچکشان ، بد آنها پرداخت کنند . حق اشتراک سندن بگا را استفاده و از این بنیاد ها باید تضمین کرد .

حزب کمونیست آلمان برای بهبود وضع جوانان خواستار کاهش هزینههای تحصیلات و اختصاص مبلغ آزاد شده به امر طرف ساختن وضع دشواری که در رشته آموزش پدید آمده و موجود آوردن محل کار و تحصیل تازه می باشد .

حزب کمونیست آلمان ضمن مبارزه در راه تحقق این خواستها این نکته را برای جوانان و تمام زحمتکشان تشریح میکند که برای الهای بیگاری ، افزایش حق کارگران برای شرکت در اداره تولید و نظام جوانب زندگی اجتماعی باید سلطه انحصارها را بکنند و محدود کرد و سپس کاملاً ازین برد . تمام احزاب کمونیست و در کشورهای پیشرفته سرمایه داری ، بدین باید ان شکل برنامه های مناسب شرایط روز برای مبارزه با این آمد های بحرانی که بعد از در وضع جوانان نیز تاثیر میکند طرح و ترویج کرده اند . از آنجا که کمونیستها بنزله بیکمترین میانگران منافع جوانان عمل میکنند ، این افراد هر چه بیشتر تدابیر میآورند . این نیز کاملاً طبیعی است که احزاب کمونیست بخی بزرگ کارکنانی خود را از میان جوانان بد دست میآورند .

کمونیستها برای این واقعیت اهمیت قاطع سیاسی قائلند که تعداد هر چه بیشتری از جوانان خود را وقت مبارزه در راه ترقی اجتماعی میکنند . کمونیستها در مقابل سیاست های مصلحتگرا که جنبه

مصلحتانه ای نسبت به جوانان دارد ، مبارزه همه جانبه برای جوانان و یکم جوانان ، مبارزه پشورای بر آوردن خواستهای مخصوص آنها و افزایش نفوذ سیاسی و اجتماعی آنان را مطرح میکنند . این نکته در سندن مشترک ۲۹ حزب کمونیست و کارگری اروپا نیز منعکس شده است : " شرکت کنندگان در کنفرانس از این کوشش جوانان که آینده قاره ما را در دست دارند ، برای اشتراک در چه بتوان ترور مبارزه برای آزادی صلح ، ترقی و آزادی و صداطوریایی که در آماقند و سوسیالیستی گام می نهند پشتیبانی میکنند " (۱) .

این اظهارات با موصیگیری حزب ما کاملاً توافق دارد . هربرت میس صدر حزب مادر گزارش خود در کنفره بین در مارس سال ۱۹۲۶ گفت : " حالا در آینده نزدیک بهتر از هر زمان دیگری وظیفه هر کمونیست این است که خود را وقت حل مسائلی کند که با جستجوی راه نجات جوانان را وضع فلاکت باری که در آن در ارتباط دارد . هر کمونیست باید به مسائل مربوط به جوانان بپردازد و همه جا از آنان پشتیبانی کند " (۲) .

کمونیست ها با غرور و باهاات میبایند بگویند : ما قاطع ترین مدافعان منافع جوانان و امروز ندرای آنها ایم و ما طرفدار ار جوانانی هستیم که در راه حقوق انسانی خود مبارزه میکنند . وظیفه ما وسیله ما کنس و مانعست حزب کمونیست قبول بندی شده است : " کمونیست ها با خاطر هدلهای ترسناک و منافع با بقا کارگران را میبایند ، اما در ضمن حال در جنبش امروزی آنها از آینده جنبش هم دفاع میکنند " (۳) .

کمونیستها باید ههای بیچ به جوانان تمید دهند . بهمین جهت آنها میگویند : برای تحقیق خواستهای جوانان ، مبارزه فعال خود جوانان ضروری است .

۱ - " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۸ ، سال ۱۹۲۶ ، صفحه ۹ .

2 - Bericht des Parteivorstandes der DKP an den Bonner Parteitag 19-21 März 1976, Berichtstatter: Herbert Mies, Düsseldorf 1976 S. 45.

۳ - مارکس ، انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روس) ، جلد چهارم ، صفحه ۲۵۸ .

در باره منطبق پیشرفت معلومات تئوریک

د. ل. میلاد و لکتورسکی
فیلسوف شوروی
حمید صفری
اقتصاد دان ایرانی

"بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی هچتموند باشد" (۱) - این سخنان لنین که پیش از هفتاد سال پیش از این گفته شده و بیانگر ماهیت برخورد مناسبیت کمونیست ها نسبت به انش تئوریک است ، امروز هم اهمیت خود را کاملاً حفظ میکند . علاوه بر این روز بروز بر اهمیت تئوری برای پزانتیک اجتماعی و در درجه اول برای مبارزه انقلابی افزود میگردد .

نمایند بهای ساختن سوسیالیستی و کمونیستی ، تحمیرات کنونی در وضع و شرایط مبارزه با بقا گرگورد پگرتشرهای زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری ، پروسسهای اجتماعی که در کشورهای آزاد شده و میگردد ، انقلاب علمی و فنی که در سراسر جهان بسط و تکامل مییابد ، مسائل پیچیده و تازه بسیاری را پیش میآورد که به تجزیه و تحلیل خلق و درک عمیق از بدگاه مارکسیسم - لنینیسم نیازمند است و همین جهت توجه افراد را به مسئله راهها و شیوههای بسط و تکامل بعدی و تئوریک جلب میکند .

رشد بیش از حد حجم و اهمیت پزانتیک پژوهشهای و شد ولوژیک که در فشان تدوین منطبق تشکیل معلومات ، تازه در علوم است از زیرکیهای نمونهوار (تئوریک) دانش معاصر را ورنگی است . درک قانونی حصول نتایج تازه در علوم و تقشرا اهمیت شیوهها و وسائلی مختلف که علوم برای رسیدن به نتایج تازه بکار میبرند ، بمنزله یکی از شرایط ضروری پیشرفت شناخت و معرفت جلوگیری میشود . مارکسیست ها اصول و مقولات دیاکتیک ، ماتریالیستی ، راپا به واسطه تجزیه و تحلیل شد و ولوژیک پیشرفت معلومات علمی قرار میدهند . این اصول و مقولات بر همگان بخوبی معلوم است و ضرورتی ندارد که ما آنها را مورد بررسی ویژه قرار دهیم . فقط یادآور میشویم که وقتی سخن بر سر معرفت و شناخت بدیده های اجتماعی است نتیجه تاحد و زهاد ریا ستگیری خزی (بقاقتاسی) خلافت معین میگردد . در ضمن موضع بقاقتاسی پژوهنده عامل خارجی موثر در روند تئوریک که برگزیده شد نموده ، بلکه جزء آن رویه متولد ولوژیک است .

ما در این مقاله به استناد به اصول متولد ولوژی مارکسیستی - لنینیستی و نمونه های فعالیت تئوریک مارکس ، انگلس و لنین میخواهیم منطبق پیشرفت معرفت از معلومات تازه تجربی (آمپیریک)

وناقبت های تازه به تکامل و دقیق تر شدن احکام تئوریک یا طرح احکام تازه را مورد بررسی قرار دهیم . این مسئله بزبان شد ولوژی معاصر علوم بمنزله مسئله تناسب متقابل سطح آگاهی های تجربی و تئوریک در جریان پیشرفت پزانتیک و انش های اجتماعی فرمول بندی میشود .

راههای قابل اطمینان و غیرخش در علم

مارکسیسم - لنینیسم باسی احتشایی و عدم توجه به تئوری بیگانه است و با اصولی با آمپیریک که از خصائص بسیاری از جریانهای فلسفی بورژوازی است ، در یکجائی گنجد . مارکس با به واسطه شد ولوژیک اقتصاد سیاسی و لوگیک بورژوازی را که خود از تئوری طبعی مناسبات اقتصاد در راد نقطه مقابل آن تدوین کرد ، در همین آمپیریک سطحی که از فلسفه معنائی فیزیکی د. لوک و فلسفه ایدئالیستی سوپرنکلیف (ذهنی) د. برکلی به ارث رسیده میدید . همین آمپیریک سوپرنکلیف و بورژوازیسم (انشای تجربی) طرفداران ماخ (ماخست ها) که میکوشیدند انقلاب در علوم آمپیری را در آستانه قرن بیستم از مواضع ایدئالیستی و لا تئویستی (نسبی) تعبیر و تفسیر نمایند ، موضوع تنقید همه جانبه لنین در تئوری بنام " ماتریالیسم و آمپیریک لنینیسم " بود .

هم نمایندگان اقتصاد سیاسی بورژوازی و لوگیک ، همه بحیثیت ها ماهیت تئوری را در توصیف و تعریف تاحد امکان کامل و پروسس آنچه که از ظاهر بدیده ها بر میآید میدانستند . بطور مثال ماخست ها عقیده داشتند که بشر توضیحی که قانونمند بهیابا وابستگی های درونی و ماهوی را در علوم آشکار میکند بطور کلی زائد است و برای " صرفه جویی " باید از آن حذف شود . مفهوم علت را هم ماخ از جمله جز این قبیل عناصر " طفیلی " بشمار میآورد .

مارکس و لنین با انتقاد از این تصورات نادرست نشان دادند که آنجا که پژوهنده فقط در فکر این است که فاکت های تجاری را در توصیف کند و بیستیم بندی نماید پژوهش بدون آنکه به ماهیت بدیده ها رسوخ کند به ظاهر انشای اکتشافی نماید ، مادر آنجا هنوز با علم سروکار ندارد . " اکتونویست و لوگیک هم تصور میکند ، وقتی او بجای آشکار کردن ارتباط درونی اشیا ، با تیانف جد با علم میکند که اشیا " در بدیده ها ظهور دیگری بنظری آیند کشف بزرگی کرده است . ولی در واقع ایند بیسن میباید که سخت به ظواهر اشیا " چسبیده است و صورت ظاهر را بمنزله چیز نهایی بحساب میآورد .

در اینصورت دیگر بطور کلی علم برای چیست ؟ (۱)
زوشن است که اقتصاد آمپیریک اکتونویست های بورژوازی و لوگیک ماخست ها از طرف مارکس و لنین بحیثی نفی پاکم به اادان به اهمیت تجربه و مقام آن در معرفت است . تجربه به مفهوم دیاکتیکی - ماتریالیستی آن ومنزه از تعبیر و تفسیرهای ذهنی و ایدئالیستی منبع لا یزال معلومات علمی است . اما ماتریالیسم دیاکتیک در همین حال تاکید میکند که پیشرفت معرفت تنها با باقیات ضمنی بشکل آثارهای که احسان آن درازک مایند ستصمد هد شخص نمگرد ، بلکه ارتباط دادن آن با ساختارهای (استروکتیو) بفرنج تریروسه معرفت را الزام میکند که نتیجه آنهم پیدا پزانتیکان آگاهی در انشای است که با ورستفتم از احساس و ادراک بدست نمیآید . بدین مفهوم تئوری از دانش تجربی با خصائص معینی متمایز میگردد که شرح زیر است : اولاً با درستی معلومات علمی موجود در آن ، ثانیا با تعمیم و احالت از پزانتیک بدیده ها شی که در آن مورد بررسی قرار گرفته اند ، و این خود امکان پیش بینی فاکت های

۱ - مارکس ، انگلس - مجموعه آثار (بزبان روسی) ، جلد ۲۲ ، ص ۶۶۱ .

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار ، (بزبان روسی) ، جلد ۶ ، ص ۲۴۰ .

تازه ای را میابد هده که هنوز بررسی نشده است ، ثالثا با نظام بودن و ارتباط متقابل قوانین و احکامی که در آن داخل شده است .

قرارداد آن آموزش تئوریک اصول واقعیت در نقطه مقابل آمپریسم و پراگماتیسم دارای مفهوم متدولوژیک مهمی است . این امروزه هوش های تئوریک را از " تعلق بیشتر از انداز به تجربه " بره براتیک " و معطوف داشتن آتم با نیازهای آتی و لحاظ آتی که تئوری را از داشتن چشم انداز تاریخی بر دانه منحرور میسازد محفوظ نگاه میدارد . بنا به تعریف همین تعالیم مارکسیستی برخلاف آمپریسم عبارتست از " نتیجه گیری از تجربه که با جهان بینی فلسفی عمیق و گامی به تاریخ روشن شده است " (۱) . چنانکه تاریخ قلم و فلسفه نشان میدهد بر بخرد سرسری به تئوری میتوان ماهیه پیدا بخش دشوارهای جدی خواه تئوریک - ادراکی ، خواه پراگماتیکی کرد . نمونه قناعت بخش آن تاریخ تئوریتئوریسم است که دعوی در ابر بودن نقش " فلسفه و متدولوژی دانش معاصر " را داشته ، تئوریتئوریست ها همانند ماخیت ها میگویند تد علم را در شرح عبوری و سیستماتیزه کردن فاکت ها خلاص میکنند و امکان بدست آوردن آن گاهی بیای تازه بکلی تئوری و کشف برخی از جوانب یا خواص واقعیت را که در دسترس تجربه آمپریک و بزرگ مستقیم نیست ، نقی میگردند (۲) . بسی اعتنالی به تئوری برای تئوریتئوریسم به پای از دست دادن اعتقاد آن بخش از طبیعت شناسان هم که در سالهای ۳۰ - ۵۰ بدان گریه کرده بودند وورشکست کامل نظریات فلسفی و متدولوژیک آن تمام شد .

از نقطه نظر فلسفه عامرکسیستی - لنینیستی معیار حقیقت معلومات پراگماتیک است . اصلا تئوری متعکرف کنند قواعدی مبتنی بر اساسه و باورتعمیم یافته بطرز دیگری غیر از ظاهر و نظر در ساره فاکت های تجربی و یا حتی قوانین تجربی (آمپریک) مورد آزمایش قرار نمیگیرد . در واقعیت و مستند احکام تئوریک بدون مزاجه بهمان دلیل و برهان تئوریک غیر ممکن است . تجربه جدا از تئوری فاقد تعمیم و قابلیت استدلال است . به اورتال ، اندیشه تئوریک بنیادی و کنتجیه جمع بندی به معنوی فاکت های عینی باشد که مبرحلمعینی از مشرفات تاریخی - جهانی را مشخص میسازد نمیتواند با استناد ساده به اینکه " او یا بر احوال کنونی " و شرایطی که این با آن اندیشه طی

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۳ ، ص ۲۹۹ .
 ۲ - رجوع کنید به : ف . فرانک ، فلسفه علم ، مسکو ، ۱۹۶۰ ، ص ۲۰۰ . کارناب ، مبانی فلسفی فیزیک سکو (۱۹۷۱)
 H. Reichenbach, The Rise of Scientific Philosophy Berkeley and Los Angeles, 1951
 C. Hempel, The Theoretician's Dilemma, Minnesota Studies in the Philosophy of Science, vol. II Minneapolis, 1958
 انتشار گسترده آمپریسم که از ویژگیهای پژوهش تئوریسم و پراگماتیسم است در ایران نیز چشمخیزد . بطور مثال : م . باباطبائی ، م . سیاسی ، م . صنایع را باید از فعالترین مبلغان این نظریات فلسفی متدولوژیک و بورژوازی بشمار آورد . انتقاد متفق پژوهش تئوریسم و آمپریسم را در زمینه سارابا کار دانشمندان مارکسیست میتوان یافت . در اینجا تنها به زیر پایاد آمپریسم :
 M. Cornforth Marxism and the Linguistic Philosophy, London, 1965;
 L. Sève. La Philosophie française contemporaine, Paris, 1962.
 و م . شوریف ، تئوریتئوریسم و مسائل مستدل ساختن تجربی (آمپریک) علوم - مسکو ۱۹۶۶

آن خرد و تدبیر گروه پدیده اختلاف جدی دارند در روش . از زبان " عمیق اندیشه تئوریک از اساسا بهیچیکر بدون در داشتن چشم انداز (پریسیکتو) خارج از زمینه تئوریک و بدون در نظر گرفتن اصول تکنیک و گرایشهای معاصر علم نمیتواند انجام یابد . استقلال نسبی معلومات تئوریک پژوهش ، با هر نوعی در شرایطی روز میگذرد اینطور به نظر میآید که پدیده های زندگی روزمره گویا با تعمیم های تئوریک تطابق نمیکند . معلوم است که اگر برخی از احکام مهم تئوریک جلد اول " سرمایه " (گامتال) را بر داشته و آنها را بلا واسطه با فرمول بندی های جلد سوم مقایسه کنیم ، میتوان اینطور نظر آورد که میان آنها تضاد وجود دارد . در جلد اول ، گفته میشود که ارزش اضافی فقط حاصل آن بخش سرمایه است که مصرف بزرگ و محسوس رسیده یعنی حاصل بخش متغیر سرمایه است . ولی در جلد سوم گفته میشود : " هر طور که میخواهد باشد ، در آخرین تحلیل معلوم میشود که ارزش اضافی در آن واحد از تمام بخش سرمایه ای که گذاشته شده پدید میشود " (۱) . دانشمندان بورژوازی که با اقتصاد سیاسی سروکار دارند پیر از انتشار جلد سوم " سرمایه " درباره وجود تضاد هایی در تئوری اقتصادی مارکس شروعدا پیروز انداختند و این خود گواهد م درک اسلوب علمی ای بود .

اشکال ظاهری بورژوازی سرمایه داری نه فقط ماهیت آنها را از نظر پوشیده نگاه میدارد بلکه فریبنده جلوه میدهد . اما خود این پرده پوشی و حقه و فریب فقط شتر صورت ذهنی نیست بلکه مندرجه ایست که بطور اجتناب ناپذیر رفتار هر کس که بدائرة مناسبات سرمایه داری کشانده شده مجسم میگردد . زیرا این منظر و نتیجه حاکمیتی امروزه ظاهر جامعه سرمایه دار است . از جمله هزینه تولید کالا در سرمایه داران از گزینش شکل ارزش واقعی خود کالا جلوه میکند و خلعت ویژه سرمایه داری تولید که ضمن آن . . . هزینه های تولید در اقتصاد سرمایه داری ظاهر و روشن مقلو است را پندار میکنند که به خود تولید ارزش موهوم " میشود " (۲) در این پدیده تجلی میکند . برای توصیف و تشریح این نوع مناسبات مارکس مفهوم ویژه " تبدل شکل " (۳) را وضع کرده پژوهندگان مارکسیست بهیچیکر گسترده از آن استفاده نمیکند . هزینه های تولید در سیستم اقتصاد بورژوازی نسبی نمیتواند بهیچیکر چنین شکلگی است .

بدین ترتیب این چم که ارزش اضافی در آن واحد از تمام بخش های سرمایه بکار انداخته شده پدید میآید نه معلوم میآید . بلکه ظاهر عینی آمپریک را نشان میدهد . اما وارد کردن مناسبات مابین پژوهش تئوری سرمایه داران جداگانه از نظر و تحلیل . تضاد موهوم و تئوری مناسبات احکام تئوریک را که با تئوریکیت پیروسمهای اقتصادی ، جامعه سرمایه داری است در جلد اول " سرمایه " فرمول بندی شده و با نتیجه و تحلیل اقتصادی در جلد سوم کلاسیکار کنند شکل خارجی و تشریح شده و پژوهش پیروسمهای ماهوی است ، بطور مفید میسازد .

۱ - مارکس ، انگلس و مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۵ ، بخش اول ، ص ۴۳ .
 ۲ - مارکس ، انگلس و مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۵ ، بخش اول ، ص ۳۳ .
 ۳ - رجوع کنید به : مارکس - تئوری ارزش اضافی ، بخش سوم و مارکس و انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۲۶ ، بخش سوم ، صفحه ۴۷۱ - ۴۷۷ ، ص ۵۱ - ۵۲ ، ص ۵۲۲ - ۵۲۵ ، ص ۵۰۰ .
 * سرمایه - مارکس و انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۳ ، صفحه ۸۲ ، ص ۴۷ - ۵۰ ، ص ۲۲۶ .

تئوریك "بىزنى نام، مواد نام، آمپريك" نو تازە و دىنەن حال بدون هرگونه اړضايط مسسكوس ازانك و تقېمىم خلاعات تجزىس تازه بىسوى مادم تئورېك است. * روشن است كه ايندو تئورېتمك . در تاريخ علوم چنين حالاتي هم پيش مآيد كه ضرورتشخص ساختن اندیشه هاى گلسن تئورېك ، دقيق ترگون بضمون اصول و فرمول بندي و تعميم هاى تازه تئورېك در بيان است . چنين حالاتي نه فقط بايد امير فاكه هاى مهم تازه ، بلكه در اشرطاق و رضى بغيرفت تئورې هم بروجود مآيد . انقلاب در علوم طبيعي اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ميتواند نمونه ای برای این حالت باشد . با نظریه خاص و مهم تئوری هام نسبت ، با مکانیک کوانت اندیشه هاى تازه ای وارد علوم شد كه نه فقط فاكه هاى تازه چنين را روشن كرد ، بلكه درك بسيارى ازانديشه هاى بنیادى علوم طبيعي كلاسيك را بشكل تازه ای ضرورى ساخت .

فلا سفة بزرگوارى وهمچنين بسيارى از بزرگان دانشمندان انقلاب در علوم طبيعي اوایل قرن بیستم را بمنزله ازم با شهيد گى تمام سيستم تئورېك فزيكى تجسېروتفسير كردند كه در علوم طبيعي كلاسيك با تصوراتی كه اين دانشمندان ازانها بپروى ميگردند تشكيل یافته بود . لنينسن بى پاكي تفسيروسيى علم را نشان داد و تمامالهم بطور كه ديالكتيك حقيقت مطلق ، نسبي و ميسر را بسط و تكامل بخشيد . اين تمامالهم گنبد درك بپروسه هاى واقعى تفسيرات علمى ، تئورېك را بدست مدهد . (۱)

از اين تمامالهم چنين بر مآيد كه بپشرفت علم بپروسه بى بايان نزد يكي به حقيقت مطلق و بپروسه با زتاب هرچه دقيق تر و كاملتر واقعيت عيني است . آنچه واقعا جنه علمى دارد و معلوماتي گناه از آزين اجتهادى - تاريخى بد رآيد - از اين بپروز ، بلكه به يكي از اجزاء متشكله بناى تئورېكي ميدل ميشود كه در جريان ترقى علمى ما مختص ميشود . در ضمن سخن تنها بر سر افرايش خشت هاى تازه و تازتر دين بزي اين بنا نيمست . در جريان ساختن اين بنا تصورات موجود در باره نقشه ساختن ، جادايان آنان عنصر ساختن در سيستم گلى بنا ميتواند تفسير مدهد . اما در جريان ساختن اين بنا حتى يك خشت بد بد و راند اختم ميشود (البته در صورتيكه مراد ما از اين كلمه فقط معلومات عيني و واقعى باشد و نه گمراه هاى كه در وقت بپشرفت علوم تعدادشان كم نصبت وكه البته در ايستادن جريان بد و راند اختم ميشود) (۲)

تئورى ماركسيستم - لنينيسم در بپشرفت خلاق مداوم آنست . بدون معلوم است كه بنهاد گذاران ماركسيستم - لنينيسم به معلومات تازه بپزاتيك اجتهادى علوم چه توجهى داشته باشند ممكن نسبت به گرايتر هاى دورى چيستن از بدنه هاى تازه و بپروسه هاى زندگى اجتهادى جقدر نصبت گير وى گذشت بودند . لنين بزيكى ازانرا نميخستين خود چنين نوشت : " ما بپتورى ماركس بپه چوبه بجز بپزوى بايان یافته و دكم بپرورد نميكنم ، همكار ما يقين داريم كه اين تئورى فقط نخستين

۱ - تجزى و تحليل مشروح ماهيت وطن انقلاب در علوم طبيعي در او اخرين بپوز هم و اوایل قرن بيستم اضرط فلاسفة ماركسيست بجهل آيد و در رسهاى متمدن و بپزوك و نتايج حاصله از اين انقلاب روشن شده است . با او مشال رجوع كنيد به اثر كروف و ب . م . لنين و ديالكتيك علوم طبيعي قرن بيستم . مسكو ، سال ۱۹۲۱ .

۲ - اين مسائل از جمله در اثار بپزوى لنين ، ف . د . سيف " ديالكتيك بزيان معاصر" مسكو ، ۱۹۲۵ ، ب . و . گچين " اساسهاى گوسولوزنيك و منطق علم " ، مسكو ، ۱۹۲۴ ، تشوژى بربتاب لنين و داتير معاصر ، جلد هاى اول تا سوم ، صفحه ۱۹۳ .

Lenin et la Pratique scientifique, Paris, 1974.

سنگه و انشوي راپتيا د نهاد كه موسساليست ها ، اكرت ميخواهند از زندگى عقبمانند ، بايد انبار و تمام جهات به بپش ببرد (۱) . خود لنين هم در دست همينطور عمل كرد . احزاب كومونست برادر هم با درك خلاق و تخمىم چوبه ساختن سوساليستيم و شرابط گوناگون كه هم لائونيدى هاى مشترك وهم گوناگونى اشكال مشخص ازان نشان مدهد و همچنين با درك خلاق و تخمىم تجربه دفاع از منافع حياتى خود ، با ساز و دراه سوساليستيم در كوششهاى كه در سطوح مختلف بپشرفت اقتصادى و سياسى اند ، در دست ايند و عمل ميكنند . لنونيد بپزوك در بسخنراتى خود و ركنفرا نتر احزاب گوت و كارگرى اروپا ياد آورده كه : " تمام اينها بجز بپشرفت و تخمىم نيازند است . بخصوس كه در بپشرفت هر يك از احزاب برادرى علاوه بپروجوشخصه تفرار نشدن وابسته بپهوز گنباى علمى بدون ترد بسند خطوط مشتركى ميبه وجود است كه برآى تمام و چنين ما بآلب و قابل توجه است . خود زندگى هم در جريان بپشرفت بپروسه هاى عيني اجتماعى - سياسى و اقتصادى در كوشهاى جدا گانه بپقياس جهادى با و رستم بپزواتر از اى بدست مدهد . . . (۲)

نمونه بپرورد خلاق به بپشرفت تئورى ازانرا لنين است كه در رانها توجه دقيق نسبت به اصول تئورى بپزاتيك و ماركسيسم با تمام عمق در بپروسه ها ياد بده هاى نين و واقعت با و رانك تفلسف شده است . در جهاى چوب مسائل مربوط به ارتباط متقابل معلومات تجربى و تخمىم هيساى تئورېك كه در مقاله مورد بحث تفرار گرفته بر خي از جنبه هاى متمدن و بپزوى لنينى تجزى و تحليل بپروسه هاى اجتماعى را بپرسى ميكنم .

نخستين جنبه اين مطلب به درك خود بپروسه تطبيق اندیشه ها و اصول تئورېك در تجزى و تحليل واقعيت هاى تازه آمپريك مربوط است . لنين نشان داد كه بكار برون تئورى در خود ماهيت مسئله يك بپروسه خلاق است . در جريان اين بپروسه بطور مثال ، مسائلى از اين قبيل بپش مآيد : اين با آن مسئله ايك بپزاتيك مبارزه حائى حا ضر بپش آورد و با مسائل ندير گز شده با هم چه شباهت و وجه اختلافى دارند و تجزى و تحليل اوضاع گز شده و احوال هاى تئورېك كه بر اساس آن تدوين كرد يده تا چه اندازه در شرابط جديد ميتواند مارا باارى دهند و بطور دقيق در تخمىم هيساى فرمول بندي شده چه تصحيحاتى بايد بعمل آيد تا بتوان بپشترين راه هاى حل و فصل مسائل سياسى را كه بپش كرد و بنا بپزاتيكها .

بطور مثال لنين در يكي از نخستين آثار خود " در باره باصطلاح بپيله با رازها " (سال ۱۸۹۳) ضمن بحث جدل تا ناورد نيك ها كه خصلت سرمايه دارى بپشرفت روسيه و واقعى ميگردند و با استناد بدان نتيجه ميگرفتند كه متمدن و بپزوى ماركسيستى ، برآى تجزى و تحليل گرا بپزاتيك اجتهادى اقتصادى بپشرفت روسيه اند و ران غير قابل تطبيق است . تنها بپضا طر نشان ساختن اينكه اشكالم گلى تئورى ماركس قابل انطباق به شرابط روسيه است قناعت نكرد ، بلكه اين حكم را بطور هميه مانه با شيات رساند . بنوبه خود دليل بپزاهان هم در استناد داده و بتمدن اد معيى اوقات هيساى مناسب و مقتضى خلاصه نميشد ، بپزافاكته هاى ميتوانند متضاد باشند و آنها را بايد درست در لكرد و در سيستم بپزوتفسير نمود ، و اينهم مقدم بر هر چوبه بسط و تكامل خود تئورى از طريق غنى و بپسنى ساختن احكام گلى ارايمان ، نيازند است . برآى تفهيم علمى واقعيت افلاس و تفهيم گمانى و هفتا

۱ - لنين ، مجموعه كامل آثار (بزبان روسى) ، جلد ۲ ، ص ۱۸۴ .

۲ - در راه صلح ، اخنت ، همكارى و ترقى اجتماعى در اروپا ، در باره نتايج گفرا نتر احزاب كومونست و كارگرى اروپا . مسكو ، ۱۹۲۶ ، ص ۱۹ .

روسیه ویاستوکوفی به اینکه با این پدیده هم امکان پیشرفت سرمایه داری و بازار سرمایه داری در روسیه را درین مورد و لنین یک سلسله احکام مهم تئوریک را که مارکس در "سرمایه" آورد و در قیقتن ساخته و آنها را بسط و تکامل میدهد. سخن بر سر طرز خاصی شدید تولید ساده و پیچیده سرمایه داری است.

لنین نشان میدهد که طرح کلاسیک تجدید تولید گسترده که در "سرمایه" بیان شده با روند پیشرفت قنی اشتقاق شده است. اگر این وضع را در نظر بگیریم، نتیجتاً آن افزایش سریع تر وسائل تولید نسبت به وسائل مصرفی است (۱). لنین با پیروی از این مانع جدید تولید گسترده که فرمول مارکس را مشخص تر میساخت از نظر تئوریک به نتیجه مهم اصولی میرسد و آن اینکه افزایش در هفتاد و یک گسترش و تکامل بازار، علم پریم تعداد صورتی میان آنها هیچ وجه در پیرویه نقی کشنده یکدیگر نیستند. فقیرتوب معای مردم نه فقط مانع پیشرفت سرمایه داری نمیشود بلکه بحکمی، بخودی خود بهائتگردد آن است. شرط سرمایه داری است و آنرا تشدید میکند (۲).

لکنه دوم برخورد لنین با احساس مسئولیت فراوان به دقیق تر و مشخص تر کردن احکامی است که بنیادگذاران سوسیالیسم علمی به پیش کشیده اند. لنین از برخورد های سطحی به قنای "اندیشه ها و پدیده ها و تفکر تئوریک مارکسیستی" دور میبرد. اصل و قاعده نقد علمی مارکس، انگلس و لنین بطوری یکدیگر و تفکر مارکس را به صورتی است که هر چکس که بخواهد تا سطح تا نون تئوریک بالا برده شود نه فقط باید با مجموعه کاملی از تفکرات علمی، بلکه با اندیشه تئوریک نیز وفق دهد. لنین نشان میدهد که هر یک از احکام "سرمایه" (بر "کوهن" از تفکرات) استوار است و تمام خلقت هادرسر بیان یافته شد بر مبنای مورد آزمایش قرار گرفته و تئوریک علمی غنی شمرده به است. این ارزیابی تا چگونگی در باره آثار لنین هم صادق است.

معلوم است که در جریان پیشرفت اطلاعات تازه برایشه پیشرفت به اندیشه تئوریک نمیتواند در شرایطی گوستولویزیک و مقد و لویزیک پیش آید و پیشرفت خواهد آمد. در واقع هم اغلبی از همین طرز گوستولویزیک ناشی از تئوریک خود روشی است که در جامعه بورژوازی در مواردی گشته بی پایه، کم اهمیت و گاهی هم بلکی اشتباه آمیز بوجود میآید. در جامعه بورژوازی در مواردی گشته سخن بر سر معلومات اجتماعی است این "خطاها و تفکر" دارای زمینه و پایه اجتماعی اند و آنها وسیله آید تولید گاهی و بورژوازی شکل نظریات نادرست و غیر علمی فرمول بندی میشوند که هندس و از اینم دفاع از نظریات اجتماعی و ریزوالی است. کمونیست ها هم در برابر خطاها اشتباه و بیجه و متضمن نشده اند. اما در جنبش کمونیستی، اگر یکبار رفتار گرفته شود عوامل اجتماعی وجود ندارد که به تشبیه شود و در واقع تشبیه های نادرست تئوریک که در جریان تامل و تدقیق تئوریک پدید میآید تازه بوجود میآید و گفیکه، بحکمی، کمونیست ها که بهائتگرافی انقلابی ترین پایه علم مانیستس طبقه کارگران و سیدانند که متضاد این طبقه کلا با کمونیست نیازهای ترقی اجتماعی است و در شناخت حقیقتی نیز منع اند. ترقی و تکامل مداوم دانش مارکسیستی - لنینیستی که فناوند دقیق قیاسی در شرایط کنونی، سیاسی، اشتراک احزاب برای در تحقیق بن پدید بهترین دلیل اثبات این مدعا است. کمونیست متعهد تمام سلسله مسائل که بویافته پژوهش همعادیه خلاق تئوریک مارکسیسم - لنینیسم مربوط است توجه فراوان دارند. همانطور که در برنامه حزب نود و ایران گشته شده است

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (مجله زبان روسی) و جلد ۱، صفحه ۷۸.
۲ - مانیستس، صفحه ۹۷.

هدیه های روز بروز یک و شش سیاسی آن از انطباق خلاق این جهان بی علمی و انقلابیست بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی میشود. در گزارش اولی، در تیزهفت و بزرگ کمونیست گری چیز کمونیست اتحا و دشواری به بیست و پنجمین گنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان کردید که ستد و لویزی مارکسیستی - لنینیستی با تئوریک باقی اسکولا ستیک جدا از زندگی و برخورد معدود برایشه و سود گرایانه به تئوریک در یکجا نمی کشد (۱).

نتیجی بی نظیری و گویا بر به فدا ساختن احکام اصولی به خاطر ریزش ضایع برایشه آنسی که در دست درک شده از لحاظ فکری چشم انداز گسترده تر به پیشرفت برایشه انقلابی میتوانستیم زبان باری داشته باشد.

تک گرافی بر علیه چند گرافی (پلورالیسم)

یک خصیصه نمودار (تیبیک) معلومات علمی گویزه مارکسیسم - لنینیسم نیز میباشند تک گرافی (مونیسیم) است. وحدت معلومات علمی و عام بودن قوانین و مفاهیمی که علم فرمول بندی میکند بر پایه استوار وحدت مادی و اخصیات طبیعی و اجتماعی قرار دارد. با لویزیک تجسیمی به تئوریک فلسفه و علم نشان میدهد هر گونه تلاقی برای تصحیف و اختلاط ساختن عام بودن وحدت معلوماتی علمی همواره با بائین آوردن مقام علم و راه دادن به اشکال غیر علمی درک و اخصیات (مانند بدین افسانه و اساطیر عرفان و خرافات، تجر به گرافی عامیانه و نظریات پانیا) همراه بوده است. اخصیات میگویند برای این تصورات غیر علمی اساسی ستد و لویزیک نیز ایجاد کنند. با لویزیک از نظریات فلسفی تولید و لویزی علمی که بعد از پیوستن بهمیدان آمده به عنوان چنین اساسی استفاده میکند. این نظریات در جستجوی خروج از حیران عمیق که اسلوب علمی پژوهش و بیسم معاصر بدان دچار شده پدید آمده است. محتوی این نظریات عبارتست از اینکه مجموعه مفولات و اصطلاحات علوم و اعداد ریاضی است و اکتاریت، کن، پ، فیرآوند و یگران (۲).

باید این نظریات اسلوب هر گانه تازه نسبی که شرط عمده پیشرفت تفکر و اندیشه علمی را در چند گرافی تئوریک بود از قطع و تحریف استنتاجات در سطح و تکامل معلومات می بیند. چنانکه بیشتر تجربه گرافی نتیجه سانه و اجزایه گویزه پژوهش و بیسم و تئوریک پیوستن است گردید. گاه سنی و روح ایران نظریات پیوسته و بیسم بر صفا شده اند تا سرحدی که فام از زمان زبون هر چه در پیشرفت پیش میروند. باقی این نظریه برای حفظ و تکامل معلومات علمی وجود بی برخورد و عدم نظریات گویزون و راه های مشخصی حل این پدیده استه از مسائل و علاوه بر این، تئوریک های علم فلسفی غیر علمی معاصر یکدیگر را هم لازم میدانند (۳). از اینجا چنین بر میآید که هر قدر در اصول بنیادی این ایاتان و علوم اختلاف پیش میآید، همانقدر برای پیشرفت علمی بهتر است.

۱ - ل. برزنیف، باشی لنینی - سخنرانی در پیلهای برلین، ۵ سکتوبر ۱۹۲۷، ص ۵۳۲ تا ۵۳۳.
۲ - رجوع کنید به بحث گری، مباحث انقلابی و فلسفی، نیسکو ۱۹۷۵.
۳ - P. Peyerabend, Problems of Empiricism Beyond the Edge of Certainty New Jersey, 1965; P. Peyerabend, Problems of Empiricism II, The Nature and Function of Scientific Theory Pittsburgh, 1970; Criticism and the Growth of Knowledge, Cambridge, 1970.
برخی از بنیادگان این نظریه برخورد خود را با الکتیک و در برخی موارد (مانند پ. فیرآوند) حتی در الکتیک مانیستس اعلام میکنند.
۴ - رجوع شود به پ. فیرآوند، Against Method, London, 1975.

از نظریات تئوریکین های بورژوازی که پهن از طرف اراکین بورژوازیسم علمی ، به عرصه آمدند و گسترش میابد برای تئریک هر و مرج تئوریک که در جامعه بیناس معاصر بورژوازی حکمفرما است استفاده فراوان میشود . بی بردن به همجنسی ایدولوژیک ، همان نظریات چند گران تئوریک و متدولوژیک و سیاسی که برای مشکوک جلوه بردن خلفت هام و انتزاع سونا لیسیتی بودن تعالییم مارکسیستی - لنینیستی و متزلزل ساختن آن ، بوسیله تقسیم به بخش های ملی و منطقه ای و ایالتی صحت وجود مارکسیسم های " گوناگون بعمل میآید و شوازیست . البته برای مخالفین مارکسیسم لنینیسم مناسبتی نبود اگر بفرقی میشدند شیوه نسبی و ذهن گرایانه (سونیکیسم) را به عرصه تئوری سوسیالیسم علمی نینزاه دهند و احزاب کمونیست و کارگری را از اشتراک اساس واحد جهان بینی و تئوریک محروم سازند . در سالهای اخیر پیوسته از " کمونیسم اروپائی " بسیار سخن میگوشند و از این اصطلاح هم مقصود شان تصور ضرورت (یا تئوری بدون کپی یا به صرفت کشور های جداگانه که هیچ کس متذکران نیست) ویژگی معنی " تفصیر و تفسیر تئوریک مارکسیستی - لنینیستی بسزای کمونیست های اروپائی غیر است که بدارد " سنتی " آن تفاوت و اختلاف دارد . تصورات باطل در باره وجود " مارکسیسم های " مختلف نه از نقطه نظر واقعی و نه از لحاظ تئوریک یا عوامی ساریند و بطوریکه بعد اتم احزاب کمونیست آنها را رد میکنند .

مارکسیسم - لنینیسم دایره واحد یکپارچه است که تمام اصول و اندیشه های اساسی آن در ارتباط و تقابل و تضاد و تقابل درونی ، بنا بر گزیده ، این دانش آنچنان است که گویی از قطعه پلا دیکیا و جریه ای ریخته شده است . این تئوری است که مستوان پیشتر مهم آنرا حذف کرد ، بدون اینکه با این عمل تمام تئوری واقعی نگردد و باقیمانده برای ذهن گزائی و دستکاریست خود سرانه و " ترجیح دادن " برخی از بخش ها و اوند بندها یعنی آن بد بگوشتر ها و اوند بندها ها وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد .

اصول مارکسیسم - لنینیسم از لحاظ ماهیت و سرشت خود جهانمصول است . مارکسیسم و انگلس و لنین پژوهش های غرضی را به وجودت به جها رجوع با اروپا و روسیه محدود نکردند ، نخبه ها و گریه ها و آنها دارای اهمیت جهانی است نه ملی محدود و یا منطقه ای . تئوری مارکسیستی - لنینیستی دارای اعتبار عام است و این تئوری از این واقعیت سرچشمه میگردد که یکار پرولتاریا و پیروزی او بر اقوام و حرمت بند ی اجتماعی - اقتصادی است کمونیستی در ادویه یک کشور من محدود و بی محدود گردد ، بلکه سراسر جهان را فرا میگردد و بدین ترتیب مضمون تاریخ اجتماعی بورژوازی نوین را تشکیل میدهد . شعار پروریوم مارکسیسم - لنینیسم انتزاع سونا لیسیتی است که نه با این اعتقالاتیست ، منافع این با آن ملت ها و نه با ملل کردن ، این منافع در یکجائی گنجد . در باره ی کمپوزی (گروه) متشکل ، تئوریا علمی ، ملاکهای ملی و منطقه ای ، فریاد براند ، بلکه تفاوت آنها نتیجه موضوع بررسی و خصوصیات ساختن است . این علوم است ، فریاد روسیه ، در اشکات اینها نیست شناسی سواد و یاشینی اینها گنجین وجود ندارد . علم روزی ندارد .

ماهی است که خود ویژگی شرایط ، پیروشان خود را نیز با عمل و نظریات که در جریان مبارزه بدیده میآید باقی میگذارد و نتیجه متابع مختلف از جهت تحلیل و انتزاع و اصول مشخص میگردد . اما این گوناگونی و از جمله در مسائل مهم هم ، اشتراک زرف سیاسی و هد قبا و کمونیست ها و تئوریا و روشها را اصلی و بنیادی معاصر است که از جهت تیرنای جهان بینی و تئوریک جنبش کمونیستی ناشی میشود ، از اینها نمیتواند . گواهی این امر را بنی ها و نظریات وجود آنان بر سر مسائل بنیادی است که مستند بنیاتی گرانسیر برکن احزاب کمونیست و کارگری اروپا شامل است .

فاشیسم و تاکتیک «دمکراسی پارلمانی»

سوفیاد و کا متزو

نویسنده آثار اجتماعی و سیاسی
سرریسل

وجود کانونهای فاشیسم در زمینه موفقیت های چشمگیر جنبش انقلابی جهانی و پیوسته کلی نفا و اوضاع بین المللی به پدیده تاریخی منسوخ شده ای شباهت پیدا میکند . ولی برای یک سلطنته از کشور های امریکا و لاتین وجود کانونهای فاشیسم یک واقعیت روز است که خا رجدی و برای صلح در سراسر خرج جهان در بر دارد .

در امریکا و لاتین و از جمله در برزیل ، فاشیسم به تازگی ظهور یافته است و در مقابل جنبشهای انقلابی ، ضد امپریالیستی و دموکراتیک آنها رساله های ۱۰۰ احیا کرده . برزیل برای امپریالیسم و ارتجاع داخلی یعنی میدان تئوریا و سیاسی با آوردن رژیم های نوع فاشیستی و به نظریه تکیه داری و تلافی غریب و رکنش های فارمیدل کرده . این مسئله از جمله با رویه های فاشیستیزم و ریلدوی آزرگشته و شبلی که در جریان آنها تالیلات توسعه طلبانه فاشیسم برزیل بویزه نمایان کرده ، باید مشهور

بازی در حاکمیت رژیم سیاسی کنونی در کشور بالا زم است به کودتای ارتجاعی نظامی آوریل ۱۹۶۴ بازرگرم . در آن هنگام در آوردن نتایجی که به این کارهای فاشیست که ترکیب خود و مستکبری سیاسیست که اینها همگونی بود از نام امورا بدست گرفت ، در رهبری فوق العاده زساد الیگاری و مائو و فاشیست های نظامیان در آن هنگام رویداد هدف های آنها به سرگرفتن کودتای فاشیستیزم جلد بد کت کرد .

فاشیسم در یک روز برقرار میشود . اینک این کودتای ریال ۱۹۶۴ موفق شد بدخشن آورد در فریب ده د تا آنها را قانع کند که به نفع و رفاه از نوکری و فاشیستیزم و فاشیستیزم و فاشیستیزم ژواکلا ریست (João Goularta) رئیس جمهوری وقت کمپوست بران اید در اتحاد با کمونیست ها و جنبش سندیگائی حکومت را در دست داشته باشد آنرا با یک طوره افکنده بسوزد و وارد عرصه یکار شوند . این بخش از اهداف فاشیستیزم و فاشیستیزم است که تشکیل میدهد در آنجا اتفاق جنبش های فاشیستی گد شته از یاد و نظریات فاشیستیزم و فاشیستیزم و فاشیستیزم است . در جامعه بورژوازی - لیبرال اینگونه فاشیستیزم در تحت تاثیر فاشیستیزم است . حکومت نیرومند " فاشیستیزم " زیرا بدین امیدند که چنین حکومت نیرومند ی از منافع آنها قاع خواهد کرد اندیشه دیکتاتوری که قادر باشد زندگی کشور را بدون اشتراک احزاب سیاسی زهری کند . آنها را بخود جلب میکند و بدین امید که با این شیوه از اینها قطعیت ایجاد میکند و بدین امید که با این شیوه از اینها قطعیت ایجاد میکند و بدین امید که با این شیوه از اینها قطعیت ایجاد میکند .

امید را بد این بخشده که " خطر های پرولتاریا شدن " داینگوشان نشود .

در جریان فاشیستی شدن کشورهای راستگرا گاهی تمرکز میگردند و گاهی عقب می نشینند
 به هم بر میآیند و دست می یابند و یاد چار شکست می شوند . این روند بویژه پراگشتار و شوروی و اتحاد جماهیر
 شوروی و در سال ۱۹۶۸ که بازمانده ها از ناچهارمین بار میروند - پروژوا - در اتحاد جماهیر شوروی و اتحاد جماهیر
 بین برد شدت یافت . با تصمیم آن به رئیس جمهوری حق توقف ساختن فعالیت کنگره و سایر
 ارگانهای قانونگذاری ، مداخله در کارهای ایالات و کشور در آنها ، حق انقاص حقوق سیاسی
 آزادی این آیین ها و غیره در صورتی در دادگاه و تصمیمات مأموریت با برکنار کردن نمایندگان قوه
 قضائیه و ضبط ارگردد .

رژیم سیاست ضد کارگری اعمال میکند . یکی از نخستین قوانین آن ثابت نگه داشتن مزد ها
 بود . اتحادیه های کارگری زیر کنترل قرار گرفته اند و هر چه مستقیم ترین رهبران آنها بازداشت شده اند .
 برای معرفی نماینده برای هر یک از مقام های انتخاباتی در اتحادیه ها به اراده مدبران قابلیت اطمینان
 سیاسی که از طرف اداره امنیت در دسترس او می شود اجباری گردید .

تعدادی مردم و در جریان تحقق برنامه های اقتصادی و سیاسی رژیم مخالفت با آن برجا میآیند .
 رژیم هم این مخالفت ها را با روشهای فاشیستی سرکوب کرد . در این تشدد تصادم و تضییق و فشار
 سازمانهای افراطی و راستگرا و جنبه نظامی از نوع فاشیستی کونیست ها ، " پلیس ضد فاشیست
 و جمعیت " سنت ها ، خانواد و مالکیت " هر چه بیشتر شرکت میگردند . " اسواران برگ " کذا صبی
 ارگان تبلیغاتی تضییق و فشار علیه کونیست ها و تا پیش برستان گردید .

در این دوران به بافتکارگر و نیروهای دموکراتیک و سوسیالیست و سوسیالیست های سوسیالیست
 تروپا طرفه پرداختگی نیروهای دموکراتیک همراه بود . در سال ۱۹۶۸ نمایندگان و نمایندگان کثیر
 دانشجویان و روشنفکران متوجه بپوست ، ولی انکارناز و ای ضد کونیستی و افراطی چپ که میان آنها
 شیخ بود و همچنین تاثیر گروه های افراطی سود و ضررات سیاسی اعتراض آنان بر ضد فاشیسم و اکتلا
 از این بر - البته و این به چهره بدانی نیست که گروه های چپ گرای افراطی مسئول بپسر
 قرار می فاشیسم در برزیل اند . این نگاه بگردن انحصارها و تمام ارتجاع برزیل است . ولی ، جنبش
 مرتجعین هم نمیتوانند بدون گذشت های معینی در برابر خواسته های خود همی مردم و بطور مشخصه
 قهرمانی که بدانیان هستند هر چه خواهش های است انجام دهنده و زیرا در تلاش آنتی فاشیست
 که به روشی که کینیست با پایه های اجتماعی خود خاتمه داده اند و هندی - فارسی حال آنها بهیچ
 تیره تدابیر افراطی و ضد خود در نظر مردم بدنیال دلیل و برهان میگردد و نیز روشها و فرآیندهای
 و افراطیون چپ گرا هم فعالیت های با چرا چنانچه خوبتر برای آنها چنین مستحکام های فراهم
 نم آورند .

تشدد فاشیسم در شرایط نسبتاً مساعد اقتصادی و غیر خشونت و این موضوع تا اندازه معینی به
 توسعه رژیم اجتماعی آن کمک نکرد . در دوران " معجزه اقتصادی " گروه های تازه ای به بخش
 ارتجاعی قشرهای متوسط پیوستند که بطور عمده نمایندگان بورژوازی و تکنوکراسی کثیری و نظامی
 بودند که سطح زندگی و وزن و اعتبار سیاسی آنها بالا رفته بود . فاشیست ها موفق شدند بخش از
 اهالی راهبردها را " کشور بزرگ برزیل " تسبیح کنند . در این جریان رژیم از بالا رفتن تبلیغ صرف
 اهالی " سو " استفاده و از سیستم تبلیغاتی گوش بران خود میگوید . تدابیر
 مردم را از مبارزه در رمانتیک و اطمینان منحرف سازد و تضییق و فشار بر علیه عناصر " ضد ملی " را کمینا
 " فعالیت های غربگرایانه شان " گویا مانع پیشرفت کشور میسین به " آینه مافتخار آمیز " بود ،
 تیرش کند .

در چنین اوضاع احوالی نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی توانستند به هدف های خود انظار
 خود دست یابند و در آن مکانیسم حاکمیت اقتصادی و اجتماعی - سیاسی بوجود آورند که با خواست
 های انحصار طلبی خارجی و داخلی مطابقت داشت .

برقراری ایدئولوژی فاشیستی هم در این جهان نقش کوچکی ایفا نمیگردد . آنتی کونیسم
 در میان تروپا و خریس اجتماعی و ملی غلبه بیشتری از خود حاصل کردند . رژیم برزیل به تاثیر ایدئولوژی
 برزیلی خود فعالیت " شعار " مسلح ساختن طاعت بنام " هکت " ، " متشکل ساختن نیروی اخلاقی و بدن
 برزیلی ها " پرداخته است . میگوید با انواع وسائل از حالت توده ها و بویژه طبقه کارگر . مقدم
 بر همه از راه اعمال تضییق و فشار روانی و از طریق تبلیغات سیاسی آن رگاه های دامنه فعالیت های
 صنعتی که در ساختار زندگی با گاهای برزیل از سال ۱۹۶۱ وجود داشته ، جلوگیری بعمل آورد و پسندید
 کارهای سازمانهای بورژوازی برای انجام اقدامات سرگرم کنند بیشتر همی و دادن انبساط
 کنگهای ، مادی بدیل سازد . سعی و کوشش برای ترویج خود پرستی (اندوید و آلیم) ، محدود
 ساختن مقام انسانها در جامعه متحد بکنصرف کننده ، و در مرکز جوانان از فعالیت های سیاسی
 (از راه ترویج مخالفت در کارهای سازمانها و دانشجویی ، یکسان کردن سطح آگاهی و فرهنگ
 آنها ، تحمیل روحیه صرفی بی بند و بار) از ویژگیهای ایدئولوژی و سیاست رژیم است . علاوه بر
 تمام فاشیسم رژیم اسانه قد قدرت بودن در دولت کارگاههای طبقات قرار گرفته بعد تخلیغ میکند .
 فاشیسم بدین شکل میگوید مبارزه طبقاتی را از زندگی جامعه حذف کند .

در کشور " بهر فرشتا اقتصادی و اجتماعی " با هم با اساس ایدئولوژی فاشیستی در برزیل و اشتکول
 مدهد و رسالت آن فقط مدلل ساختن درستی و جرمی و مفرغ از انحراف اجتماعی - اقتصادی ،
 بلکه بطور عمده تا مین بسط و تکامل سرمایه دار و وابسته در شرایط ثابت سیاسی است .
 اشتراک فعالانه توده ها در زندگی سیاسی تا کورتای سال ۱۹۶۴ مانع انحصارهای خارجی
 در داخلی وابسته بدانان در تشدد و افراطی تراکم سرمایه بود . ایدئولوژی های فاشیسم برزیل
 از این مسئله بطور گسترده اعتقاد میکنند . در کشور " بهر فرشتا و امنیت ملی " روم مبارزه بر ضد
 " جنگ انقلابی داخلی " و نامزد ساختن لیبرالسم و برقراری " صلح اجتماعی " بمنزله " خواست
 ضروری امنیت " زیاد با فشار میگوید .

ظهور تمام و زورنگ های ایدئولوژیک در دوران ما ، در تمام کشورها و از جمله در برزیل اجساد
 سازمان بزرگ سیاسی از نوع احزاب فاشیستی که در اروپا وجود داشت ، بسیار دشوار است . رژیم
 احزاب سیاسی بورژوازی سنتی را منحل کرد و پیچیدگی آنها را با دلی تعدد و جنبش
 دموکراتیک برزیل و سازمان رسمی را به وجود آورد که دوی " اپوزیسیون " طیفی را تشکیل میدهد .
 آنها با بدیله " بسیج " یا درست تر بگویم بدیله برکنار کردن مردم از سیاست با هاند و زمین حیال
 نقش " میسند دموکراتیک و دوحسی " را ایفا کنند .

رژیم با وجود آوردن احزاب رسمی در واقع نوعی آزادی فعالیت سیاسی ، اگر چه بی حال و بی
 واسطه و اجبار داشته است . در ضمن نباید فراموش کرد که بوجود آوردن هر حزبی که برنامه سیاسی
 فعالیت آن با آنرا موجود در رفتار باشد دشوار است . اپوزیسیون باید " سازنده " باشد و در تغییر
 اوضاع اجتماعی آنها زامه نمایندگی آنها لایحه شود و این خطر همواره آنها را تهدید میکند .
 در کشور برزیل تا آخر موازین دموکراسی بورژوازی انتخابی است مانند قانون اساسی تغییر
 نظامی و رژیم جمهوری و انتخاباتات در کشور ملی حفظ میشود . ولی این بازی با دموکراسی است که
 رژیم برای فریب افکار عمومی جهان و توده های مردم در داخل کشور بدین نیازمند است . زیرا فاشیسم

کند زجرها جنگ جهانی و دینار و نگرید و است ، نغرتوان جزا جامعه بشری را برپا نگیرد . تنها به همین سبب هم شده فاشیسم معاصر امروز در پی عملی ساختن سلطه خود بهمان اشکال سابق نیست .

در لحظه های دشواریهای سیاسی فاشیست ها بریزل لیدران احزاب بورژوا - لیبرال سابق را بکام میخوانند . این احزاب را دشمن کرده اند ، ولی فاشیست ها میگویند لیدران آنها را با وجود همای و عواطف بیانه لیبرالیزه کردن رژیم درآینده نسوی خود جلبکنند . آنها می میدانند که با این قیام مائویرا به " توافق و رضامندی اجتماعی " دست یابند و توددها را تحت کنترل خود درآورند . رژیم سیاسی در بریزل طیرم کوششهایی برای درآمدن بلباس اشکال و موکراتیک قسلاپی بعمل میآورد قادر به پنهان کردن این واقعیت نیست که نمایندگانش در دیکتاتوری تروریستی گروه ارتجاعی ترین جناح سرمایه عالی یعنی سبایداران بزرگ ، نمایندگان انحصارهای بین المللی ، صاحبکاران و دین برپای است که به صنایع جنگی وابسته اند . نمایان نشی بالائی و ستارگان کراتیهای هستند که در ضمن داشتن شغل های رهبری در دستگاه دولتی همان وظایفی را انجام میدهند که مقام های عالی بورژوازی کشوری در دیگر کشورها . این افراد بخوردند و فارغ التحصیلان دانشگاه های افسری هستند که در کورسین کدائی " امنیتلی " و اندیشه های " معجزات اقتصادی بریزل " در چهار دیواری آن بدید آمد و کورسین ۱۹۴۴ هم در آنجا تدارک دیده شد . بعد هاجم دانشگاه آلمانی ، به مرکز ایدئولوژیک برقرار فاشیسم در بریزل میدل گردید (۱) . اما توده مجریه در بریزل شکل و خصلت با اصطلاح ورثیکالیسم رژیم جمهوری را پذیرد میگرد . ورثیکالیسم - سیستم تشبیه روه بدوره رژیم جمهوری () . فاشیسم به تشبیه و تمویض نمایندگان قوم صغیره دست میزند ، زیرا چنین سیستمی نتوانی نرزش بد آن میدهد . اما این سیستم ماهیتاً نراتخبیتر نمیدهد .

تا هنگامیکه اتحاد تصمیم وره بربرد ولت بخورگی وابسته به سیستم ورثیکالیسم رژیم جمهوری است . این هنگامیکه تا بکمال در دست رژیم جمهوری و شورای امنیتلی جنب آن ، دارای اطلاعات و در بکارگاریها متمرکز شده است (۲) . شورای امنیتلی ، ارگان عالی محوری رژیم جمهوری است .

۱ - ژنرال گویری دکتور سبیلوا از رجال فعال دانشگاه افسری یکی از ایدئولوگ های رژیم است که اداره اطلاعات ملی را تأسیس کرد و در نخستین دولت ارتجاعی پراژکوگ تساربا سیست آرترا بعهده داشت " اینک رژیم دفتر کشوری رژیم جمهوری است . او وابسته به کمپانی " دناو " کمپلک است " .

ژنرال ژواکویانیتسا فیکگی رادو رژیم دفتر نظامی رژیم جمهوری در ولت مدیسی بود (اینک در راس اداره اطلاعات است) ، با " دین و دیواریل " (شعبه " دین و دیواریل " در دفتر اندک کمپانی) در ارتباط است . این فقط دو نمونه از نمونه های بسیار دیگری است که رابطه نزدیکی در میان دولت و با کورپوراسیون های تشبیه " پیرلی " ، " اسکاتیا و امین " ، " مرشدین " ، " پیریه " تأیید میکند .

۲ - بموجب قانون اساسی ارتجاعی سال ۱۹۲۷ و اصلاحاتی که در سال ۱۹۶۹ در آن بعمل آمده ، فقط قسوه مجریه (رژیم جمهوری) حق دارد در برابرمسائل اساسی مربوط به امور مالی مالیات ها ، هزینه های دولت ، تعیین رتبه و درجه ، افزایش حقوق و تمدد اد افراد تشبیه و صنایع ایجاد سازمانهای اداری و قضایی و فعالیت آنها ، عقوبت خودگردی جرائم شناسایی و تفسیر و قانون وضع کند .

قانون امنیتلی (در واقع امر این همان " قانون اساسی " کشور است) از طریق تصویب لایحهها و فرمان هایائی که فقط رژیم جمهوری می توانند بدست حد تحقیق می پذیرد (۱) . اداره اطلاعات سمیتین و سیمون شمشکه شترکزکنترل سیاسی و خبری رژیم است که سر امر کشوری و برپا میگرد . تعداد زیادی ارگانهای اعمال فشار ایجاد کرده که رهبری آنها از اداره پلیس کشوری به فرماندهان نظامی ایالات محول گردیده و مرکز آنها نیز در سرپا ریخته خانه ها است .

توجه قضایه کشوری و ادگستری در حقیقت وزن و اعتبار خود را از زندگی اجتماعی از دست داده واخذ تصمیم های مهم قضایی در اختیار دادگاههای نظامی است . وکلانی را که دفاع از زندانیان سیاسی را بعهده میگیرند ، اغلب بزندان می آنگذند و شکنجه میکنند .

بهاک سخن به جدائی و استقلال سه قومیتنه ، اجرائیه و قضایه که از مشخصات " دموکراسی پارلمانی است " پایان داده شده است . هنگامیکه سیاسی با مطلق کردن نقش دولت و نیروهای مسلح مافوق همه چیز ، وجود واقعی و حقوقی سیستم توتالیتر ورثیکالیسم رژیم جمهوری ، استفاده از قوانین فوق العاده و بنزله صلاح اعمال ملطه فاشیستی طیرم وجود قانون اساسی ، با مسایل کردن حق حقوق خود در شرایط وجود تروری که " بصورت قانون درآمد " مشخص میگرد .

نمایان که قوای اجرائیه و قضایه را بدست گرفته و ارگانهای تصویب و فشار را کاملاً زیر کنترل خود دارند ، همچنین میباشند زندگی اجتماعی و اقتصاد دانشگاه آلمانی ، به مرکز بریزل رهبری کنند (۲) . مجتمع نظامی - صنعتی بوجود آورده میشود که به دارو دسته نظامیان نیروی بیشتری می بخشد . بررس و آموزش های در رشته های نظامی آفرشته شده است . تولید اسلحه تشدید میگردد و وابستن اسلحه بکشورهای امریکای لاتین و افریقا صادر میشود . با اصطلاح گروه ثابت بسنج صنعتی ایجاد گردیده است نمایان حاکمیت سیاسی - اقتصادی و حاکمیت نمایان رابطه برقرار کند .

۱ - بطور مثال در فرمان قانونی شماره ۸۱۸ مورخ ۲۱ و ۲۶ ۱۹۶۹ گفته میشود : شرکت " فعال اندک و با غیر مستقیم " در اصطلاح " نبرد روانی (پسیکولوژیک) خصمانه " ، تبلیغ ، اظهار مخالفت ، فعالیت در عرصه های سیاسی ، اقتصادی ، روانی و نظامی که روی افکار و عقاید ، احوال و روحیه ، وضعیت گیری و فعالیت گروه های خارجی ، دشمنان ، به طرف ها و یا طرفداران رژیم به شکل عقیدات با هدف های ملی و شوروی گرد و خنات بر ضد امنیت ملی بشمار می آید . " تبلیغات مخالف رژیم " با استفاده از هر نوع اوزانک ارتباطی جمعی مانند : روزنامه ، مجله ، کتاب ، پوشتن شب نامه و دیسکو ، تلویزیون ، سینما ، تئاتر و غیره ایجاب می نماید در شرایط خاص جمعی قلمداد کرده هالی نظامی در این اواخر مراسم مذهبی کلیساها را هم جزء " وسایل ارتباط جمعی " قلمداد کرده کمیته اند . در جریان نبرد روانی مخالف رژیم مشاء " خناتهای بشود " .

۲ - سنت و خالته نمایان در زندگی سیاسی مدتها است در کشور مرسوم شده است . محافل کشوری در لحظات بحرانهای سیاسی معیلا از ارتش می خواستند کمسولیت برقرار می و حفظ نظامی ترتیب موجود را بعهده خود بگیرند . در اواخر سال ۱۹۶۳ افسران عالی رتبه ارتش در مواضع مستحکم در زندگی کشوری دست آورند و مشاغل حساس کشوری را در سطح دستگاه دولتی در مرکز ، ایالات و شهرها برپا اشغال کردند . نمایان در گذشته پس از اهر شدن در حصنه سیاست ، اگر احزاب بورژوازی تقاضا میکردند معنولاً به سر بارخانه ها میگزشتند . حالا نمایندگان ارتش در زندگی اجتماعی - سیاسی کشور با و رومع ، نه فقط بنزله ضمان امنیت طبقات حاکمه ، بلکه در نقش " کاتالیزور " بسط و تکامل سرمایه داری دولتی - انحصاری هم شرکت می کنند .

شورای انضباطی برنامه بکار انداختن صنایع برای رسیدن به هدفهای نظامی و طرح و تصویب شدن کرد . با جمهوری قدران آلمان و فرانسه قرارداد های مختص و ایجاد صنایع اتصالی در برزیل به اتمام رسید و است . کشورها نوب در گمرکهای نظامی بالقوه در آمریکا را لاتین خیدل شده است . سیاست فاشیسم در تمام رشته ها تا گریه محدود شدن زمینه اجتماعی آن منتهی شد . فاشیسم در اخلای سیاست ضد کارگری و ضد ملی رژیم پهلوی شکستگی . همجمله اقتصاد ملی برزیل " انجاسید " پیروزی نیروهای اپوزیسیون در انتخابات اکتوبر ۱۹۷۴ به خود نشان داد که با فاشیسم میتوان مبارزه کرد و در برابر رژیم فاشیستی میتوان شگفتناهی پیدا کرد . دشواریهای جدی ناشی از بحران عمومی سرمایه داری ، متنزل سریع قدرت خرید مردم ، آهنگ سریع افزایش تورم به تشدید نعلیست نمائیت سیاسی ضد معانی آزرد ملی انجاسید که هر چه بیشتر مخالفت با رژیم برمیخیزند . فاشیسم از نوازانو به شدت ترین فشار و تشویق ها بر ضد طبقه کارگر پیروزه بر طبقه کمونیست ها دست میزند و اعتبار نمائیتها بندگان اپوزیسیون در برلمان را باطل میکند و تهدید میکند که مانع ادامه نمائلیست جنبش در موکراتیک برزیل خواهد شد . اما در همین پرده و تمام این اقدامات ترس از آینده که در نتیجه تضاد های عمیق داخلی در برابر رژیم نمودار میگردد ، وجود دارد .

همین بیگانه که رهبری دولت بانظامیان است ، خود منبع تضاد های بسیاری است - گروههای سیاسی سنتی که در ستخان از رهبری کشور کوتاه شده در راه رسیدن به شرکت بیشتر در دولت مبارز میکنند ، این گروهها به موکراتیکه کردن زندگی سیاسی در کشور تا میزان معینی ، مثلاً تا حدود انتخاب مستقیم رئیس جمهوری نینفع اند (۱) و با اینکه میخواهند کنگره ملی ارگانی نباشند که فقط بد ستورها و اواصرتوه اجرائیه صحیح گذارد ، بلکه ترجیحی باشد که آنها بتوانند از پشت آن خواستهای خود را مطرح کنند .

خصلت استبدادی و شمرگز شدید دستگاه دولتی با آن قشرهایی از پیروان کمیکوشید برای فعالیت خود محیط وسیعی در اختیار داشته باشند در تضاد است ، آنها از ولتی شدن در اقتصاد نبود انحصارها در هم و هراس اند . این نیروها اغلب با بد اخله دولت در زندگی کشور و تشویق و فشار های که از طرف رژیم میشود مخالف میگردند .

رژیم فاشیستی بختلیها توسعه بی بند و بار ضد کمونیستی برداشته روزنامهها را مجبور میگرد هر روز درباره " اقدامات خرابکارانه " و " بیگانهت بر طبقه دولت " مطالبی منتشر کنند . ولی در چنین شرایطی هم گاهی اخباری در این روشکجهها و کشتار زندانیان سیاسی در صفحات روزنامه ها منعکس میگردند . تشویق و فشاری که بد ستور فرماندهان نظامی اعمال میشود منجر به پیدایش تضاد درون نیروها و مسلح میگردد ، زیرا بیشتر بزرگ افراد نیروی مسلح با انجام وظائف پلیسی موافق نیستند . با اینکه به دستگاه شکنجه و تشویق و فشار بد ولتی در ردیف دولت خیدل شد مابین بد بد عمدتاً میتواند موجب نگرانی بخشی از نظامیان حرفه ای نگردد .

قشر بالای نظامیان که قشادهای دولتی را بخود اختصاص داده اند ، و نظریه اقمین منافعی پیروان انحصاری محلی وین المللی را باغای میکنند و این امر تا گریه ر شوه خواری منجر میگرد و هوی و هوس بد ست آوردن امتیازهای رادرفمان افسران عالی مرتبه ارتش بر می انگیزد . این نیز

۱ - آنها در حال حاضر نمیتوانند در انتخاب رئیس جمهوری که در آن فقط تعداد کمی از آنها بندگان عالی مرتبه نیروها و مسلح شرکت میورزند ، موثر باشند .

منبع دیگر تضاد های موجود میان افسران عالی مرتبه و قبه افراد نیروهای مسلح است و یکی از علل تضاد اخلاقی و سیاسی آنان میباشد .

ماکونیست ها در راه وحدت نیروهای دموکراتیک زیر شعارهایی که در کارها به ضد فاشیسمی حزب آمد مبارز میگردند . شعارهای مبارزه در راه احترام به حقوق انسانها و آزادیها ، دموکراتیک و لغای لاتین شماره ۵ ، تشویق تمام مسموم قانونگذاری فوق العاده ، برهم زدن ساختار دولت فاشیستی ، تصویب قانون اساسی دموکراتیک و تصویب زندانیان سیاسی بقدر هر سه امرها مبارزه در راه دموکراسی را حزب با اتحاد ازمعالج ملن ، با آنها در مخالفت با سیاست ضد ملی تسلیم طلبانه ، تجاوزکارانه و توسعه طلبانه فاشیسم کمیناس جهانی وابسته به ارتشهای ترسناک گروه های انحصاری است که با کاهش تشنج بین المللی و صلح در سراسر جهان مخالف میورزند در هم می آمیزد .

مبارزه ضد فاشیستی و ضد انحصاری و مبارزه در راه دموکراسی و استقلال ملی سه بخش مساوی در برابر مظم نیروهای دموکراتیک و مترقی سراسر جهان بر طبقه امپریالیسم ، ارتجاع و در راه صلح و ترقی اجتماعی و وظیفه ملی و انتقارنا سونالیستی است .

مانده از صفحه ۵۶

برای تشکیل اجتماعات - انتقالی معاصر در برابر ماکونیست ها - لنینیت ها و بقیه بسط و تکامل خلاق شهروانه شعوری را قرار میدهد . این بسط و تکامل فقط هنگامی میتواند واقعاً پیش و پس باشد که بر اصول ماکوسیسم - لنینسیم که از آزمون زندگی بد آمده ، متکی باشد .